

# اصالت مهدویت در اسلام

## از دیدگاه اهل تسنن

تألیف : مهدی فقیه ایمانی

### مشخصات کتاب

نام اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن

تألیف مهدی بن محمد باقر فقیه ایمانی

ناشر مؤلف

چاپ اول بزبان ترکی استانبولی در ترکیه

چاپ دوم قم

تاریخ انتشار نیمه شعبان ۱۴۱۸ هـ برابر با آذر ماه ۱۳۷۶

تیراژ ۳۰۰۰

قال النبی صلی الله علیه و آله :

من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

کسی که خروج — و قیام جهانی — مهدی را انکار نماید ،

پس محققاً بدانچه — از طرف خدا — بر محمد نازل شده

کفر ورزیده

قال رسول الله صلى الله عليه و آله :

من كذب بالمهدى فقد كفر

رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود :

کسی که مهدی را دروغ پندارد و تکذیب کند ،

پس بدون شك گرایش به کفر جسته

## بسمه تعالی

### مهدی منتظر (علیه السلام) و نخستین مطرح کننده آن در اسلام

با مروری بر مصادر حدیثی ، تاریخی ، عقیدتی ، و تفسیری شیعه و سنی بدین حقیقت پی خواهیم برد که نخستین کسی که موضوع مهدی منتظر و قیام جهانی او را مطرح و ایراد کرد و حتی مشخصات خانوادگی و پدران و اجدادش را آنچنان دقیقاً اعلام نمود که زمینه سوء استفاده مهدی های ادعائی و دروغین را از عنوان « مهدی منتظر » خنثی و منتفی نمود ، همانا شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود .

آری حضرتش همانند دیگر شئون سرنوشت ساز اسلامی ، بر اساس وحی الهی ، مسئله مهدویت را پایه گذاری فرمود و نیز با ایراد يك سلسله علائم و نشانه های ظهور و ویژگیهای محلی و تاریخی قیامش ، مسلمانان را هشدار داد که هم به موقع منتظر و آماده ظهور و قیام « حضرت مهدی واقعی » باشند .

هم فریب مهدی های دروغین و ساختگی شیطان صفت و ریاست طلب رانخورند ، وهم به اباطیل و گفته های خلط مبحث کننده گان حقایق دینی با افکار مغرضین و مستشرقین یهودی و مسیحی ترتیب اثر ندهند .

براین اساس همانطوریکه اشاره شد با مراجعه به مصادر دست اول روایتی ، تفسیری ، کلامی و تاریخی هر يك از مذاهب سنی و شیعه شکی نخواهد بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بعد از طرح و ایراد مسائل خدا شناسی ، پیامبر شناسی و اصل مسئله امامت و خلافت بعد از خود ، بیش از هر مسئله عقیدتی و عملی و اخلاقی روی موضوع آخرین خلیفه « برحق بعد از خود و یگانه مصلح جهانی » یعنی موضوع مهدی منتظر و دوران ولادت و کودکی و از آن پس دوران های غیبت صغری ، غیبت کبری ، ظهور و قیام جهانی و چگونگی حکومتش ، تکیه نمود .

بطوریکه بخش مهم و غیر قابل انکاری از احادیث و فرموده هایش پیرامون شئون حضرت مهدی موعود منتظر خلاصه شده ، و اضافه بر محتوای مصادر فراوان و منابع بیشمار حدیثی و تاریخی و عقیدتی که بخشی از هر يك مختص به ذکر احادیث « مهدی منتظر » است ،

تنها تعدادی بیش از یکصد و پنجاه جلد کتاب و رساله با حجم های مختلف و سبک های گوناگون ، هر يك بیانگر ده ها و صدها روایت از رسول خدا ( ص ) در باره شئون حیاتی ، خانوادگی ، شکل و شمایل ، و مقام امامتی « امام مهدی منتظر می باشد ، که به قلم علما و دانشمندان روحانی و اساتید دانشگاهی اهل تسنن تنظیم و ارائه شده و بسیاری از آنها هم چاپ و منتشر گردیده و از این پس فهرست اسامی آنها به نظر خواهد رسید ، و چه بهتر جهت آگاهی اجمالی به کتابهای زیر مراجعه شود(۱) .

براین اساس بطور خلاصه از جمله عقاید حقه اسلامی مورد اتفاق سنی و شیعه ، هم عقیده به اصل مهدویت در اسلام است و هم عقیده به امامت و خلافت حضرت مهدی موعود منتظر و قیام جهانی او و برقراری عدل و داد سراسری و امنیت همه جانبه و رفاه همگانی به وسیله او .

در این رابطه از نیمه دوم قرن سوم هجری ، ( ۵ سال قبل از ولادت حضرت مهدی حجة بن الحسن ) تا هم اکنون که دهه دوم قرن پانزدهم را طی می کنیم بیش از دوهزار جلد کتاب و رساله و مقاله درحد کتاب و رساله به زبان های عربی ، فارسی ، اردو ، ترکی استانبولی ، تایلندی ، انگلیسی ، فرانسوی ، روسی و دیگر زبانهای مناطق مسلمان نشین بقلم علما و دانشمندان شیعه و سنی تالیف یا ترجمه شده و به شرح مندرج در کتابنامه های نامبرده حداقل نیمی از آنها حتی بطور مکرر چاپ و منتشر گردیده ، وبالاخره نه هیچ گونه جای خالی برای مطرح گردیدن مدعیان دروغین مهدویت و بابیت برجای گذارده ، و نه سرنخی برای تشکیک افراد مشکک و شیطان صفت ( در اصل مهدویت در اسلام یا در احادیث مورد اتفاق بین شیعه و سنی پیرامون مهدی موعود حجة بن الحسن العسکری ع ) و نه زمینه ای برای خلط مبحث ( مستشرقین غربی ، یا شرقی های غرب زده ) مسائل دینی و حقایق اسلامی را با تخیلات و یاوه گوئی .

اما متأسفانه می بینیم بعضی افراد نه غربی و مستشرق یهودی یا مسیحی و نه يك مسلمان عادی بی اطلاع از مبادی دینی و نا آشنای با مصادر اصیل اسلامی شیعی و سنی ، که يك مسلمان برخوردار از عناوین پرفسوری و استادی از موضع پست ریاست دانشکده الهیات و عقیده شناسی منطقه مسلمان نشین استانبول \_ با اشراف محلی بر هزاران کتاب خطی و چاپی ویژه مسائل عقیدتی و حدیثی و تاریخی شیعه و سنی از طریق کتابخانه های فراوان و پر محتوای ترکیه \_ از روی بی تفاوتی نسبت به حقایق دینی و واقعیات اسلامی و بطور خلاصه ( برمینای رهروی راه مستشرقین یهودی و مسیحی نه تنها بیگانه از اسلام که سرسخت ترین دشمنان اسلام ) احادیث پیرامون حضرت مهدی را با انواع ویژه گی اسلامی و برخورداری از عالیترین درجه اعتبار ، در درجه هرچه ضعیف تر کمی و کیفی تلقی نموده و از این رهگذر عقیده به موضوع مهدی موعود اسلام را به باد مسخره و انکار گرفته و آن را ناشی از الهام گیری از یهود و نصاری و انمود می کند .

یا ناشی از فشارها و محدودیت های سیاسی شیعی در قرون اولیه اسلام از قبیل واقعه کربلا و شهادت امام حسین که آن را \_ یعنی امر مهدی منتظر را \_ در رابطه با آن رخدادها اختراع و مطرح کردند .

آری قرنهای قبل از به نمایش درآمدن تعدادی از مستشرقین یهودی و مسیحی شیطان صفت امثال:

– **دونالد سن داویت** ، مؤلف « عقیده الشیعه » ، بزبان انگلیسی ، ( که ترجمه عربی آن هم در مصر و هم در عراق منتشر گردید ) و جهت آگاهی بر دروغ بافی های او چه بهتر مراجعه شود به الغدیر علامه امینی ج ۳ ص ۳۲۰ – ۳۲۳ ،

– **ولہوسن** ، مؤلف « الخوارج و الشیعه » ،

– **فان فلوتن** ، ( ۱۸۶۶ – ۱۹۰۳ م ) مستشرق هلندی و مؤلف « السیادة العربیة و الشیعه و الاسرائیلیات فی عهد بنی امیه » ،

- **گولڈزپهر يهودى** ، ( ۱۸۵۰-۱۹۲۱م ) مستشرق فرانسوى مؤلف « العقيدة و الشريعة فى الاسلام » ،
- **كارل بروكلمان** ، ( ۱۸۶۸-۱۹۵۶م ) مستشرق آلمانى ومؤلف « تاريخ الشعوب الاسلاميه » ،
- **لويس ماسينيون** ، ( ۱۸۸۲-۱۹۶۲م ) مستشرق فرانسوى ومؤلف آثارى از قبيل كتب فوق ،
- كه با بيگانگى همه جانبه از اسلام هريك موضوع مصلح جهانى اسلام - يعنى مهدى منتظر عج و احاديث پيرامون شئون حياتى و امامتى حضرتش را همانند ديگر حقايق اسلامى ( مورد تخطئه و تكذيب و خلط مبحث قرار داده و به باد مسخره گرفتند
- و نيز قبل از سر از آب درآوردن يك عده مسلمان نماى غرب زده و بى اعتناى به مبانى دينى و سنت پیامبر ( ص ) و بدور از عالم حديث شناسى- امثال:
- **شيخ محمد عبده مصرى** ، ( ۱۲۶۶-۱۳۲۳ ) مؤلف « شرح نهج البلاغه » !
- **رشيد رضا مصرى** ( ۱۲۹۵-۱۳۵۴ ) مؤلف « مجله المنار » و « السنة و الشيعة » .
- **فريد وحدى مصرى** ، ( ۱۲۹۲-۱۳۷۳ ) مؤلف « دائرة المعارف القرن العشرين » .
- **احمد امين مصرى** ، ( ۱۲۹۵-۱۳۷۳ ) نويسنده المهدي و المهدوية « و « ضحى الاسلام » و « فجر الاسلام » .
- **سعد محمد حسن مصرى** ، شاگرد احمد امين ، نگارنده « المهدي فى الاسلام منذ اقدم العصور حتى اليوم » .
- **ابوزهره مصرى** ، از زمره علمای جامع ازهر مصر ، مؤلف « الامام زيد » و « الامام الصادق » .
- **دكتور احمد محمد على** ، مؤلف « دراسة عن الفرق فى تاريخ المسلمين » .
- **على حسين السائح ليبياى** ، مؤلف مقاله تراثا و موازين النقد « مندرج در مجله كلية الدعوة الاسلاميه ليبياى شماره ۱۰ ، سنه ۱۹۹۳ صفحه ۱۸۵ و ۲۰۵ .
- **محمد عبدالكريم عنوم** ، مؤلف رساله دكتوراى فلسفه به نام « النظرية السياسية المعاصرة للشيعه الامامية الاثنى عشرية » .
- **دكتور سلمان بدور** ، صاحب « مقدمه » بر رساله عنوم .
- **شيخ عبدالله بن زيد آل محمود** ، رئيس شئون دينى و محاكم شرعى قطر ، مؤلف « لامهدى ينتظر بعد الرسول سيد البشر » .
- **و شيخ جبهان** در « تبديد الظلام » و جز اينها شيخ . . . و ابو . . .

**ابن خلدون مغربی** ( درگذشته ۸۰۸ ) ، احادیث پیرامون مهدی منتظر را در تاریخش ( ص ۵۵۵ ) ، فاقد اعتبار کمی و کیفی وانمود کرد و گفته های بی محتوای او برای اکثر مخالفین غربی و شرقی با امر مهدویت و قیام جهانی مهدی منتظر ، سر نخ خلط مبحث و دروغبافی و انکارحقایق اسلامی گردید ، در صورتیکه ابن خلدون يك مورخ نا آشنای با عالم حدیث و حدیث شناسی بوده و هیچ گونه صلاحیت اظهار نظر در این موضوع را نداشته که پیشگوئیهای پیامبر اکرم( ص ) را پیرامون مشخصات و ویژه گیهای حضرت مهدی منتظر و قیام جهانی او در ۱۹ روایت وانمود و تخطئه کند .

همچنانکه حدود سه قرن و نیم پیش از پیدایش ابن خلدون ، **ابن حزم اندلسی ظاهری** ( درگذشته ۴۵۶ هـ ) به مخالفت و انکار مسئله مهدویت و فاقد اعتبار بودن احادیث آن حضرت برخاست ، آن چنانکه عده ای از مخالفین با امر مهدویت و ولادت حضرت مهدی نیز از نوشته های او دم از بیراهه روی و تخطئه موضوع مهدویت زدند .

و ابن حزم را کتابی است به نام « الفصل فی الملل و الاهواء و النحل » که بخشی از آن را اختصاص به بحث درباره حضرت مهدی منتظر داده است .

جالب توجه اینکه ردنویسان بر این کتاب ها و مقالات و شبهه افکنی ها ، و باز کننده گان مشیت خیانت مؤلفین آنها نه تنها شیعه بودند که حتی قبل از شیعه علمای سنی هم به انگیزه اثبات مهدی منتظر و اثبات صحت و برخورداری احادیث مربوط بدان حضرت از اعتبار هرچه بیشتر عالم حدیث شناسی- بیکار نشستند ، بلکه بهترین و محققانه ترین ردّیه ها را بر آنها نوشته و انتشار دادند و از این رهگذر مشیت خرابکاری و بیراهه روی مؤلفین نامبرده را باز و بساط دروغبافی و انکار حقایق پیرامون مهدی منتظر عج را برچیدند ، که این جانب با کمبود منابع تحقیقی مربوطه و مشاغل وقت گیر تنها به تعدادی از آنها برخورد نمودم و لازم دانستم آنها را به شرح زیر به نظر خوانندگان حق جو برسانم و آنها بدین قرار است:

## ردیه های علما و دانشمندان سنی بر منکرین مهدی منتظر یا تکذیب کنندگان احادیث پیرامون آن حضرت

### ۱- ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون ،

ابوالفیض سید احمدبن محمد بن صدیق غماری ، شافعی ، ازهری ، مغربی ، ( درگذشته ۱۳۸۰ ) چاپ  
مطبعه ترقی دمشق ۱۳۴۷ ،

### ۲- ابراز الوهم من کلام ابن حزم ،

احمدبن صدیق غماری مؤلف قبل ، چاپ ۱۳۴۷ مطبعه ترقی دمشق ،

### ۳- الاحتجاج بالاثر علی من انکر المهدی المنتظر ،

شیخ حمّود بن عبدالله تویجری ، از اساتید دانشگاه اسلامی مدینه ، در رد بر شیخ ابن محمود قاضی  
قطر در دو جلد ، چاپ جلد اول ۱۳۹۴ و جلد دوم ۱۳۹۶ در ریاض ،

### ۴- الی مشیخة الازهر ،

شیخ عبدالله سبیتی عراقی در رد بر « المهدویة فی الاسلام » سعد محمد حسن ، چ ۱۳۷۵ هـ  
دارالحدیث بغداد ،

### ۵- تحدیق النظر فی أخبار الامام المنتظر ،

شیخ محمد عبدالعزیز بن مانع ( ۱۳۸۵ ) پیرامون اثبات احادیث حضرت مهدی ، و در رد گفته های  
ابن خلدون ،

### ۶- الجزم ، لفصل ابن حزم ،

در رد ابن حزم است که بخشی از کتاب « الفصل فی الملل و الاهوا و النحل » او در تخطئه و تکذیب  
احادیث مهدی منتظر میباشد ، و شیخ کاظم حلی ( متولد حوالی ۱۳۰۰ ) آن را در دو جلد ضخیم تنظیم  
و چاپ نمود . [الذریعه ۱۰۴/۵] ،

### ۷- الرد علی من کذب بالاحادیث الصحیحة الواردة فی المهدی ،

عبدالمحسن العباد ، استاد دانشگاه اسلامی مدینه و عضو هیئت تدریسی آن ، چاپ مجله دانشگاه  
شماره ۴۵ ص ۲۹۷ - ۳۲۸ و شماره ۴۶ ص ۳۶۱ - ۳۸۳ ،

این مقاله یا رساله که بیانگر محققانه ترین بحث حدیثی و تاریخی پیرامون مهدویت و قیام مهدی منتظر است در رد بر کتاب « لامهدی ینتظر بعد الرسول » شیخ ابن محمود قطری است و در اصالت مهدویت و قیام مصلح جهانی خلاصه شده ، هرچند در امر ولادت حضرت و موضوع حسینی بودن آن بزرگوار مخالف با شیعه و بر خلاف نظر اعترافی بیش از یکصد نفر از علمای سنی می باشد که اعتراف به هر دو موضوع نموده اند ، و این جانب را در این زمینه با او خاطره ای است که در کتاب « شناخت امام » آورده ام و در اینجا مجال ذکرش نیست ،

#### ۸- مع الدكتور احمد امین فی حدیث المهدی و المهدویه ،

محمد امین زین الدین چاپ مطبعه دارالنشر نجف اشرف ۱۳۷۱ هـ ۱۹۵۱م ،

#### ۹- المهدی واحمد امین ،

محمد علی زهیری نجفی ، چاپ اول ۱۳۷۰ هـ ۱۹۵۰ م نجف اشرف ،

این کتاب هم در رد کتاب نامبرده احمد امین مصری است ،

#### ۱۰- نقد الحدیث بین الاجتهاد و التقليد

سید محمد رضا حسینی در رد بر علی حسین سائح لیبی ، چاپ دوم قم ، ۱۴۱۷ هـ ،

#### ۱۱- الوهم المکنون فی الردّ علی ابن خلدون ،

ابوالعباس بن عبدالؤمن ، مغربی ،

#### ۱۲- هدی الغافلین الی الدین المبین ،

سید مهدی صالح کشوان قزوینی ،

این کتاب در پاسخ به شبهات ابن حزم پیرامون مهدویت حضرت مهدی خلاصه شده و بسال ۱۳۳۵ از تالیف آن فراغت جسته ،

[کتابنامه حضرت مهدی( ع ) آقای مهدی پور ۷۷۸/۲]

اکنون می گوئیم: فرموده های پیامبر اکرم ( ص ) در رابطه با موضوع نخستین مطرح کننده بودن امر مهدویت در اسلام و عنایت و اهمیتی را که پیرامون مسئله امامت ارائه داد در دو بخش خلاصه می گردد:

بخش اول: ایراد حدیث « **من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه** » و فرازهای مشابه بود که با مطرح کردن آن مرگ هر مسلمان بدون شناخت « امام زمان » زمانش را تهدید و محکوم به مرگ جاهلی فرمود ، و بطور کلی و قاطعانه امر امام شناسی را سرنوشت سازترین مسائل اسلامی اعلام کرد.



بخش دوم آن: معرفی امامان بعد از خود بود که از جمله مهدی منتظر محمد بن الحسن العسکری را ( با تمام مشخصات نسبی و خانوادگی و شکل و شمایل و دیگر ویژه گی های محلی و تاریخی و رخدادهای مربوطه به دوران امامتش ) به عنوان آخرین خلیفه و امام برحق و یگانه مصلح جهانی بودن معرفی و اعلام فرمود.

بر این اساس با توجه به مقاله پرفسور . . . که در انکار احادیث پیرامون مهدی منتظر و سرخ گرفتن عقیده به او از یهود و نصاری خلاصه شده ، فهرستوار می پردازیم به ذکر مسائل مربوط به اصالت اسلامی امر مهدی منتظر از دیدگاه اهل تسنن که پرفسور هم خود سنی و ناگزیر از پذیرفتن مصادر مربوطه و تن دادن به اعترافات کتبی صدهائفر از علمای سنی و اساتید و دانشمندان این فرقه می باشد.

### **برخوردار بودن احادیث پیرامون مهدی منتظر(علیه السلام) از عالی ترین درجه اصالت**

#### **اسلامی**

با مروری کوتاه بر مندرجات تعدادی از کتب اختصاصی امام مهدی منتظر یا کتبی که بخشی از هر يك از آنها بذکر احادیث آن جناب اختصاص یافته ، بدین واقعیت پی میبریم که حداقل حدود شصت نفر از صحابه پیامبر اکرم ص احادیث و روایات مربوط به حضرت مهدی منتظر را بلاواسطه از قول آن بزرگوار نقل و اشاعه داده اند ، که ما درین مقاله تنها به ذکر اسامی صحابه مطرح شده در منابع مربوطه اهل تسنن که تعداد آنها متجاوز از چهل نفر است اکتفا نموده ، و می گوئیم نقل همین عده از صحابه احادیث « مهدی منتظر » را ، محکم ترین دلیل است بر صحت و تواتر و قطعی الصدور بودن آنها از ناحیه رسول خدا( ص ) ، و اینکه مسئله مهدویت در اسلام و موضوع مهدی منتظر از عمیق ترین مایه اصالت و ریشه اسلامی و از عالی ترین درجه اعتبارحدیثی و حدیث شناسی برخوردار بوده ، آنچنانکه دیگر زمینه ای برای تشکیک پیرامون اصل مهدویت و انکار مهدی منتظر و تخطئه احادیث مربوطه فراهم نبوده و نخواهد بود .

اضافه برین بیش از سی نفر از محدثین و حدیث شناسان درجه بالای سنی اعتراف به تواتر احادیث مهدی منتظر نموده که شرحش بنظر میرسد ، همچنانکه حداقل بیست و پنج نفر از علمای حدیث شناس سنی اعتراف به صحت و قابل استناد بودن احادیث مهدی منتظر کرده اند و با روی سخن به علما و دانشمندان سنی می گوئیم: اگر این همه کتاب و مصادر و منابع حدیثی ، تفسیری ، تاریخی ، و کلامی که بیانگر حقایق مربوطه است صحیح و برخوردار از اعتبار اسلامی است که دیگر جای شبهه ای باقی نمی ماند و زمینه ای برای ایراد اباطیل مطرح شده وسیله پرفسور . . . نیست و اگر فاقد اعتبار است و مندرجات آنها دروغ و ساختگی میباشد پس باید با خط سرخ کشیدن روی این کتابها ، آنها را از صحنه آثار اسلامی و سنت نبوی خارج و از این پس دیگر مطرح و مورد استناد واقع نشود .

اکنون نخست می پردازیم بذکر فهرست اسامی صحابه ناقل احادیث مهدی موعود منتظر و از آن پس به فهرست اسامی معترفین به تواتر آن احادیث و صحت و قابل استناد بودن آنها:

#### **تذکر**

نظر به اینکه از قرار اطلاع آقای پرفسور روحی قیفلانی نویسنده کتاب « مذاهب اعتقادی اسلامی در عصر ما » - که متضمن مقاله موضوع بحث تحت عنوان « مهدی ! » است (۱) - سنی حنفی می باشد و معمولا با شیعه غیر مربوط بلکه طبعاً از تشیع دور و از پیروی امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) رویگردان و آن را باطل می داند ما هم در نگارش و تنظیم این مقاله کاری به کار شیعه و استفاده از منابع مربوط به آن نداشته ،

بلکه سراسر مقاله و صد در صد نقلیات حدیثی و تاریخی و اعترافی آن مبنی بر استفاده از منابع مربوطه و معتبر اهل تسنن است ، با ارائه آدرس دقیق ، تا اگر جناب پرفسور روحی واقعا يك مسلمان سنی است ناگزیر در حداقل هم که باشد به مندرجات مسلم و بدور از دروغ و دروغبافی منابع اهل تسنن و نیز به احادیث متواتر و قطعی الصدور نبوی و مطرح شده در آن کتابها تن در دهد و سر تسلیم فرود آورد و از نوشته های خود ( مبنی بر سرنخ گرفتن عقیده به مهدی منتظر در اسلام از عقاید یهود و نصاری و نیز انکار احادیث مربوط به مهدی منتظر عج ) که غربال شده اباطیل مستشرقین یهودی و مسیحی است عذرخواهی کند ، و در راستای مذهب شناسی آن هم در غالب کتاب کلاسیک دانشگاهی آبروی خود را حفظ و آسیب وارده بر آن را ترمیم نماید ،

و یا جرأت بخرج دهد و صاف و صریح بگوید: هرچند من مسلمان سنی هستم ولی مصادر و منابع مربوط بدانها را قبول ندارم و باید آنها را در زباله دان تاریخ ریخت تا دیگر مسلمانان تکلیف خود را بهتر بدانند.

وگرنه ما با مسلمان نه سنی نه شیعه بلکه بلندگوی مستشرقین و اشاعه دهنده مزخرفات آنها و حیره خوار بیگانگان دشمن اسلام کاری نداشته و نداریم ،

اما خواه و ناخواه برای آگاهی خوانندگان کتابهای چنین افرادی و پی بردن به غرض ورزی و خیانت های دینی یا اشتباه کاری های این گونه نویسندگان ، این مقاله را تنظیم و به خوانندگان حقیقت جو تقدیم ، تا سیه روی شود هر که دروغش باشد ، و ما هم حداقل دین شرعی و انسانی خود را ادا نموده باشیم.

آقای پرفسور روحی نویسنده مقاله « مهدی » اولین سرنخی که ارائه داده و خواسته است بر اساس آن و با درجا زدن عقیده به مهدی منتظر را باطل ویی اساس وانمود کند ، معتقد بودن یهود و نصاری و دیگر فرق غیر اسلامی باشد به مصلح جهانی و انتقام کشنده از ستمگران و خلاصه هر دسته از فرق غیر اسلامی درحال انتظار آمدن او و قیام جهانی اش بسر می برند و بر این اساس وانمود می کند که عقیده به مهدی منتظر و انتظار ظهورش فاقد اصالت اسلامی می باشد و سرنخ گرفته از عقاید یهود و نصاری و بودائی ها و هندی ها است.

در حالیکه بابررسی کوتاهی پیرامون مایه های عقیدتی عموم ادیان و فرق غیر اسلامی از دیدگاه قران و دیگر منابع اسلامی و غیر اسلامی بدین نتیجه می رسیم که مشترکات عقیدتی مسلمانان با دیگر فرق دینی و مذهبی جهان فراوان و در حد غیر قابل انکار است ، ولی بهیچ عنوانی اشتراك عقیدتی دلیل بر بطلان عقاید اسلامی و بیراهه روی مسلمانان نخواهد بود.

از باب مثال مسلمانان در اصل عقیده به خدا و وجود آفریدگار جهان با یهود و نصاری و حتی با بت پرستان مشترکند ، اما در چگونگی و کم و کیف صفات سلبیّه و ایجابیّه الهی با هم اختلاف دارند.

یهود و نصاری برای خدا قائل به فرزندند ، ولی مسلمانان به چنین چیزی معتقد نبوده و نیستند.

قران مجید درباره یهود و نصاری فرماید:

**( قَالَتِ الْيَهُودُ عِزِيرَ ابْنِ اللَّهِ وَ قَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحَ ابْنَ اللَّهِ )**

**( توبه ، آیه ۲۰ )**

یهود گویند عزیر پسر خداست و نصاری گویند مسیح پسر خداست.

نیز قران فرماید:

**( قَالَتِ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى نَحْنُ ابْنَاءُ اللَّهِ وَ . . . ) ( مائده ، آیه ۱۸ )**

یهود و نصاری گفته اند ما پسران خداوند هستیم. . .

نیز قران مجید فرماید:

**( وَ قَالَتِ الْيَهُودُ يَدَّاللَّهِ مَغْلُوبَةً عَلَّتْ اَيْدِيَهُمْ وَلَعَنُوا بِمَا قَالُوا )**

**( مائده ، آیه ۶۴ )**

یهود گویند: دست خدا مغلول و به زنجیر بسته است. دستهایشان بسته باد و بخاطر این سخن ملعون و از رحمت الهی دور باشند.

و این در حالی است که مسلمانان عقیده به چنین چیزی - که نشانگر ضعف خدا و محدودیت قدرت و اختیار اوست - ندارند.

پس بطور خلاصه اگر اشتراك مسلمانان - مخصوصا شیعه - با یهود و نصاری در عقیده به مصلح جهانی به نام مهدی منتظر یا دیگر عناوین دلیل بی اصالت اسلامی بودن عقیده به مهدویت است ، نیز اشتراك مسلمانان با یهود و نصاری در عقیده به خدا و مبدء آفرینش مستلزم بطلان خدا پرستی و عدم اصالت و ریشه داری عقاید توحیدی است ، نستعید بالله.

آری اگر اشتراك در بعضی عقائد حقه دینی بافرقه های باطل و بیراهه رو موجب بطلان و بهانه تخطئه از آن عقاید حقه باشد ، پس در صورتیکه افرادی شاید ، فریبکار و ریاست طلب از عنوان نبوت و شئون پیغمبری سوء استفاده نموده و دعوای نبوت کردند و حتی هزاران نفر مردم فریب خور را فریب داده و بیراهه بردند ، باید منکر مقام نبوت و موضوع فرستاده خدا شد و تمام دلائل عقلی و نقلی مقام نبوت و معجزات او را به باد مسخره و انکار گرفت.

به دلیل آنکه موضوع نبوت در بین پیروان پیامبران دروغین مطرح است و برخوردار از اصالت نیست ، و به قول شاعر این رشته سر دراز دارد که باید با این طرح هرگونه سوء استفاده خائنانه یا جاهلانه - ازعناوین و شئون دینی و مقام نبوت ، خلافت ، امامت ، آیات قرانی ، احادیث نبوی و احکام مسلمه

اسلام – تلقی به دلیل شود بر بطلان اصل نبوت و خلافت و امامت و بر بطلان اصل آیات و احادیث و احکام مورد سوء استفاده های مختلف و باز نستعید بالله.

در پایان شیخ محمد خضر حسین این مطلب را بدین گونه مطرح و پاسخ گفته: که اگر مردم از فهم حدیث نبوی سوء استفاده کردند یا نتوانستند آنطوریکه باید و شاید حدیث را منطبق با هدف اصلی از ایراد آن نمایند ، و در نتیجه مفاسدی را به بار آورد ، شایسته و سزاوار نیست که این سوء استفاده یا ناتوانی بر انطباق با هدف ، داعی به شك در صحت حدیث شود و بهانه برای انکار و تکذیب آن<sup>(۱)</sup>.

نیز ناصرالدین آلبانی همین موضوع را با دیگر عبارت ردّو ایراد نموده که بخاطر اختصار نیازی به ذکر متن آن نباشد<sup>(۲)</sup>.

در پایان این مقال می گوئیم: ولسفا به حال يك مسلمان استناد متخصص « تاریخ مذاهب اسلامی » که با عقائد اسلامی این چنین برخورد عامیانه یا مغرضانه و جسورانه نماید و دین و قلم خود را به باد مسخره گیرد و دست کم تعدادی از شاگردان خود را گمراه نماید که باید در روز حساب پاسخگوی آن باشد.

### حدیث

« من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة »

یا

مهمترین انگیزه و عامل عقیده به مقام امامت

یگانه مصلح جهانی امام مهدی منتظر (علیه السلام)

یکی از علل و اسباب توجه و اهتمام مسلمانان به اصل مسئله امام شناسی بطور عموم و به شناخت ائمه بر حق و واجد شرایط همه جانبه – علمی و عملی و اخلاق و تقوایی – از جمله امام مهدی منتظر ، محمد بن الحسن العسکری بخصوص ، حدیث شریف:

« من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة »<sup>(۱)</sup>

و احادیث مشابه و هم مضمون است که بموجب آن سهل انگاری و بی تفاوتی یا سماجت و عصبیت نسبت بشناخت امام زمان واجد شرایط هر زمانی تهدید به مرگ جاهلی و منتهی شدن به حشر و نشر با بت پرستان و مشرکین خواهد شد.

و اکنون می پردازیم به ذکر متن های مختلف این حدیث و از آن پس به ذکر اسناد آن از دیدگاه اهل تسنن.

## بخش اول

- ١ - من لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية.
- ٢ - من مات بغير امام مات ميتة جاهلية.
- ٣ - من مات ليلة وليس في عنقه بيعة امام مات ميتة جاهلية.
- ٤ - من مات ولا امام له مات ميتة جاهلية .
- ٥ - من مات ولا بيعة عليه مات ميتة جاهلية.
- ٦ - من مات ولا طاعة عليه مات ميتة جاهلية.
- ٧ - من مات و لم يعرف امام زمانه فليمت ان شاء يهودياً و ان شاء نصرانياً.
- ٨ - من مات ولم يعرف امام زمانه ، مات ميتة جاهلية.
- ٩ - من مات وليس عليه امام جامع فقد مات ميتة جاهلية.
- ١٠ - من مات وليس عليه امام ، فميتته ميتة جاهلية.
- ١١ - من مات وليس عليه امام مات ميتة جاهلية.
- ١٢ - من مات و ليس ( ليست ) عليه طاعة مات ميتة جاهلية.
- ١٣ - من مات و ليس في عنقه بيعة مات ميتة جاهلية .
- ١٤ - من مات و ليس لامام جماعة عليه طاعة مات ميتة جاهلية.
- ١٥ - من مات وليس له امام فميتته ميتة جاهلية.

## بخش دوم

- ١ – ليس احد يفارق الجماعة شبراً فيموت ، الامات ميتة جاهلية.
- ٢ – من خالف المسلمين قيد شبر ثم مات ، مات ميتة جاهلية.
- ٣ – من خرج عن الطاعة و فارق الجماعة فمات ، مات ميتة جاهلية.
- ٤ – من خرج من الجماعة قيد شبر ، فقد خلع ربقة الاسلام من رأسه
- ٥ – من خرج من السلطان شبرا ، مات ميتة جاهلية.
- ٦ – من خرج من الطاعة او فارق الجماعة فمات ، فميتته جاهلية.
- ٧ – من خرج من الطاعة و فارق الجماعة . . . فليس منى ولست منه.
- ٨ – من خلعها بعد عهدها ، لقي الله ولا حجة له.
- ٩ – من خلع يداً من طاعة ، لقي الله يوم القيامة لا حجة له.
- ١٠ – من خلع يدا من طاعة مات ميتة جاهلية .
- ١١ – من فارق الجماعة او خلع يدا من طاعة ، مات ميتة جاهلية.
- ١٢ – من فارق الجماعة شبرا فمات ، فميتته جاهلية.
- ١٣ – من قتل تحت راية عمية تدعوا عصبية او ينصر عصبية فقتله ( فتلته ) جاهلية.
- ١٤ – من مات تحت راية عصبية ، فقتلته قتلة جاهلية.
- ١٥ – من مات على غير طاعة مات لا حجة له.
- ١٦ – من مات و هو مفارق للجماعة ، مات ميتة جاهلية .
- ١٧ – من نزع يداً من طاعة الله و فارق الجماعة ثم مات ، مات ميتة جاهلية.
- ١٨ – من نزع يداً من طاعة ، جاء يوم القيامة لا حجة له.

۱- « مهدی منتظر را بشناسید » تالیف نگارنده این مقاله - مهدی فقیه ایمانی - چاپ ۱۳۸۴ هـ اصفهان ، بیانگر اسامی و مشخصات حدود چهارصد جلد کتاب و رساله خطی و چاپی درباره حضرت مهدی عج است .

۲- « کتابنامه امام المهدی » نشریه یکی از مساجد تهران ( صندوق پستی ۳۲۳۳ ، تهران ) شامل معرفی ۲۵۵ جلد کتاب می باشد که به طور اختصاصی یا ضمنی مربوط به مهدی منتظر و ایراد بعض شئون آن حضرت است .

۳- « در جستجوی قائم » بیانگر اسامی ۱۸۵۰ جلد کتاب می باشد که تعداد ۴۲۹ جلدش بطور اختصاصی و بقیه بطور ضمنی به بحث و بررسی های کلامی ، حدیثی ، تاریخی و غیره درباره حضرت یقیه الله مهدی موعود پرداخته و به قلم ارزشمند آقای سید مجید طباطبائی تنظیم و بسال ۱۳۷۰ هـ ش بعنوان مسجد جمکران قم چاپ و انتشار یافته است .

۴- و از همه پرمایه تر « کتابنامه حضرت مهدی عج » از دانشمند محترم آقای علی اکبر مهدی پور است ۲ جلد شامل معرفی ۲۰۶۶ جلد کتاب اختصاصی درباره حضرت مهدی که مشخصات چاپی و زبانی و موضوعی هر یک ذکر شده و در بهترین شکل چاپ و منتشر گردیده ، و راهگشای محققین و مؤلفین میباشد .

- توضیحاً ترجمه فارسی این مقاله از ترکی استانبولی بوسیله مؤسسه ارزشمند «مجمع جهانی اهل بیت» انجام و در اختیار اینجانب قرار گرفت،

و پس از تنظیم این ردیه و تقدیم به مؤسسه فوق آن را به ترکی استانبولی ترجمه نموده و در مجله «پیام اهل بیت» ( Ehl - i Beyt mesajı ) شماره ۱۵ ، چاپ ترکیه چاپ و منتشر گردید.

بدین وسیله از مسئولان محترم مؤسسه «مجمع جهانی اهل بیت» بویژه حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حسینی مدیریت محترم شعبه قم تشکر نموده و توفیق بیش از پیش ایشان را در نشر آثار اهل بیت از خداوند خواستارم.

- نظرة فی احادیث المهدی ، مندرج در مجله التمدن الاسلامی ، دمشق و نیز مندرج در الامام المهدی عند اهل السنة.

- مقال حول المهدی مندرج در دو مصدر فوق.

- توضیحاً کتاب « شناخت امام یا راه رهایی از مرگ جاهلی » چ ۱۴۱۲ هـ در ۵۴۶ صفحه وزیری ، تالیف نگارنده این مقاله و مشتمل بر بحث و بررسی اسناد و محتوای حدیث فوق است از دیدگاه اهل تسنن.

اما متون تفصیلی مقرون به ذکر مصادر نقل و راوی و ناقل هر یک از مجموع احادیث ، پس از آنرو که روی سخن ما در بحث و بررسی این حدیث بیشتر و قبل از همه با اهل تسنن است ، تنها به ذکر ناقلان از این فرقه و مصادر اختصاصی آنها بسنده میکنیم.

در پایان اینمقال کافی است بدانیم تنها علامه مجلسی از بزرگان علما و مراجع حدیثی و حدیث شناسی شیعه ، این حدیث را با چهل سند از طرق اختصاصی شیعه آورده است<sup>(۱)</sup>.

واینک میپردازیم به ذکر قسمتی از اسناد حدیث و راویان و ناقلان از اهل تسنن.

۱- « مسند » ابوداود سلیمان بن داود طیالسی در گذشته ( ۲۰۴ ) از عبد الله بن عمر بلفظ: **« من مات بغیر امام مات میتة جاهلیة ، و من نزع یداً من طاعة جاء یوم القیامة لاجحة له »** نیز رجوع شود به کنزالعمال.

۲- « مصنف » یا « جامع کبیر در حدیث » حافظ عبد الرزاق بن همام صغانی یمنی در گذشته ( ۲۱۱ ) چاپ مجلس علمی پاکستان ، ج ۱۱ ص ۳۳۰ بشماره ۱۹۰۰۵ بلفظ: **« من فارق الجماعة شرافمات مات میتة جاهلیة »**.

۳- « سنن » سعید بن منصور خراسانی در گذشته ( ۲۲۷ ) از عامر بن ربیع صحابی بلفظ: **« من مات و لیست علیه طاعة مات میتة جاهلیة »** <sup>(۲)</sup> به نقل کنزالعمال.

۴ - « مسند » حافظ ابوالحسن علی بن جعد جوهری درگذشته ( ۲۳۰ ) ۸۵۰/۲ شماره ۲۳۷۵ چاپ کویت ، از عبد الله بن عامر از پدرش عامر بن ربیعہ ، بلفظ: « من مات ولیست علیه طاعة مات مینة جاهلیة ، و من خلعهها بعد عقدها ایاها لقی الله ولا حجة له. ».

۵ - « طبقات الكبرى » محمد بن سعد کاتب واقدی درگذشته ( ۲۳۰ ) ج ۵ ص ۱۰۷ چاپ لیدن و ص ۱۴۴ چاپ بیروت ، ذیل شرح حال عبد الله بن مطیع بلفظ: « من مات و لایبعة علیه مات مینة جاهلیة » به روایت از عبد الله بن عمر. نیز مراجعه شود به کنز العمال ۱ / ۱۰۲ شماره ۴۶۳.

۶ - « مصنف » حافظ ابن ابی شیبہ ، ابوبکر عبد الله بن محمد ، درگذشته ( ۲۳۴ ) ج ۱۵ ص ۲۴ شماره ۱۹۰۰۵ بلفظ: « من فارق الجماعة شبراً فمات مات مینة جاهلیة ».

و ص ۲۸ شماره ۱۹۰۴۷ از عبد الله بن عامر از پدرش بلفظ: « من مات ولا طاعة علیه مات مینة جاهلیة ، و من خلعهها بعد عقده ایاها فلاحجة له » و نیز بلفظ: « من مات و لیست علیه طاعة ، مات مینة جاهلیة »

و ص ۵۲ شماره ۱۹۰۹۰ بلفظ: « من ترك الطاعة و فارق الجماعة فمات ، فمیتة جاهلیة ، و من خرج تحت رایة عمیة یغضب لعصیة او ینصرعصبة او یدعوا الی عصبة ، فقتل فقتله جاهلیة ».

نیزمراجعه شود به کنز العمال ( ۶/۶۵ شماره ۱۴۸۶۱ ).

۷ - « المعیار والموازنة » علامه متکلم ابوجعفر اسکافی درگذشته ( ۲۴۰ ) ص ۲۴ بلفظ: « من مات و لا امام له مات مینة جاهلیة » از عبد الله بن عامر

۸ - « نقض العثمانیة » نیز از اسکافی ص ۱۱ - ۱۲ و به نقل ابن ابی الحدید ۱۳ / ۲۴۲ بلفظ فوق.

۹ - « مسند » احمد بن حنبل درگذشته ( ۲۴۱ ) ج ۲ ص ۸۳ و ۱۵۴ بلفظ: « من مات و هو مفارق للجماعة مات مینة جاهلیة » و ص ۱۱۱ بلفظ: « من مات و قد نزع یده من بیعة کانت مینته مینة ضلال » از ابن عمر ، و ص ۲۹۶ بلفظ: « من خرج من طاعة و فارق الجماعة مات مینة جاهلیة » از ابوهریره.

و ج ۲ ص ۴۴۶ بخش مسند عامر بن ربیعہ بلفظ: « من مات و لیست علیه طاعة مات مینة جاهلیة » به روایت از نامبرده

و ج ۴ ص ۹۶ بلفظ: « من مات بغير امام مات مینة جاهلیة » از معاویة بن ابی سفیان.

۱۰ - « الاموال » حمید بن زنجویه در گذشته ( ۲۵۱ ) ج ۱ ص ۸۱ بشماره ۴۰ چاپ ریاض از ابوهریره بلفظ: « من خرج من الطاعة او فارق الجماعة فمات ، فمیتة جاهلیة »



وص ۸۲ بشماره ۴۲ بلفظ: « من مات وليست عليه طاعة مات ميتة جاهلية ، و ان خلعتها بعد عقدها في عنقه لقي الله و ليست له حجة » از عبدالله بن عامر بن ربيعة از پدرش وشماره ۴۳ از ابن عمر ( در حالیکه روی سخنش به ابن مطیع - والی مدینه از طرف عبد الله بن زبیر بهنگام قتل عام مردم آن بدست بسر بن ارتاط از جانب یزید - بود گفت: آمده ام آنچه از رسول خدا شنیده ام به تو خبر دهم که فرمود ): « من مات على غير طاعة مات لاجحة له ومن مات قد نزع يدا من بيعة كان على الضلال »

وناگفته پیداست که عبد الله بن عمر با انجام این ملاقات میخواست از این حدیث به نفع یزید ( که مردم مدینه و از جمله بعضی از صحابه رسول الله ( ص ) او را از خلافت خلع کرده بودند ) سوء استفاده کند ، فحشره الله مع یزید بن معاویه و جده و ابیه.

۱۱ - « سنن » امام عبد الله بن عبد الرحمن تمیمی سمرقندی دارمی در گذشته ( ۲۵۵ ) ج ۲ ص ۲۴۱ بلفظ: « ليس من احد يفارق الجماعة شبراً فيموت ، الا مات ميتة جاهلية » از ابن عباس .

۱۲ - « صحيح » محمد بن اسماعیل بخاری درگذشته ( ۲۵۶ ) ج ۲ ص ۱۳ و در چاپ دیگر مصر ج ۹ ص ۵۹ باب فتن از ابن عباس بلفظ: « من خرج من السلطان شبراً مات ميتة جاهلية » و بلفظ: « من فارق الجماعة شبراً فمات ( الامات خ ) ميتة جاهلية ».

۱۳ - نیز « تاريخ الكبرى » بخاری ۶ / ۴۴۵ شماره ۲۹۴۳ از عامر بن ربيعة از پدرش بلفظ: « من مات وليست عليه طاعة مات ميتة جاهلية » و در ج ۴ ص ۵۴ شماره ۱۹۲۸ بلفظ: « من فارق الجماعة قيد شبر فقد فارق الاسلام ».

۱۴ - « صحيح » مسلم در گذشته ( ۲۶۱ ) ج ۶ ص ۲۱ - ۲۲ شماره ۱۴۸۹ بلفظ: « من مات وليس في عنقه بيعة مات ميتة جاهلية » از عبد الله بن عمر و بلفظ: « من خرج من الطاعة و فارق الجماعة ، فمات ، مات ميتة جاهلية » و نیز « من فارق الجماعة شبراً فمات فماتة ميتة جاهلية ».

و در ج ۸ ص ۱۰۷ بلفظ: « من لم يعرف امام زمانه فمات ميتة جاهلية » ( ملحقات الاحقاق ۱۳ / ۸۵ )

۱۵ - « العلل الواردة في الاحاديث » ابوالحسن علی بن عمر بن احمد بن مهدی بغدادی دارقطنی شافعی ( ۳۰۵ / ۳۰۶ ) ج ۷ ص ۶۳ بلفظ: « من مات لغير امام مات ميتة جاهلية » به سه سند از معاویه و دو سند از ابوهریره.

۱۶ - « زوائد » احمد بن عمر بزار در گذشته ( ۳۲۰ ) ج ۱ ص ۱۴۴ و ج ۲ ص ۱۴۳ بلفظ: « من مات و ليس عليه امام فمات ميتة جاهلية ، و من مات تحت راية عصبية ، فقتله قتلته جاهلية ».

۱۷ - « الكنى والاسماء » حافظ دولابى درگذشته ( ۳۲۰ ) ج ۲ ص ۳ چاپ دائرة المعارف حيدرآباد دکن بلفظ: « من مات و ليس عليه امام جامع فقد مات ميتة جاهلية ، و من خرج من الجماعة فقد خلع ربة الاسلام من عنقه » از ابن عمر.

۱۸ - « عقد الفريد » ابو عمر ، احمد بن محمد بن عبدربه اندلسى درگذشته ( ۳۲۷ ) ج ۱ ص ۹ سطر ۱۲ بلفظ: « من فارق الجماعة او خلع يدامن طاعة ، مات ميتة جاهلية ».

۱۹ - « صحيح ابن حبان » ، ابوحاتم محمد بن حبان تميمى ، بستى شافعى درگذشته ( ۳۵۴ ) به شرح « احسان بترتيب صحيح ابن حبان » شماره ۴۴ بلفظ: « من مات وليس له امام مات ميتة جاهلية ».

۲۰ - « كتاب المجروحين » نیز از ابوحاتم ج ۱ ص ۲۸۰ بلفظ: « من فارق جماعة المسلمين قيد شبر فقد خلع ربة الاسلام من عنقه ،

و من مات و ليس عليه امام فميتته ميتة جاهلية ،

و من مات تحت راية عمية يدعوا الى عصية او ينصر فقتله جاهلية » به روايت

از ابن عباس

۲۱ - « معجم الكبير » حافظ ابوالقاسم طبرانى درگذشته ( ۳۶۰ ) ج ۱۰ ص ۳۵۰ حديث ۱۰۶۸۷ ( شماره مسلسل ) بلفظ: « من فارق جماعة المسلمين قيد شبر فقد خلع ربة الاسلام من عنقه و من مات و ليس عليه امام فميتته جاهلية و من مات تحت راية عمية يدعوا الى عصية او ينصر عصية فقتله جاهلية » به روايت از ابن عباس.

وج ۱۹ ص ۲۸۸ شماره ۹۱۰ چاپ بغداد بلفظ: « من مات بغير امام مات ميتة جاهلية » به روايت معاويه ، و به لفظ « من مات وليست عليه طاعة مات ميتة جاهلية » از عامر بن ربيعة ( نیز رجوع شود به كنز العمال ج ۶ ص ۶۵ شماره ۱۴۸۶۱ ).

۲۲ - « معجم اوسط » نیز از طبرانى ج ۱ ص ۱۷۵ شماره ۲۲۷ بلفظ: « من مات و لايعة عليه مات ميتة جاهلية » و باديگر الفاظ مختلف ذيل كتاب « مجمع الزوائد » بياید.

۲۳ - « الكامل فى ضعفاء الرجال » ابوحامد عبد الله بن محمد ، معروف به ابن عدى جرجانى در گذشته ( ۳۶۵ ) ج ۵ ص ۱۸۶۹ بلفظ: « من مات و ليس عليه طاعة ، مات ميتة جاهلية » به روايت عامر بن ربيعة.

۲۴ - « مستدرک الصحيحين » حاکم نيشابورى در گذشته ( ۴۰۵ ) ج ۱ ص ۷۷ و ۱۱۷ از ابن عمر بلفظ: « من مات و ليس عليه امام جماعة فان موته موة جاهلية ».

۲۵ - « المغنى » قاضى القضاة معتزلى ، عبد الجبار بن احمد همدانى اسدآبادى درگذشته ( ۴۱۵ ) جزء متمم عشرين ج ۱ ص ۱۱۶ بلفظ: « من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية ».

۲۶ - « **ندیم الفرید** » علامه محقق ابوعلی ، احمد بن محمد بن یعقوب مسکویه - که اصلش ازری و مقیم ودرگذشته اصفهان بسال ( ۴۲۱ ) بوده است بلفظ: « **من مات لیلة ولیس فی عنقه بیعة امام فقد مات میتة جاهلیة** ». (۱)

۲۷ - « **حلیة الاولیاء** » حافظ ابونعیم اصفهانی درگذشته ( ۴۳۰ ) ج ۳ ص ۲۲۴ بلفظ: « **من مات بغير امام فقد مات میتة جاهلیة ومن نزع یده من طاعة ( یدا من طاعة الله ) جاء يوم القيامة لاجحة له** » به روایت از طیالسی.

واضافه کرده است: این حدیث ثابت و مسلم بوده ، مسلم در حدیث خود آنرا از زید روایت نموده وگفته است: تابعین و اعلام آنرا از زید نقل کرده اند.

سپس هشت نفر از تابعین را نام برده که این حدیث را روایت نموده اند.

۲۸ - « **المنتقى فی الاخبار** » مکی بن ابیطالب حموش بن محمد بن مختار اندلسی درگذشته ( ۴۳۷ ) به شرحی که در « **نیل الاوطار فی شرح منتقى الاخبار** » تحت شماره ۶۶ بیاید

۲۹ - « **سنن بیهقی** » درگذشته ( ۴۵۸ ) ج ۸ ص ۱۵۶ - ۱۵۷ بلفظ: « **من مات ولیس فی عنقه بیعة ، مات میتة جاهلیة** »

و بلفظ: « **من خرج من الطاعة وفارق الجماعة ، فمات میتة جاهلیة** » و نقل از بخاری ومسلم.

۳۰ - « **شعب الایمان** » نیز از بیهقی ، به شرح مختصر آن که تحت شماره ۴۵ بیاید.

۳۱ - « **المتفق و المفترق** » ابوبکر احمد بن علی خطیب بغدادی درگذشته ( ۴۶۳ ) بلفظ: « **من نزع یدا من طاعة الله و فارق الجماعة ثم مات ، مات میتة جاهلیة ، ومن خلعه بعد عهدا لقی الله ولا حجة له** » از ابن عمر ( کنز العمال ۶/۶ شماره ۱۴۸۶۵ )

۳۲ - « **جمع بین صحیحین - بخاری ومسلم -** » محمد بن فتوح حمیدی درگذشته ( ۴۸۸ ) بلفظ: « **من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة** »

( به نقل احقاق الحق قاضی نورالله شوشتری در اوائل بحث امامت ، نیز آیت الله مرعشی در پاورقی احقاق ج ۲ ص ۳۰۶ بواسطه کنز العمال ( ۱/۱۸۶ چاپ حیدرآباد ) آنرا نقل نموده ، اما روایت با کمی اختلاف در عبارت بدون نام حمیدی ذکر شده )

۳۳ - « **شرح المبسوط فی الفقه** » شمس الدین سرخسی ( درگذشته ۴۹۰ ).

۳۴ - « **شرح السیر الکبیر شیانی** » نیز از سرخسی ج ۱ ص ۱۱۳ چاپ حیدرآباد ۶- ۱۳۳۵.

نیز ج ۱ ص ۱۶۷ چاپ ۱۹۷۱ م قاهره بلفظ: « **من اتاه من امیره ما یکرهه فلیصبر ، فانّ من خالف المسلمین قید شبر ، ثم مات ، مات میتة جاهلیة** »

۳۵ - « ربيع الابرار » محمود بن عمر زمخشری درگذشته ( ۵۳۸ ) ج ۴ ص ۲۲۱ باب الملك و  
السلطان بلفظ: « من مات و ليس في عنقه لامام المسلمين بيعة فميتته ميتة جاهلية »

۳۶ - « ملل و نحل » محمد بن عبد الكريم شهرستاني شافعی درگذشته ( ۵۴۸ ) ج ۱ چاپ  
قاهره ص ۱۷۳ ذيل « الاسماعيلية » بلفظ: « ان من مات و لم يعرف امام زمانه ، مات ميتة  
جاهلية » ونيز: « من مات و لم يكن في عنقه بيعة امام ، مات ميتة جاهلية »

۳۷ - « مصباح المضيئ في خلافة المستضيئ » ابوالفرج ، عبد الرحمن بن علي بن محمد  
الجوزي در گذشته ( ۵۹۷ ) ج ۱ ص ۱۴۰ - ۱۴۷ چاپ اوقاف عراق بسال ۱۳۹۷ شامل احاديث كليات  
خلافت از جمله حديث: « من فارق الجماعة شبراً فمات ، فميتته جاهلية ».

۳۸ - « جامع الاصول » ابن اثير جزري درگذشته ( ۶۰۶ ) ج ۴ ص ۴۵۶ بلفظ: « من خرج من  
السلطان شبراً مات ميتة جاهلية » از ابن عباس از طريق بخارى و مسلم

وبلفظ: « من خرج من الطاعة و فارق الجماعة فمات ، مات ميتة جاهلية ، و من قتل  
تحت راية عمية يغضب لعصية او يدعوا الى عصية فقتل ، فقتلته جاهلية » به روايت از  
ابوهريره ، از طريق مسلم و نسائي .

۳۹ - « مسائل الخمسون » محمد بن فخر رازي در گذشته ( ۶۰۶ ) مسئله ۴۷ ص ۳۸۴ چاپ -  
ضميمه مجموعه رسائل - مصر مطبوعه علمي كردستان سال ۱۳۲۸ بلفظ: « من مات و لم يعرف امام  
زمانه فليمت ان شاء يهوديا و ان شاء نصرانيا » ( كتاب « پيرامون معرفت امام » از علامه فقيه  
صافي گلپايگانی ص ۸ )

۴۰ - « المغني في شرح الخرقى » ابن قدامه ، عبدالله بن احمد مقدسى جماعيلي دمشقى  
حنبلی درگذشته ( ۶۲۰ ) ج ۱۰ ص ۴۶ چاپ بيروت ، تحت عنوان « قتال اهل البغى » به روايت انس  
وبلفظ: « من خرج من الطاعة و فارق الجماعة فمات ، فميتته جاهلية »

۴۱ - « فتح العزيز على كتاب الوحيز » ابوالقاسم ، عبدالكريم بن محمد قزوینی رافعی  
درگذشته ( ۶۲۳ ) به تفصیلی که در تلخیص الحبير شماره ۵۶ بياید.

۴۲ - « شرح نهج البلاغه » ابن ابی الحديد معتزلی درگذشته ( ۶۵۶ ) ج ۹ ص ۱۵۵ بلفظ:  
« من مات بغير امام مات ميتة جاهلية » باضافه جمله « واصحاب ما همه قائل به صحت ودرستی  
این قضيه هستند که جز با شناخت امامان کسی به بهشت نخواهد رفت.

وج ۱۳ ص ۲۴۲ بلفظ: « من مات و لا امام له مات ميتة جاهلية » به نقل عبدالله بن عمر ،  
واضافه ميكند: وی شبانه به در خانه حجاج ( ابن يوسف ثقفی ) رفت تا برخلافت عبدالملك مروان باوی  
که از طرف اوحاکم عراق بود ، بيعت کند ، به این دليل که پیامبر فرموده: « من مات و لا امام له مات  
ميتة جاهلية » ولی روش تحقیرآمیز و ذلت آور حجاج نسبت به عبدالله بن عمر آنچنان بود که بجای  
دست پای خود را از رختخواب بسوی او دراز کرد و گفت: ( جهت بيعت ) دست خود را به پای من متصل  
کن. واینچنین بجای مراسم بيعت گیری با ابن عمر برخورد مسخره آمیز نمود.

۴۳- « شرح صحیح مسلم » حافظ نووی درگذشته ( ۶۷۶ ) ج ۱۲ ص ۲۴۰

۴۴- « ریاض الصالحین » نیز از نووی ج ۱ ص ۴۳۷ شماره ۶۶۲ و در چاپ دمشق ص ۲۸۴-۲۸۵ شماره ۶۶۳ بلفظ: « من خلع یداً من طاعة لقی الله یوم القیامة ولا حجة له ، و من مات و لیس فی عنقه بیعة ، مات میتة جاهلیة » رواه مسلم.

وفی روایه له: « من مات وهو مفارق للجماعة فانه یموت میتة جاهلیة »

وبه شماره ۶۷۰ بدین عبارت آمده: « من کره من امیره شیئا فلیصبر ، فانه من خرج من السلطان شبرا مات میتة جاهلیة » متفق علیه.

۴۵- « مختصر شعب الایمان - بیهقی - » از ابو جعفر عمر قزوینی درگذشته ( ۶۹۹ ) ص ۱۰۶ چاپ مصر بلفظ: « من خرج من الطاعة و فارق الجماعة ثم مات ، مات میتة جاهلیة » به روایت از ابوهریره و نقل از مسلم.

۴۶- « الاحسان بترتیب صحیح ابن حبان » امیر علاء الدین ، علی بن بلبان فارسی حنفی درگذشته ( ۷۳۹ ) ج ۷ ص ۴۹ چاپ بیروت ، بلفظ: « من مات ولیس له امام مات میتة جاهلیة » از طریق ابویعلی به روایت از معاویه.

۴۷- « تلخیص المستدرک » حافظ ذهبی درگذشته ( ۷۴۸ ) ج ۱ ص ۷۷ و ۱۱۷ نقل و اقرار به عین آنچه از مستدرک حاکم گذشت نموده.

۴۸- « تفسیر » ابن کثیر دمشقی درگذشته ( ۷۷۴ ) ج ۱ ص ۵۱۷ بلفظ: « من مات و لیس فی عنقه بیعة ، مات میتة جاهلیة ».

۴۹- نیز « تاریخ ابن کثیر » ج ۷ ص ۲۳۲ بدین شرح که چون مردم - بخاطر کشتار عمومی اهل مدینه یزید را از خلافت خلع و ساقط کردند عبد الله بن عمر فرزندان و اهلیت خود را جمع نمود و پس از تشهد گفت: ما به حساب بیعت با خدا و رسولش با این مرد ( یزید بن معاویه ) بیعت کردیم و شنیدیم رسول خدا میگفت: « من نزع یداً من طاعة ، فانه یأتی یوم القیامة لاحجة له ، و من مات مفارق الجماعة فانه یموت موتة جاهلیة »

پس مبادا کسی از شما یزید را خلع نماید و مبادا در این باره اسراف و تند روی از خود نشان دهد که مایه جدائی بین من و او خواهد شد.

۵۰- « شرح المقاصد » سعدالدین تفتازانی ( ۷۹۲ ) ج ۲ ص ۲۷۵ بلفظ: « من مات ولم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة » و اضافه کرده است این حدیث همانند: ( اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم ) میباشد.

۵۱- « شرح - عقائد نسفی - » نیز از محقق تفتازانی چاپ ۱۳۰۲ ، لکن چاپ ۱۳۱۳ که هفت صفحه آن بدست خیانتکاران حذف و ساقط گردیده فاقد این حدیث میباشد. ( الغدیر ۱۰ / ۳۶۰ )

۵۲ - « مجمع الزوائد » نور الدين هيثمى درگذشته ( ۸۰۷ ) ج ۵ ص ۲۱۸ بلفظ: « من مات بغير امام مات ميتة جاهلية » به روايت از معاويه و بلفظ: « من مات و ليس فى عنقه بيعة مات ميتة جاهلية »

و ص ۲۱۹ بلفظ: « و من خرج من الجماعة قيد شبر متعمدا فقد خلع ربة الاسلام من عنقه و من مات و ليس لامام جماعة عليه طاعة مات ميتة جاهلية » از معاذ بن جبل به روايت طبرانى و بلفظ: « . . . من أصبح ليس لأمير جماعة عليه طاعة بعنه الله يوم القيامة من ميتة جاهلية » از ابودرداء از طريق طبرانى.

و ص ۲۲۳ بلفظ: « من مات و ليس عليه طاعة مات ميتة جاهلية » به نقل از عامرين ربيعه و طريق احمد بن حنبل ، ابويعلی ، بزار و طبرانى

و ص ۲۲۴ بلفظ: « من مات و ليس عليه امام ، فميتته جاهلية » به روايت از ابن عباس و طريق بزار و طبرانى در معجم اوسط.

و ص ۲۲۵ بلفظ: « من مات و ليس عليه امام ، مات ميتة جاهلية » به روايت از معاويه بن ابى سفيان از طريق طبرانى در معجم اوسط.

۵۳ - « كشف الاستار عن زوائد البزار على الكتب الستة » نیز از هيثمى ج ۲ ص ۲۵۲ حديث ۱۶۲۵ چاپ مؤسسه رسالت ، بلفظ: « من فارق الجماعة قياس ( او قيد ) شبر فقد خلع ربة الاسلام من عنقه ، و من مات و ليس عليه امام فميتته ميتة جاهلية ، و من مات تحت رأية عصبية او ينصر عصبية فقتله قتلة جاهلية ».

۵۴ - « فتح البارى شرح صحيح بخارى » احمد بن محمد بن حجر عسقلانى درگذشته ( ۸۵۲ ) ج ۱۶ ص ۱۱۲ بلفظ: « من مات و ليس فى عنقه بيعة مات ميتة جاهلية » به روايت از ابن عمر.

۵۵ - « مطالب العالية » نیز از ابن حجر عسقلانى ج ۲ ص ۲۲۸ تحت شماره ۲۰۸۸ بلفظ: « من مات و لا طاعة عليه مات ميتة جاهلية »

۵۶ - « تلخيص الحبير فى تخريج احاديث الرافعى الكبير » نیز از ابن حجر عسقلانى ج ۴ ص ۴۱ بلفظ: « من خرج عن الجماعة قيد شبر فقد خلع ربة الاسلام . . . » به روايت از ابن عمر.

و ص ۴۲ بلفظ: « من خرج من الطاعة و فارق الجماعة ، فميتته جاهلية » به روايت از ابوهريه ( فهارس كتاب فوق ص ۲۸۹ ، ج دارالمعرفة بيروت )

۵۷ - « جمع الجوامع » يا « جامع الاحاديث » عبدالرحمن سيوطى درگذشته ( ۹۱۱ ) بشرح مندرج در كنز العمال.

۵۸ - « تيسير الاصول » ابن ديبع شيباني درگذشته ( ۹۴۴ ) ج ۳ ص ۳۹ به روايت از ابوهريره بلفظ: « من خرج من الطاعة و فارق الجماعة ، فمات ميتة جاهلية » از طريق دو صحيح بخارى ومسلم.

۵۹ - « كنز العمال » حسام الدين متقى هندی درگذشته ( ۹۷۵ ) ج ۱ ص ۱۰۳ شماره ۴۶۳ چاپ حلب بلفظ: « من مات و لا بيعة عليه مات ميتة جاهلية » به روايت از ابن عمر به نقل از مسند احمد وابن سعد.

وشماره ۴۶۴ بلفظ: « من مات بغير امام مات ميتة جاهلية » به روايت معاويه واز طريق احمد حنبل وطبرانی.

و ص ۲۰۷ شماره ۱۰۳۵ بلفظ: « من خرج من الجماعة قيد شير فقد خلع ربة الاسلام من عنقه حتى يراجه ، و من مات و ليس عليه امام جماعة فان موته موة جاهلية » از ابن عمر واز طريق مستدرک حاکم.

وشماره ۱۰۳۷ بلفظ: « من فارق المسلمين قيد شير فقد خلع ربة الاسلام من عنقه ، و من مات ليس عليه امام فميتته ميتة جاهلية ، و من مات تحت راية عمية يدعوا الى عصية او ينصر عصية فقتله جاهلية » از طريق طبرانی ( در معجم كبير ) به روايت ابن عباس

و ص ۲۰۸ شماره ۱۰۳۸ بلفظ: « من فارق جماعة المسلمين شبرا ، أخرج من عنقه ربة الاسلام . . . و من مات من غير امام جماعة مات ميتة جاهلية » به روايت ابن عمر از طريق حاکم در مستدرک.

و ص ۳۷۹ شماره ۱۶۴۹ بلفظ: « من فارق الجماعة شبرا فقد نزع ربة الاسلام من عنقه » از على به روايت از بيهقى

و ج ۶ ص ۵۲ شماره ۱۴۸۰۹ بلفظ: « من خرج من الطاعة و فارق الجماعة ، فمات ، مات ميتة جاهلية. . . » به روايت از ابوهريره از طريق احمد ، نسائی ومسلم.

وشماره ۱۴۸۱۰ بلفظ: « من مات و ليس فى عنقه بيعة ، مات ميتة جاهلية » به روايت از ابن عمر از طريق مسلم.

و ص ۶۵ شماره ۱۴۸۶۱ بلفظ: « و من مات و ليست عليه طاعة ، مات ميتة جاهلية » به روايت از عامرين ربيعه از طريق ابن ابى شيبه ( در مصنف ) و احمد حنبل ( در مسند ) و طبرانی ( در معجم كبير ) وسعيد بن منصور ( در سنن ) و شماره ۱۴۸۶۳ بلفظ: « من مات بغير امام مات ميتة جاهلية ، و من نزع يدا من طاعة جاء يوم القيامة لاحجة له ». به روايت از عبدالله بن عمر و نقل از « معجم كبير » طبرانی و « حليه الاولياء » ابونعيم.

و ص ۶۶ شماره ۱۴۸۶۵ بلفظ: « من نزع يدا من طاعة الله و فارق الجماعة ثم مات ، مات ميتة جاهلية ، و من خلعه بعد عهدا لى الله و لا حجة له » به روايت ابن عمر از طريق خطيب بغدادى در « المتفق والمفترق ».

۶۰ - « **جواهر المصیئه** » ملاعلی قاری حنفی درگذشته ( ۱۰۱۴ ) درخاتمه کتاب ج ۲ ص ۵۰۹ بلفظ: « **من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة** » و در ص ۴۵۷ گوید: و فرموده او ( پیامبر ) ص در صحیح مسلم « **من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة** » معنایش این است که: هر کس نشناسد آن کس را ( که اقتدا به او و رهنمون شدن بدو - در زمانی که دست اندر کار امامت و رهبری است - واجب باشد ) مرگش مرگ جاهلی خواهد بود.

۶۱ - « **مجمع الفوائد** » محمد بن سلیمان مغربی درگذشته ( ۱۰۹۴ ) درشام ) ج ۲ ص ۲۵۹ چاپ بیروت شماره ۶۰۴۸ ، بلفظ: « **من مات بغير امام ، مات میتة جاهلیة** » و در روایت دیگر تحت شماره ۶۰۴۹ بلفظ: « **من مات و لیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة** » از معاویه بن ابی سفیان.

۶۲ - « **بریقة المحمودیه** » شیخ ابوسعید خادمی حنفی درگذشته ( ۱۱۶۸ ) ج ۱ ص ۱۱۶ چاپ مصطفی حلبی قاهره ، بلفظ: « **من مات ولم يعرف امام زمانه فقد مات میتة جاهلیة** » ( ملحقات احقاق الحق ج ۱۹ پاورقی ص ۶۵۱ )

۶۳ - « **ازالة الخفاء فی مناقب الخلفاء** » شاه ولی الله دهلوی درگذشته ( ۱۱۷۶ ) ج ۱ ص ۲ بلفظ: « **من مات و لیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة** » آنرا ذکر نموده و برای اثبات وجوب کفائی نصب خلیفه بر مسلمین تا روز قیامت ، بدان استدلال کرده است.

۶۴ - « **ازالة الغین** » علامه فقیه مولی حیدر علی بن محمد فیض آبادی هندی درگذشته ( ۱۲۰۵ ) در بحث از بی اعتباری بعضی از احادیث بخاری ، چاپ دهلی ۱۲۹۵ بلفظ: « **من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة** » ( المدخل حدیث غدیر از عیقات ص ۶۱ )

۶۵ - « **فواتح الرحموت** » - شرح « **مسلم الثبوت** » شیخ محب الله بهاری هندی حنفی درگذشته ( ۱۱۱۹ ) - از عبد العلی محمد بن نظام الدین محمد انصاری هندی درگذشته ( ۱۲۲۵ ) ج ۲ ص ۲۲۳ - ۲۲۴ چاپ لکهنو ۱۸۷۸م بلفظ: « **لم یفارق الجماعة احد و مات الامات میتة جاهلیة** » به روایت از بخاری و نیز در چاپ بولاق در حاشیه مستصفی غزالی ج ۲ ص ۲۲۴.

۶۶ - « **نیل الاوطار- بشرح** » **المنتقى فی الاخبار** » - قاضی محمد بن علی شوکانی یمنی درگذشته ( ۱۲۵۵ ) ج ۷ ص ۳۵۶ چاپ بیروت ۱۹۷۳ بلفظ: « **من رای من أمیره شیئا یکرهه فلیصبر ، فانه من فارق الجماعة شبرا فمات ، فمیتة جاهلیة** » از ابن عباس.

و بلفظ: « **من کره من أمیره شیئا فلیصبر علیه ، فانه لیس احد من الناس خرج من السلطان شبرا فمات علیه الامات میتة جاهلیة** » از ابن عباس.

و بلفظ: « **و من خلع یدا من طاعة لقی الله ولا حجة له ، ومن مات و لیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة** » از ابن عمر به نقل از مسلم.

و ص ۳۵۷ بلفظ: « **من فارق الجماعة شبرا فکانما خلع ریقة الاسلام من عنقه** » به روایت از حرث بن حرث اشعری و نقل از ترمذی و ابن خزیمة و ابن حبان و روایت از ابن عباس به نقل از بزار و طبرانی در اوسط.



۶۷ - « **ینایع الموده** » علامه شیخ سلیمان بلخی قندوزی درگذشته ( ۱۲۹۴ ) باب ۳۹ ص ۱۳۷ چاپ حیدریه نجف و ص ۱۱۷ چاپ اسلامبول بلفظ: « **و فی المناقب بالسند عن عیسی بن السری قال: قلت لجعفر بن محمد الصادق ( ع ) حدثنی عما ثبت علیه دعائم الاسلام، اذا أخذتُ بها زکاً عملی و لم یضرنی جهل ما جهلت.** »

قال: شهادة أن لا اله الا الله وأنَّ محمدا رسول الله ، والاقرار بما جاء به من عند الله ، وحق في الأموال من الزكاة والاقرار بالولاية التي أمرالله بها ولاية آل محمد ( ص ) ، قال رسول الله ( ص ): « **من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية.** قال الله عزوجل: **أطيعوا الله وأطيعوا الرسول و أولى الأمر منكم.** »

فكان على صلوات الله عليه ثم صار من بعده حسن ثم حسين ثم من بعده علي بن الحسين ثم من بعده محمد بن علي و هكذا يكون الأمر ، ان الأرض لاتصلح الا بالامام ، ومن مات ولم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية .»

۶۸ - « **صيانة الانسان عن وسوسة الشيخ دحلان** » در دفاع از عقائد وهابی حجاز ، تأليف محمد بن بشير سهسوانی هندی وهابی درگذشته ( ۱۳۲۶ ) چاپ مصر ص ۱۴۹ بلفظ: « **ليس أحد يفارق الجماعة شبرا فيموت الامات ميتة جاهلية** » از ابن عباس

و بلفظ: « **من خرج من الطاعة و فارق الجماعة فمات ، مات ميتة جاهلية** » از ابوهريره به نقل از مسلم.

وص ۳۰۷ تا ۳۱۵ با الفاظ مختلف واسناد متعدد و ذکر مصادر ، حديث موضوع بحث را نقل وبدان استدلال کرده است

ودرپایان باب مکمل منه ( صدم ) ص ۶۲۵ به نقل از شيخ بهاء الدين عاملی در « اربعین » بعنوان حديث متفق عليه بين عامه وخاصة ، و بلفظ: « **من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية** » و نیز به نقل از ملل ونحل شهرستانی.

۶۹ - « **تاریخ آل محمد** » علامه قاضی بهلول بهجت افندی ، از اهالی قفقاز ( آذربایجان شوروی ) وساکن زنگنه زور ترکیه درگذشته ( ۱۳۵۰ ) که از زبان ترکی به فارسی ترجمه شده ودر آخر آن بلفظ: « **من مات و لم يعرف امام زمانه فقد مات ميتة جاهلية** » و بعنوان متفق عليه علمای خاصه وعامه این حدیث را ذکر کرده است.

۷۰ - « **الامام جعفر الصادق** » علامه محقق مستشار عبد الحلیم جندی مصری معاصر ، چاپ مجلس اعلی شئون اسلامی جمهوری مصر قاهره ۱۳۹۷ در پاورقی ص ۱۷۴ بلفظ: « **من مات ولیس له امام ، فمیتته جاهلیة** » بطور ارسال مسلم

اسامی راویان حدیث « **من مات ولم يعرف . . .** » واحادیث مشابه

توضیح این مطلب لازم است که مجموع روایان احادیث بخش اول ( یعنی حدیث « من مات ولم یعرف... » ) عبارت از هفت نفر از صحابه پیامبر اکرم ( ص ) و روایان مورد قبول اهل تسنن بوده اند که بنوشته ذهبی در « الکاشف » صاحبان صحاح سته همه از يك يك این هفت نفر بطور فراوان نقل روایت کرده اند و عملاً صدق گفتار وصحت روایات آنها را تایید و اعلام نموده اند و اسامی آنها بدین قرار است:

۱ - زید بن ارقم درگذشته ( ۶۸ ) الکاشف / ۱ / ۳۳۶ شماره ۱۷۳۸

۲ - عامر بن ربیعہ عنزی درگذشته ( کمی قبل از عثمان ) الکاشف / ۲ / ۵۴ شماره ۲۵۴۹

۳ - عبد الله بن عباس درگذشته ( ۶۸ ) الکاشف / ۲ / ۱۰۰ شماره ۲۸۳۹

۴ - عبدالله بن عمر بن خطاب درگذشته ( ۷۴ ) الکاشف / ۲ / ۱۱۲ شماره ۳۹۰۱

۵ - عویمر بن مالک معروف به ابوالدرداء درگذشته ( ۳۲ ) الکاشف / ۲ / ۳۵۸ شماره ۴۳۸۸

۶ - معاذ بن جبل درگذشته ( ۱۸ ) الکاشف / ۳ / ۱۵۳ شماره ۵۵۱۱

۷ - معاویه بن ابی سفیان درگذشته ( ۶۰ ) الکاشف / ۳ / ۱۵۷ شماره ۵۶۱۷

و اما روایان احادیث بخش ۲ ( که مُصدّر به « من خرج » و « من فارق » و « من خلع » و امثال این کلمات است ) عبارتند از نامبردگان فوق به اضافه:

۱ - ابوهریره دوسی درگذشته ( ۵۷ / ۵۹ )

۲ - انس بن مالک درگذشته ( ۹۳ ) که بنوشته ذهبی در « الکاشف » - ۳ / ۲۸۵ تحت شماره ۴۳۳ بخش کنی و ۱ / ۱۴۰ بشماره ۴۸۳ - این دو نیز در تمام صحاح سته بطور فراوان از آنها نقل حدیث شده است.

اکنون که اجمالی از بحث و بررسی پیرامون حدیث مربوط به امام شناسی همه ائمه بر حق اسلام - از جمله امام مهدی موعود - بنظر رسید، می پردازیم به بررسی مشخصات و ویژه گی های احادیث مختص به حضرت مهدی و دیگر مطالب و مسائل مربوط به شئون آن حضرت:

### بحث و بررسی پیرامون احادیث اختصاصی حضرت مهدی منتظر (عج)

اکنون که اجمالی از بحث و بررسی پیرامون حدیث مربوط به امام شناسی همه ائمه بر حق اسلام - از جمله امام مهدی موعود - بنظر رسید، می پردازیم به بررسی مشخصات و ویژه گی های احادیث مختص به حضرت مهدی و دیگر مطالب و مسائل مربوط به شئون آن حضرت:

## صحابه راوی احادیث امام مهدی موعود منتظر (علیه السلام) در منابع اهل تسنن

### ۱ - امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب

سنن ابی داود ۵۱/۴

### ۲ - ابوامامه باهلی ، سعد بن عجلان

البیان گنجی ص ۹۵

### ۳ - ابویوب انصاری

معجم صغیرطبرانی ۱۳۷/۱

### ۴ - ابوسعید خدری

سنن ابی داود ج ۴ ص ۱۰۷ حدیث شماره ۴۳۸۵

### ۵ - ابوسلمی راعی ( چویان شترهای ) رسول خدا ( ص )

مقتل الحسین خوارزمی ص ۹۵ و بنقل ینابیع الموده ۱۶۰/۳ ، فرائد السمطین ۲/۳۱۹ حدیث شماره ۵۷۱ و عموم کتب شامل احادیث مهدی

### ۶ - ابوالطفیل عامر بن واثله

مسند أحمد بن حنبل ۹۹/۱

### ۷ - ابولیلی

مناقب خوارزمی ، فصل پنجم ص ۲۳-۲۴

### ۸ - ابووائل

عقد الدرر جمال الدین یوسف دمشقی ص ۲۳ و ۲۸

### ۹ - ابوهریره

صحیح بخاری ۱۷۸/۲ و عموم کتب شامل احادیث مهدی

### ۱۰ - انس بن مالک

سنن ابن ماجه ۵۱۹/۲

**۱۱ - تمیم داری**

عرائس ثعلبی ص ۱۸۶ و بنقل عقد الدرر ص ۲۱۹

**۱۲ - ثوبان مولی ( غلام آزاد شده ) رسول اللہ ( ص )**

سنن ابن ماجه ۵۱۹/۲

**۱۳ - جابر بن سمره**

البرهان متقی هندی ، ذیل تنبیہات ، تنبیہ اول

**۱۴ - جابر بن عبدالله أنصاری**

مسند أحمد حنبل ۳۸۴/۳

**۱۵ - جابر بن عبدالله صدقی**

استیعاب قرطبی ۱۱۱/۲ چاپ ذیل إصابه ابن حجر و معجم کبیر طبرانی ۹۳۷/۲۲

**۱۶ - امام حسن بن علی**

ینابیع الموده قندوزی ص ۵۸۹

**۱۷ - امام حسین بن علی**

البرهان متقی هندی باب دوم حدیث ۱۷ و ۱۸

**۱۸ - سلمان فارسی**

مقتل الحسین خوارزمی ۱۴۶/۱

**۱۹ - طلحة بن عبدالله**

البرهان متقی هندی و المهدي المنتظر ابن صديق ص ۱۲

**۲۰ - عباس بن عبدالمطلب**

المهدي المنتظر ابن صديق ص ۱۲

**۲۱ - عبدالرحمن بن عوف**

البيان گنجی شافعی ص ۹۶

**۲۲ - عبدالله بن حرث ( حارث ) بن جزء زبیدی**

سنن ابن ماجه ۵۱۹/۲ و در چاپ ديگر ۲۷۰/۲

**۲۳ - عبدالله بن عباس**

فصول المهمه ابن صباغ مالکی ص ۲۷۸

**۲۴ - عبدالله بن عمر بن خطاب**

فصول المهمه ص ۲۷۷ و البرهان باب ۱ حديث ۲ و باب ۶ حديث ۶

**۲۵ - عبدالله بن عمرو بن عاص**

البيان گنجی ص ۹۲

**۲۶ - عبدالله بن مسعود**

فصول المهمه ابن صباغ ص ۲۷۹

**۲۷ - عثمان بن أبي العاص**

مسند أحمد حنبل ۲۱۶/۴-۲۱۷

**۲۸ - عثمان بن عفان**

المهدى المنتظر صديق مغربى ص ۱۲ ، و در مقاله فتوائى - اداره مجمع فقهى سعودى در مکه -  
مندرج در آخر البيان گنجى ص ۷۷ چاپ بيروت

**۲۹ - علقمة بن عبدالله**

سنن ابن ماجه [ بنقل المهدى فى السنة شيرازى ص ۴۲ ] و فصول المهمه ابن صباغ مالکی

**۳۰ - على الهلالى**

مجمع الزوائد هيثمى ۱۶۵/۹

**۳۱ - عمار بن ياسر**

البرهان باب اول حديث ۱۰ و باب ۴ فصل ۲ حديث شماره ۷ و ۲۴

**۳۲ - عمر بن خطاب**

البرهان باب اول حديث ٣٨

**٢٢ - عمران بن حصين**

مسند أحمد بن حنبل ٤/٤٣٧

**٢٤ - عمرو بن عاص**

البرهان باب چهارم فصل ٢ حديث ٢٣

**٢٥ - عمرو بن مره جهني**

إبراز الوهم المكنون أبو الفيز غماری و عرف الوردی ص ١٣٩ و ٣٩٠ و المهدي المنتظر ابن صديق ادريسي ص ١٢

**٢٦ - عوف بن مالك**

معجم كبير طبرانی

**٢٧ - قتادة بن نعمان**

البرهان باب اول حديث ١٧ و باب ششم حديث ١٠ و ١١

**٢٨ - قرة بن اياس المزني**

ينابيع المودة ص ٢٢٠

**٢٩ - كعب الأحبار**

عقد الدرر جمال الدين دمشقي ص ١٨٠ و ٢٣٣-٢٣٤ بنقل از فتن نعيم بن حماد

**٤٠ - كعب بن علقمه**

البرهان باب هفتم حديث ٨-١٢-٢١

**٤١ - معاذ بن جبل**

إبراز الوهم المكنون أحمد بن محمد بن صديق ص ٨

**٤٢ - فاطمة الزهراء بنت رسول الله ( ص )**

فرائد السمطين حمويني

## ۲۲ - أم المؤمنین أم سلمه

سنن أبی داود ۱۵۱/۴

## ۲۳ - أم المؤمنین عایشه

کتاب الفتن نعیم بن حماد بنقل عقد الدرر ص ۱۶-۱۷ و البرهان باب دوم حدیث ۲۱

## ۲۵ - أم حبیبه

البرهان باب چهارم فصل ۲ حدیث ۲۰

## معترفین به تواتر و قطعی الصدور بودن احادیث مهدی منتظر (علیه السلام)

### ۱ - أبوالحسن ، محمد بن حسین آبری سجستانی ( درگذشته ۲۶۳ هـ )

از اعلام محدثین مورد قبول حفاظ حدیث و حدیث شناسان از اهل تسنن ، در کتاب « مناقب الشافعی » - ذیل نام محمد بن خالد جندی ، راوی حدیث جعلی « لا مهدی إلا عیسی بن مریم » - بشرح مندرج در مصادر ذیل<sup>(۱)</sup> اعتراف به تواتر و قطعی الصدور بودن احادیث مهدی نموده است.

### ۲ - حافظ محمد یوسف گنجی شافعی ( ۶۵۸ )

در « البیان فی اخبار صاحب الزمان ( ع ) » آخر باب یازدهم.

### ۳ - شمس الدین محمد بن أحمد قرطبی ( ۶۷۱ )

در « التذکره فی أحوال الموتی و أمور الآخرة » ص ۷۰۱.

### ۴ - حافظ جمال الدین مزّی ( ۷۴۲ )

در « تهذیب الکمال » ۱۴۶/۵-۱۴۹ شماره ۵۱۸۱.

### ۵ - ابن قیم جوزیه حنبلی ( ۷۵۱ )

در « منار المنیف » ص ۱۴۳.

### ۶ - ابن حجر عسقلانی ( ۸۵۲ )

در « تهذيب التهذيب » ۱۲۵/۹ ذیل شرح حال محمد بن خالد جندی و احتجاج بکلام ابری در رد جندی ، نیز - بنقل « ابراز الوهم المکنون » ص ۴۲۳ - در « فتح الباری ( شرح صحیح مسلم ) ».

#### ۷ - شمس الدين سخاوی ( ۹۰۲ )

در « فتح المغیث » بنقل از آبری [ « نظم المتناثر » کتانی ص ۲۲۶; « ابراز الوهم المکنون » غماری ص ۴۳۶ و مندرج در « الامام المهدي عند أهل السنة » ص ۲۳۲ ] .

#### ۸ - جلال الدين عبدالرحمن سيوطی ( ۹۱۱ )

در « مصباح الزجاجة » [ بنقل بلبیسی در « العطر الوردی فی شرح القطر الشهدی » ص ۴۵ ] .  
و در « فوائد المتکثرة فی الأحادیث المتواترة » و مختصر آن « الازهار المتناثرة » [ بنقل « ابراز الوهم المکنون » ص ۴۳۴ و مندرج در « الامام المهدي عند أهل السنة » ۴۳۴/۲; و در « عرف الوردی » مندرج در « الامام المهدي عند أهل السنة » ج ۱ ذیل ص ۳۹۶ ] .

#### ۹ - ابن حجر هیثمی ( ۹۷۴ )

در « صواعق المحرقة » ص ۹۹ و در چاپ دیگر ص ۱۶۷ .

#### ۱۰ - شیخ مرعی بن یوسف حنبلی ( ۱۰۳۳ )

در « فرائد الفکر فی الامام المهدي المنتظر » [ بنقل « لوائح الأنوار البهية » سفارینی ج ۲ و مندرج در « الامام المهدي عند أهل السنة » ۲۳/۲ و « الإذاعة » محمد صديق قنوجی ص ۱۴۷ ] .

#### ۱۱ - أبوزید عبدالرحمن بن عبدالقادر فاسی ( ۱۰۹۲ )

در « منهج المقاصد - شرح « مراد المعتمد » شیخ محمد عربی فاسی - » بنقل از سخاوی [ « المهدي المنتظر » عبدالله بن محمد صديق حسنی ادیسی ص ۱۰ ] .

#### ۱۲ - محمد بن عبد الرسول بررنجی ( ۱۱۰۲ )

در « الإشاعة لأشراط الساعة » ص ۸۷ .

#### ۱۳ - محمد بن عبدالباقی زرقانی مالکی ( ۱۱۲۲ )

در « شرح المواهب اللدنیة » [ بنقل « ابراز الوهم المکنون » صديق مغربی ص ۴۳۴ و مندرج در « الامام المهدي عند أهل السنة » ص ۲۳۰ ] .

#### ۱۴ - شیخ محمد بن قاسم بن محمد جسوس مالکی ( ۱۱۸۲ )



در شرح کتاب « الرسالة » عبدالله بن عبدالرحمن شیروانی [ کتانی در « نظم المتناثر من الحديث المتواتر » ص ۲۲۶ و احتجاج به کلام جسوس; و « المهدي المنتظر » ابن صدیق غماری ص ۹ ] .

#### ۱۵ - أبوالعلاء ادريس بن محمد ادريس حسینی عراقی فاسی ( ۱۱۸۳ )

در کتابی که در باره امام المهدي نوشته [ بنقل « نظم المتناثر » ص ۲۲۶; و « المهدي المنتظر » ابن صدیق غماری ص ۸ ] .

#### ۱۶ - شيخ محمد بن أحمد سفارینی حنبلی ( ۱۱۸۸ )

در « لوائح الأنوار البهية » مندرج در « الامام المهدي عند أهل السنة » ص ۲۰/۲ .

#### ۱۷ - شيخ محمد بن علی صبان ( ۱۲۰۶ )

در « إسعاف الراغبين » ص ۱۴۵ ، ۱۴۷ و ۱۵۲ .

#### ۱۸ - قاضي محمد بن علی شوکانی ( ۱۲۵۰ )

در کتاب « التوضیح فی تواتر ما جاء فی مهدي المنتظر و الدجال و المسيح »

[ کتانی در « نظم المتناثر » ص ۲۲۵-۲۲۸; محمد صدیق قنوجی بخاری در « الاذاعة لما كان و ما يكون بين يدي الساعة » ص ۱۶۰; شيخ محمد خضر حسين مصری در مقاله « نظرة فی أحاديث المهدي » چاپ دمشق و مندرج در « الامام المهدي عند أهل السنة » ص ۲۱۲/۲; أحمد أمين مصری در « المهدي و المهدوية » ص ۱۱۰ چاپ مصر; شيخ عبدالمحسن عباد حجازی در مقاله « عقيدة اهل السنة و الاثر » چاپ مدینه و مندرج در « الامام المهدي عند أهل السنة » ص ۴۰۳/۲; شيخ تويجری در « الاحتجاج بالاثر على من أنكر المهدي المنتظر » ص ۴۲ .

« تحفة الاحوذی » مبارکپوری ص ۴۸۴ باب « ما جاء فی المهدي » در شرح حديث ۲۳۳۱ ] .

#### ۱۹ - مؤمن بن حسن شبلنجی ( ۱۲۹۱ )

در « نور الأبصار » ص ۱۸۹ .

#### ۲۰ - سليمان بن ابراهيم قندوزی حنفی ( ۱۲۹۴ )

در « ينابيع المودة » باب ۸۵ ص ۵۶۳ .

#### ۲۱ - أحمد بن زینی دحلان مفتی شافعیه ( ۱۲۰۴ )

در « فتوحات الاسلاميه » ص ۲۱۱/۲ بنقل از « اشاعة » برزنجی .

#### ۲۲ - سيد محمد صدیق حسن قنوجی بخاری ( ۱۲۰۷ )

در « الاذاعة لما كان و ما يكون بين يدي الساعة » ص ۱۱۲.

## ۲۳ - محمد بلبیسی بن محمد بن أحمد حسینی شافعی مصری ( ۱۳۰۸ )

در « عطر الوردی فی شرح القطر الشهدی » ص ۴۴ بنقل از « شرح ورد السحر » شیخش أبو عبدالسلام شیراوی و ص ۴۵ بنقل از « مناقب الشافعی » أبو الحسن آبری درگذشته ۳۶۳ و از « مصباح الزجاجة » سیوطی.

## ۲۴ - أبو عبدالله محمد بن جعفر كتانی مالکی ( ۱۳۴۵ )

در « نظم المتناثر من الحديث المتواتر » ص ۲۲۵-۲۲۸ شماره ۲۸۹.

- توضیحاً اسامی هشت نفر از معترفین به تواتر احادیث ویژه مهدی منتظر را با مصدر نقل ذکر کرده بدین شرح:

سقاوی ، آبری ، عراقی ، شیخ جسوس ، زرقانی ، مؤلف « مغانی الوفاء بمعانی الاكتفاء » ، سفارینی ، شوکانی.

## ۲۵ - مبارکپوری ( ۱۳۵۲ )

در « تحفة الاحوذی » ص ۴۸۴ باب « ما جاء فی المهدي » در راستای شرح حدیث ۲۳۳۱.

## ۲۶ - شیخ محمد خضر حسین مصری ( ۱۳۷۷ )

در مقاله « نظرة فی أحادیث المهدي » چاپ ضمن « مجلة التمدن الاسلامی » دمشق ۱۳۷۰ هـ. ۱۹۵۰ م ص ۸۲۹ ، و بنقل از شوکانی بطوریکه تلقی به قبول نموده و عیناً مندرج در « الامام المهدي عند أهل السنة » ۲/۲۱۲ میباشد.

## ۲۷ - ابوالفیض ، سید احمد بن محمد بن صدیق غماری حسینی ازهری شافعی مغربی ( ۱۳۸۰ )

در « ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون ، أو المرشد المبدي لفساد طعن ابن خلدون فی أحادیث المهدي » ص ۴۳۳-۴۳۶ و عیناً مندرج در « الامام المهدي عند أهل السنة » ۲/۲۲۷-۳۸۲.

## ۲۸ - شیخ ناصرالدین البانی ( معاصر )

در مقاله « حول المهدي » نشریه « مجلة التمدن الاسلامی » دمشق سال ۲۲ ذیقعد ۱۳۷۱ هـ ، ص ۶۴۲-۶۴۶ و عیناً مندرج در « الامام المهدي عند أهل السنة » ۲/۳۹۱.

## ۲۹ - شیخ صفاءالدین آل شیخ الحلقه عراقی

در « مجله التربية الاسلامية » شماره ۷ ص ۳۰ سال ۱۴ [ « المهدي المنتظر بين التصور و التصديق »  
شيخ محمد حسن آل يس ص ۲۹; نیز « المهدي المنتظر » ص ۲۹].

#### ۲۰ - شيخ عبدالمحسن بن حمد عباد

عضو هیئت تدریسی دانشگاه اسلامی مدینه ، در مقاله « عقیده اهل السنّة و الاثر فی المهدي  
المنتظر » نشریه « مجله جامعه الاسلامیه » مدینه سال اول شماره ۳ ذیقعه ۱۳۸۸ بخش چهارم  
مقاله ص ۶۴۳ و عیناً مندرج در « الامام المهدي عند أهل السنّة » ص ۴۰۲-۴۰۴.

و در دیگر مقاله مفصل بعنوان « الردّ علی من کذب بالاحادیث الصحیحة الواردة فی المهدي » در ردّ  
بر رساله « لا مهدي ينتظر بعد الرسول خیر البشر » ابن محمود قاضی قطر ، نشریه فوق شماره ۱  
سال ۱۲ ، ۱۴/۱۴۰۰ هـ و عیناً مندرج در « الامام المهدي عند أهل السنّة » ص ۴۴۲/۲.

#### ۲۱ - ابوالفضل عبدالله بن محمد بن صدیق حسینی ادیسی

در « المهدي المنتظر » چاپ عالم الکتب بیروت ص ۹۵.

#### ۲۲ - شيخ حمود بن عبدالله تویجری ( معاصر )

از استادان دانشگاه اسلامی مدینه ، در کتاب « الاحتجاج بالاثّر علی من أنکر المهدي المنتظر » در  
ردّ بر کتاب « لا مهدي ينتظر بعد الرسول خیر البشر » قاضی قطر ص ۱۲۱.

#### ۲۳ - شيخ عبدالعزيز بن عبدالله بن باز ( معاصر )

از رجال علمی دربار حکومت سعودی و رئیس ادارات علوم و فتوی و دعوت و ارشاد ، در ذیل  
تأییدنامه مقاله « عقیده اهل السنّة و الاثر فی المهدي المنتظر » شیخ عبدالمحسن عباد سابق  
الذکر ، و نیز در کلام تقریضی او بر کتاب « الاحتجاج بالاثّر . . . » تویجری مذکور ص ۳.

۲۴ - در پایان قابل توجه است که **دکتر عبدالحلیم نجار** ضمن مقدمه اش - بر کتاب « المهديه  
فی الاسلام » سعد محمد حسن مصری ، که در خلط مبحث حقایق اسلامی و نادیده انگاشتن  
نقلیات حدیثی و اعترافات علماء در باب مهدي منتظر و انکار او خلاصه می شود - مؤکداً خاطر نشان  
میکند که بنظر علماء حدیث ، موضوع مهدي بالغ و برخوردار از تواتر معنوی است.

- بحارالانوار ۷۶/۲۳ - ۹۵ چاپ دوم ، ودرج امین الضرب قدیم ۱۶/۷ - ۲۰

- توضیحاتی از این کتاب به عنوان جزء اول و دوم از جلد سوم در سال ۱۴۰۲ بتحقیق حبیب الرحمان اعظمی و وسیله دار السلفیه هند بچاپ رسیده ، ولی موقع تنظیم این رساله در دسترس نگارنده نبود تا بدان مراجعه وبلاواسطه از آن نقل شود.

- به نقل سید بن طاووس در « طرائف » ص ۲۱۰ ضمن شماره ۳۰۵ ، و « ندیم الفرید » بعنوان « ندیم الأحباب و جلیس الأصحاب » نسخه خطی آن در کتابخانه مغنیا از بلاد ترکیه بشماره ( ۱۲۱۰ ) موجود است. ( اعلام زرکلی ۱/۲۱۲ )

- تذکره قرطبی ص ۷۰۱.

- تهذیب الکمال حافظ مزی ۱۴۶/۲۵ ذیل ترجمه محمد بن خالد جندی.

- منار المنیف ابن قیم جوزیه حنبلی ص ۱۴۲.

- تهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی ۱۲۵/۹ ذیل شرح حال محمد بن خالد و احتجاج بکلام ابری در ردّ بر او.

- فتح المغیث سخاوی ( بنقل نظم المتناثر کتانی ص ۱۴۴ ).

- مصباح الزجاجة سیوطی ( بنقل عطرالوردی بلیسی ص ۴۵ ) و عرف الوردی ص ۱۶۵.

- صواعق المحرقة ابن حجر ص ۹۹ و در چاپ دیگر ص ۱۶۷.

- البرهان متقی هندی باب دوازدهم.

- فرائد الفکر فی الإمام المهدی المنتظر مرعی بن یوسف کرمی ( بنقل لوائح الأنوار سفارینی ص ۲۳ ) .

- الإشاعة برزنجی ص ۸۷.

- شرح المواهب اللدنیة زرکانی ( بنقل المتناثر کتانی ص ۱۱۴ ) .

- لوائح الأنوار البهیه سفارینی - مندرج در الإمام المهدی عند أهل السنة ۲/۲۳ - .

- اسعاف الراغبین صبان ص ۱۴۰.

- نور الأبصار شبلنجی ص ۱۷۱.

- نظم المتناثر کتانی ص ۲۲۸.

- عقیده اهل السنة و الاثر عبدالمحسن عباد - مندرج در الإمام المهدی عند اهل السنة ۲/۴۰۲ - .

- الإحتجاج بالاثار علی من أنکر المهدی المنتظر تویجری ص ۲۸ و ۱۴۲ و ۳۰۱.

- المهدی المنتظر ابن صدیق غماری ص ۷.

## **(السلام و قابل استناد بودن احادیث مهدی منتظر(علیه به صحت معترفین**

و اما معترفین از طبقه حدیث آوران و حدیث شناسان اهل تسنن به صحت و قابل استناد بودن احادیث وارده پیرامون شئون مختلف مهدی منتظر ، پس در حدود بیست و پنج نفرند که هر يك با تعبیرات گوناگون ، نقلیات روایتی مورد بحث را صحیح و قابل قبول اعلام کرده اند و اسامی و آدرس کلامی آنها بدین قرار است:

- ۱ - **حافظ ترمذی** (متوفی ۲۹۷) در «سنن» خود - که یکی از صحاح سته حدیث اهل تسنن می باشد - ج ۴ ص ۵۰۵ و ۵۰۶
- ۲ - **حافظ ابوجعفر عقیلی** (۳۲۲) در کتاب «الضعفا الكبير» ذیل ترجمه علی بن نفیل حرانی ج ۲ ص ۲۵۲ ، شماره ۱۲۵۷
- ۳ - **ابومحمد حسن بن علی خلف بریهاری شیخ حنبلیان** (۳۲۹) در کتاب «شرح السنة» بنقل شیخ حمود تویجری در «الاحتجاج بالاثار علی من انکر المهدی المنتظر» ص ۲۸
- ۴ - **حاکم نیشابوری** (۴۰۵) در «مستدرک» ج ۴ صفحات ۴۲۹، ۴۴۲، ۴۵۰، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۶۴، ۴۶۵، ۵۰۲، ۵۲۰، ۵۵۴، ۵۵۷، ۵۵۸
- ۵ - **امام المحدثین بیهقی** (۴۵۸) در «الاعتقاد و الهدایة الی سبیل الرشاد ص ۱۲۷ و نیز بنقل ابن قیم در «منار المنیف» ص ۱۳۰ شماره ۲۲۵
- ۶ - **حافظ بغوی** (۵۱۰ یا ۵۱۶) در «مصایح السنة» ص ۴۸۸ شماره ۴۱۹۹، ۴۹۲ و ۴۹۳
- ۷ - **مورخ شهیر و محدث معروف ابن اثیر** (۶۰۶) در کتاب «النهاية فی غریب الحدیث و الاثر» ج ۱ ص ۲۹۰ ج ۲ ص ۱۷۲ و ۳۲۵ و ۳۸۶ و ج ۴ ص ۳۳ و ج ۵ ص ۲۵۴
- ۸ - **ابن منظور افریقی** (۷۱۱) در «لسان العرب» ص ۵۹ ذیل کلمه «هدی»
- ۹ - **ابن تیمیه** یگانه بنیانگذار مذهب وهابی سعودی (۷۲۸) در «منهاج السنه» ج ۴ ص ۲۱۱
- ۱۰ - **بزرگ حدیث شناس اهل تسنن ، حافظ ذهبی** ، (۷۴۸) در «تلخیص المستدرک» ج ۴ ص ۵۵۳
- ۱۱ - **ابن کثیرشامی** (۷۷۴) در «النهاية فی الفتوالملاحم» ج ۱ ص ۵۵
- ۱۲ - **فاضل تفتازانی** (۷۹۳) در «شرح المقاصد ص ۳۱۲ در شرح عقاید نسفی ص ۱۶۹

۱۲ - نور الدین هیثمی ( ۸۰۷ ) در « مجمع الزوائد » ج ۷ ص ۱۱۵ ، ۱۱۶ ، ۳۱۳ ، ۳۱۴ ، ۳۱۶ ،

۳۱۷

۱۴ - شیخ محمد جزری دمشقی شافعی ( ۸۳۳ ) در « السمی المناقب فی تهذیب اسنی

المطالب » ص ۱۶۳ ، ۱۶۸

۱۵ - الشهاب احمد بن ابی بکر بوصیری ( ۸۴۰ ) در « مصباح الزجاجة فی زوائد ابن ماجه » ج

۳ ص ۲۶۳ شماره ۱۴۴۲

۱۶ - علاء الدین بن حسام الدین معروف به متقی هندی ( ۹۷۵ ) در « البرهان فی علامات

مهدی آخر الزمان » که در رد سید محمد بن سید محمد خان جونپوری مدعی مهدویت ، نوشته و از

متن فتوهای چهار نفر از علمای مذاهب اربعه حنفی ، شافعی ، مالکی و حنبلی هم ( که بیانگر

صحت احادیث مربوطه و وجوب ایمان بدانها بر هر مسلمانی است ) استفاده نموده .

مراجعه شود به کتاب فوق ص ۱۷۷ و ۱۷۸ - ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳

۱۷ - سید محمد مرتضی حسینی حنفی واسطی زبیدی ( ۱۲۰۵ ) در « تاج العروس » ج ۱۰

ص ۴۰۸ ، ۴۰۹ ، ذیل کلمه « هدی »

۱۸ - شهاب الدین احمد بن اسماعیل حلوانی شافعی مصری ، ( ۱۳۰۸ ) در منظومه « قطر

الشهدی فی اوصاف المهدی » که شرحش بنام « عطرالوردی فی شرح الفطرالشهدی »

بطورمکررینظر رسید ص ۶۸

۱۹ - ابوالبرکات آلوسی حنفی ( ۱۳۱۷ ) در « غالية المواعظ » ص ۷۶ - ۷۷

۲۰ - ابوالطیب ، محمد شمس الحق عظیم آبادی ( ۱۳۲۹ ) در « عون المعبود شرح سنن ابی

داود » ج ۱۱ ص ۳۶۱

۲۱ - شیخ منصورعلی ناصف ( بعد ۱۳۷۱ ) در « التاج الجامع للأصول » باب هفتم - ج ۵ ص

۳۴۱ آخر باب نهم ???

۲۲ - شیخ محمد بن عبدالعزیز مانع ، ( ۱۳۸۵ ) در « تحدیق النظر باخبار الامام المنتظر »

۲۳ - شیخ محمد قواد عبدالباقی ( ۱۳۸۸ ) در تعلیقه اش بر حدیث مندرج در سنن ابی داود ،  
بنقل شیخ عبدالمحسن عباد در مقاله « عقیده اهل السنة و الاثر فی المهدي المنتظر » مندرج در  
« الامام المهدي عند اهل السنة » ج ۲

۲۴ - ابوالاعلی مودودی ، معاصر ، در « البیانیات » ص ۱۱۶

۲۵ - نویسنده محقق سعید ایوب معاصر در « عقیده المسيح الدجال فی الادیان » ص ۳۶۱  
چاپ سوم قم ، مطبعه مهر ۱۴۱۳

**مهدی (علیه السلام) از فرزندان فاطمه(علیها السلام) دختر پیامبر(صلی الله علیه وآله)  
است.**

از جمله پیشگوئیهای صریح پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) پیامون امام مهدی منتظر در رابطه با  
مشخصات نسبی و ویژگیهای فامیلی آن حضرت ، موضوع بودن آن موعود جهانی است از فرزندان  
فاطمه ، که در حدود هفتاد نفر از مراجع حدیثی و اعلام تاریخی اهل تسنن ، احادیث بیانگر این امر  
و فرازهای تاریخی مربوط بدان را نقل و ثبت کرده اند و محلّی برای شكّ و شبهه در این باره باقی  
نگذارده اند؛ و عباراتی که پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) در این باره ایراد فرموده ، بنقل ام سلمه  
بدین قرار است:

« المهديّ حقّ و هو من ولد فاطمة »

« المهديّ من ولد فاطمه »

« المهديّ من عترتی من ولد فاطمة »

و به نقل حسین بن علی بن ابی طالب بدینگونه باشد که با روی سخن به فاطمه فرمود:

« المهدي من ولدك »

« أبشري يا فاطمة ، فانَّ المهديَّ منك »

« أبشري يا فاطمة ، المهديَّ منك »

و به نقل أبوأيوب أنصاری چنین آمده:

« . . . و منَّا خير الأوصياء و هو بعلك . . . و منَّا المهديَّ و هو من ولدك »

« . . . و منَّا المهديَّ . . . »

و همچنان که ملاحظه می شود این عبارات خلاصه می شود در اعلام بودن حضرت مهدی(علیه السلام) از فرزندان فاطمه(علیها السلام) دختر پیامبر(صلی الله علیه وآله) ، و براین اساس فاطمی نبودن مدعیان مهدویت خود یکی از دلائل محکم ، و سرنخی است بر دروغگوئی آنان. همچنانکه دیگر مشخصات مهدی راستین نیز دلیل و نشانه است بر دروغگوئی مهدیهای فاطمی و بی اساس بودن دعوای مهدویت آنها.

و اما ناقلین بودن حضرت مهدی از فرزندان فاطمه ، و مصادر نقل آن ، پس بدین شرح است:

۱ - إبراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون: أحمد بن محمد بن صديق مغربی; ص ۱۴۶ حدیث ۷۷.

۲ - الإذاعة لما كان و ما يكون بين يدي الساعة: سيد محمد صديق حسن قنوجی بخاری; ص ۱۱۶.

۳ - الأربعين حديثا في المهدي: حافظ أبونعيم اصفهانی; مندرج در « العرف الوردی » سیوطی و « حديقة الشيعة » مقدّس أردبیلی و « كشف الغمة » اربلی و « بحار الأنوار » علامه مجلسی.

۴ - أرحح المطالب: شيخ عبيدالله حنفي; ص ۳۸۱ و ۳۸۴ و ۳۸۵ با اسناد مختلف.

۵ - أسعاف الرّاعبين: ابن صبان مالکی; چاپ حاشیه « نور الأبصار » شبلینجی ، ص ۱۳۷.

۶ - الإشاعة لأشراط الساعة: محمد بن رسول حسینی برزنجی; ص ۸۸.



- ٧ - أشعة اللمعات: شيخ عبدالحقّ دهلوى; ٣٣٧/٤.
- ٨ - انسان العيون ( مشهور به سيره حليى ): ١٩٣/١.
- ٩ - البرهان فى علامات مهدي آخر الزمان: متقى هندی; باب ٢ حديث ٢ و ١٧ و ٢٠ و ٢٢ و ٢٣.
- ١٠ - البيان فى أخبار صاحب الزمان: گنجى شافعى; ص ٣١٠ ج نجف.
- ١١ - التّاج الجامع للأصول: شيخ منصور على ناصف; ج ٥ ص ٣٤٣ ، اوایل باب هفتم كتاب الفتن.
- ١٢ - تاريخ الرقّة: أبوعلى قشيري حرّانى; ص ٧٠ و ٧١.
- ١٣ - تاريخ الكبير: بخارى; ج ٢ بخش ١ ص ٣١٦.
- ١٤ - تذكرة الحفاظ: شمس الدين ذهبى; ٤٦٣/١.
- ١٥ - تذكرة: قرطبي; ص ٦١٦.
- ١٦ - تعلیقة: شيخ طاهر نعلسانى بر « تاريخ الرقّة: » قشيري; ص ٧٠.
- ١٧ - تلخیص مستدرک حاکم: ذهبى; ٥٥٧/٤.
- ١٨ - تميز الطيّب من الخبيث: ابن ربيع شيبانى; ص ٢٢٠.
- ١٩ - تيسير الوصول: ابن ربيع شيبانى; ٢٣٧/٢.
- ٢٠ - جالية الكدر: عبدالهادى ابيارى; ٢٠٨.
- ٢١ - جامع صغير: سيوطى شافعى; ٥٧٩/٢.
- ٢٢ - جمع الجوامع: سيوطى; ١٠٤/٢.
- ٢٣ - جواهر العقدين: نورالدين سمهورى; بنقل « ينابيع المودة » قندورى ، اول باب ٧٣.

٢٤ - **در المنثور:** سيوطى؛ ٥٨/٦؛ بنقل از أبوداود ، ابن ماجه ، طبرانى تا حاكم از امّ سلمه.

٢٥ - **الدّر المنظم:** محمد بن طلحه شافعى (٤٥٢) مندرج در باب ٦٨ « ينابيع المودة » ص ٤٩٢  
چاپ نجف و ص ٤٣٢ چاپ استانبول

٢٦ - **ذخائر العقبي:** محب الطبرى؛ ص ٤٤ و ١٦٦؛ بنقل « أربعين حديثاً فى المهدى » أبوالعلاء همدانى.

٢٧ - **راموز الأحاديث:** أحمد ضياءالدين حنفى نقشبندى؛ ص ٢٣٦.

٢٨ - **سراج المنير - فى شرح الجامع الصغير سيوطى -:** احمد بن محمد عزيزى؛ ص ٤٠٩.

٢٩ - **سنن:** أبى داوود سجستانى؛ ١٥١/٤.

٣٠ - **سنن المصطفى:** ابن ماجه قزوینى؛ ٥١٩/٢.

٣١ - **شرح نهج البلاغة:** ابن أبى الحديد؛ ٢٨١/١ چاپ ٢ جلدی مصر.

٣٢ - **صحيح مسلم:** به نقل كنز العمال ٢٤٤/١٤

٣٣ - **صواعق المحرقة:** ابن حجر هيثمى؛ ص ٢٣٥.

٣٤ - **العرائس الواضحة:** عبدالهادى ابيارى؛ ٢٠٨.

٣٥ - **العرف الوردى فى اخبار المهدي:** سيوطى؛ ضمن « الحاوى للفتاوى »؛ ١٢٤/٢ و ١٤٤ و ١٣٧ و ١٤٦ و ١٤٨ و ١٥٥ و ١٦٥ از أبونعيم و ابن عساكر و طبرانى ، چاپ ١٣٧٨ مصر.

٣٦ - **عقد الدرر فى أخبار المنتظر:** ص ٢١ حديث ٢٥-٢١ بنقل از « سنن » ابن ماجه و « سنن » امام أبوعمر مقرى و « صفة المهدي » حافظ أبونعيم و « الملاحم » ابن منادى.

٣٧ - **الفتاوى الحديثه:** ابن حجر هيثمى مكى؛ ص ٢٩.

٣٨ - **فتح الكبير:** يوسف نيهانى لبنانى؛ ص ٢٥٩.

- ۳۹ - **الفتن و الملاحم: أبو نعیم بن حماد**; ج ۱ ص ۳۷۳ چاپ مکتبة التوحید قاهره
- ۴۰ - **الفتوحات الکبیر: محی الدین ابن عربی** چاپ بولاق
- ۴۱ - **الغردوس: شیرویه بن شهردار دیلمی**; شماره ۶۶۷۰ ج ۴ ص ۲۲۳.
- ۴۲ - **فصول المهمة: ابن صباغ مالکی**; ص ۲۷۶.
- ۴۲ - **الغقه الأكبر: مولوی حسن الزمان**; ۶۷/۲ و ۷۰/۲.
- ۴۴ - **کنز العمال: متقی هندی**; ۳۱۸/۶ و ۲۵۹/۷ ، چاپ حیدرآباد و ۱۰۵/۱۲ بنقل از سنن ابی داود و صحیح مسلم از ام سلمه و ۱۴ / ۲۶۴ به نقل از ابن عساکر از امام حسین بن علی ، چاپ حلب
- ۴۵ - **کنوز الحقایق: مناوی**; ص ۳ و ۱۶۴ ط بولاق مصر.
- ۴۶ - **لوائح الأنوار البهية: محمد سفارینی حنبری**; قبل از عنوان فوائد.
- ۴۷ - **مجمع الزوائد: نورالدین هیثمی**; ۱۶۶/۹ ، کتاب المناقب ، باب فضل اهل البيت.
- ۴۸ - **مستدرک: حاکم نیشابوری**; ۵۵۷/۴.
- ۴۹ - **مسند فاطمه: سیوطی**; چاپ ۱۴۰۶ مطبعه عزیزیه حیدرآباد هند ، بنقل از ابن عساکر.
- ۵۰ - **مشارك الأنوار فی فوز اهل الإعتبار: حمراوی**; ص ۱۵۲ بنقل از « صحیح » مسلم و « سنن » ابی داود و « سنن » نسائی و « مستدرک » حاکم و « سنن » ابن ماجه و « سنن » بیهقی و دیگران.
- ۵۱ - **مشکاة المصابیح: خطیب تبریزی**; ۲۴/۳.
- ۵۲ - **مصابیح السنّة: بغوی**; ۱۳۴/۳.
- ۵۳ - **مطالب السئول: محمد بن طلحه شافعی**; ص ۸۹.

۵۴ - معجم الصغير: أبو القاسم طبرانی; ص ۵۲ حدیث ۹۴.

۵۵ - مفتاح النجاء: بدخشی; ص ۱۰۰ ، مخطوط.

۵۶ - مقاتل الطالبین: أبو الفرج اصفهانی; ص ۱۴۳.

۵۷ - مقاصد الحسنه: شمس الدین سخاوی; ص ۴۳۵.

۵۸ - الملاحم: ابن منادی - أبو الحسن احمد بن جعفر -; ص ۴۱.

۵۹ - المنار المنيف: ابن قیم جوزیه ص ۱۴۶ شماره ۳۳۴

۶۰ - منتخب كنز العمال: چاپ حاشیه « مسند » أحمد حنبل ، ۹۶/۵ و ۳۰/۶.

۶۱ - منهاج السنّة: ابن تیمیه حرّانی; ۲/۲۱۱.

۶۲ - میزان الاعتدال: ذهبی; ۱/۳۵۵ و ۲/۲۴۰.

۶۳ - نهاية البداية و النهاية: ابن کثیر دمشقی; ۳۷۱ و ۴۰.

۶۴ - ينابيع المودة: سليمان قندوزی; ۳/۸۶ ج بیروتو ص ۵۱۹ ج نجف

**مهدی موعود منتظر حسینی و از فرزندان امام حسین بن علی (علیهما السلام) است نه**

**حسنی و از فرزندان امام حسن بن علی (علیهما السلام)**

از جمله پیشگوئیهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رابطه با مشخصات نسبی و ویژه گیهای خانوادگی امام مهدی منتظر (علیه السلام) موضوع حسینی بودن او ست که حضرتش با تعبیرات مختلف جدّ پدری آن امام بزرگوار را ابو عبدالله ، حسین بن علی بن ابی طالب معرفی و اعلام فرمود .

البته بشرحی که بعداً ملاحظه می شود حداقل یکصد و بیست و هشت نفر از اعلام حدیثی و تاریخی اهل تسنن در مصادر حدیثی و منابع تاریخی مربوطه اعتراف به ولادت حضرت مهدی در حدود نیمه دوم قرن سوم هجری نموده و عموماً به سلسله نسب پدری آن بزرگوار که از امام حسن عسکری منتهی به امام حسین بن علی بن ابیطالب می شود تصریح کرده اند و دیگر جای هیچگونه شکی نیست که حضرت مهدی موعود منتظر حسینی است و چندان نیازی به طرح عنوان حسینی بودن آن بزرگوار نخواهد بود .

ولی جهت آگاهی خوانندگان به حقایق تاریخی و کشف و برملاشدن دروغبافی ویی راه روی مدعیان حسنی بودن مهدی منتظر ، لازم دانستیم توجه خوانندگان را به این مطلب جلب تاسیه روی شود هر که در او غش باشد .

واینک اسامی تعدادی از ناقلین و معترفین به حسینی بودن حضرت مهدی عج:

۱- علامه محقق ادیب ابن قتیبه دینوری ( ۲۷۶ ) در غریب الحدیث نقل از امام امیر مؤمنان علی

علیه السلام نموده که مهدی را مطرح نمود و فرمود: « **انّه من ولد الحسین علیه**

**السلام** ، همانا که مهدی از فرزندان حسین باشد . . . ، **و ذکر حلیته فقال: رجل اجل**

**الجین . . . »**

[ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱ ص ۲۸۱ و ۱۳۰/۱۹ ]

۲- حافظ ابوالحسن علی بن عمر دارقطنی شافعی ( متوفای ۲۸۵ ) - به نقل البیان گنجی شافعی آخر باب نهم و قندوزی در ینابیع الموده اواسط باب نود و چهار- در « الجرح و التعديل » ذیل روایت مفصلی از ابوسعید خدری ( که بیانگر بیمارشدن پیامبر اکرم و رفتن فاطمه به عیادت و دیدار آن بزرگوار و ایراد و اعلام آن حضرت باروی سخن به فاطمه ، شش امتیازی را که خداوند بدان خاندان عنایت فرموده می باشد ) آورده است که پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: از جمله امتیازات ششگانه اینک: مهدی این امت که عیسی پشت سرش نماز میخواند از ما خاندان باشد ،

سپس دست بر شانه حسین - که حاضر در مجلس بود زد و فرمود: « **من هذا مهدی الامّة** »

از این ( حسین ) باشد مهدی ( منتظر این ) امت .

نیز قندوزی در ینابیع الموده اواسط باب نود و چهار صفحه ۵۹۰ این فراز از حدیث را آورده است .

۳- حافظ ابونعیم اصفهانی ( ۴۳۰هـ ) در کتاب « اربعون حدیثاً فی المهدی » به عنوان حدیث ششم با ذکر سند نقل از حذیفه رض نموده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) با ایراد خطبه و خیر دادن از رخدادهای جهان فرمود:

**« لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد ، لطول الله عزوجل ذلك الیوم ، حتی یبعث رجلاً من ولدی اسمه اسمی .**

**فقام سلمان رض فقال: یا رسول الله ، من ای ولدك هو؟**

**قال: من ولدی هذا و ضرب بیده علی الحسین علیه السلام » (۱)**

توضیحا این روایت را دیگر نامبردگان ذیل بهمین مضمون و با کمی اختلاف در تعبیرات نقل کرده اند که بخاطر محدودیت مقاله از ذکر متون مربوطه تا فرصت بعدی معذرت می خواهیم

۴- اخطب خطباء خوارزم موفق بن احمد مکی خوارزمی ( ۵۸۶ ) در مقتل الحسین اوائل فصل هفتم ص ۱۴۶ .

۵- شیخ الاسلام ابوالعلاء حسن بن احمد بن حسن عطار همدانی - صاحب « اربعون حدیثاً فی المهدی » - ( ۵۶۹ هـ ) بشرح مندرج در « فرائد السمطین » و به نقل « مناقب کاشی - مخطوط و موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم » .

۶- ابن ابی الحدید ( ۶۵۶ ) در شرح نهج البلاغه ج ۱ ص ۲۸۱ - ۲۸۲ وج ۱۹ ص ۱۳۰ با اشاره به نقل ابن قتیبه در « غریب الحدیث » از علی (علیه السلام) .

۷- محمد بن یوسف گنجی شافعی ( مقتول سنه ۶۵۸ ) در « البیان فی اخبار صاحب الزمان » ص ۹۰ چاپ نجف باب نهم به نقل از « الجرح و التعذیل » دارقطنی ،

۸- یوسف بن یحیی مقدسی شافعی سلمی ( ۶۸۵ ) در « عقد الدرر فی اخبار المنتظر » چاپ ۱۳۹۹ مکتبه عالم الفکر مصر ،

باب اول ص ۲۴ بنقل از « صفة المهدي » ابونعیم از حذیفه

آخر باب ۲ ص ۳۲ بنقل از مصدر فوق

باب ۴ فصل ۲ ص ۸۹ بنقل از جابر بن یزید جعفی از ابوجعفر ( امام باقر ع ) و ص ۹۵ بنقل از امام امیرالمؤمنین علیه السلام ،

باب ششم تحت عنوان: فی تصریح النبی بانّ المهدي من ولد الحسين بنقل از دارقطنی صاحب « الجرح و التعديل »

اواسط باب ۴ ص ۱۲۷ بنقل از فتن نعیم بن حماد از عبدالله بن عمرو

باب نهم فصل سوم ص ۲۲۳ از « صفة المهدي » حافظ ابونعیم و حافظ ابوعبدالله نعیم بن حمادو « معجم » حافظ ابوالقاسم طبرانی از عبدالله بن عمرو

۹- محب الدین طبری ( ۶۹۴ ) در « ذخائر العقبی » ص ۱۳۶-۱۳۷ ،

۱۰- شیخ ابراهیم بن محمد بن مؤید بن عبدالله جوینی خراسانی ( ۷۳۰ ) در « فرائد السمطین - فی فضائل المرتضی و البتول و السبطين و الائمة من ذریتهم » ج ۲ ص ۳۲۵-۳۲۶ شماره ۵۷۵ با ذکر سند منتهی به حافظ ابوالعلا حسن عطار همدانی .

۱۱- حافظ شمی الدین ذهبی ( ۷۴۸ ) در میزان الاعتدال ج ۲ ص ۲۸۲ ذیل نام عباس بن بکار ضبی

۱۲- سیدعلی شهاب همدانی ( ۷۸۶ ) در « مودة القریبی و اهل العباء » مندرج در « ینابیع الموده قندوزی ص ۳۰۸ چاپ نجف » موده دهم ضمن چند روایت مختلف و هم مضمون .

۱۳- محمد بن محمود حافظی معروف به خواجه پارسا ( ۸۲۲ ) در

« فصل الخطاب » مشروحاً حضرت مهدی را از فرزندان امام حسن عسکری دانسته و اعلام نموده

[ ینابیع الموده باب ۶۵ ، ص ۴۶۴ چ نجف ]

۱۴- ابن حجر عسقلانی ( ۸۵۲ ) در « لسان المیزان » ج ۳ ص ۳۰۰ طبق متن فرائد السمطین .

۱۵- ابن صباغ مالکی ( ۸۵۵ ) در « فصول المهمّة فی معرفة الأئمة » ص ۲۷۷ نقل از ابونعیم عین آنچه را که از حذیفه آورده .

۱۶- سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی ( ۱۲۹۴ ) در « ینابیع المودة » اواخر باب ۵۴ ص ۱۹۷ چاپ نجف بنقل از مودة القریبی همدانی .

اوایل باب ۷۷ ص ۵۳۴ بنقل از علی ( ع ) از پیامبر ( ص ) و از سلیم بن قیس از سلمان حدیثی را که با روی سخن به حسین فرمود: « . . . انت ابو حجاج تسعة تاسعهم قائمهم المهدي » بنقل از حموی و خوارزمی ، و بنقل از ابن عباس با تعبیر « و تسعة من ولد الحسين مطهرون » از حموی

اواسط باب ۹۴ ص ۵۸۸ بنقل از اربعین حافظ ابونعیم از حذیفه در پاسخ سنوال سلمان از پیامبر اکرم پیرامون نام فرزندش - که مهدی از اولاد او باشد - .

و ص ۵۸۹ بنقل از ابن خشاب از امام علی بن موسی الرضا و تصریح آنحضرت باینکه مهدی فرزند عسکری است .

و نیز ص ۵۸۹ با ذکر سند بنقل از امام موسی کاظم و تصریح باینکه امام صادق فرمود: « مهدی از فرزندان من باشد » .

و ص ۵۹۰ متن آنچه را از « الجرح و التعديل » دارقطنی آوردیم .

نیز ص ۵۹۰ بنقل از مناقب خوارزمی<sup>(۱)</sup> از سلمان فارسی .

روایتی را که سلمان وارد بر پیغمبر شد و دید حضرتش حسین بن علی را بر روی زانو نشانده و او را می بوسید و خبر می دهد از اینکه حضرت قائم نهمین فرزند حسین باشد

۱۷- شیخ عبدالهادی ابیاری ( ۱۳۰۵ ) در « العرائس الواضحة » ص ۲۰۸

۱۸- سید مؤمن بن حسن شبلنجی ( ۱۳۰۸ ) در « نورالابصار فی مناقب آل بیت النبى المختار » چاپ بولاق مصر .



## معترفین از علمای سنی به ولادت حضرت مهدی (علیه السلام) از نسل فاطمه زهرا (علیها السلام) و امام حسین بن علی (علیهما السلام) در نیمه شعبان ۲۵۵ هجری

در اینجا توجه خوانندگان ارجمند را به يك موضوع مهم جلب می نمائیم و آن اینکه:

اصل مسأله مهدویت در اسلام مانند - مسأله امامت که در پیشگفتار بدان اشاره کردیم - يك مسأله  
اتفاقی بین همه مذاهب عقیدتی و فقهی اسلام است.

چیزی که در این رابطه مورد اختلاف می باشد موضوع ولادت حضرت مهدی است که گروهی  
انگشت شمار از اهل تسنن منکر ، و اکثریت قریب به اتفاق موافق با شیعه ، و در منابع عقیدتی ،  
حدیثی و تاریخی خود صریحاً بدان اعتراف کرده اند.

ناگفته پیداست که معتقدان به ولادت آن حضرت نیز در انتساب آن بزرگوار به امام عسکری ، و دیگر  
ویژگیها و شؤون حیاتی او از قبیل غیبتو . . . با شیعه هم عقیده اند.

با توجه به اینکه ما در این کتاب در انطباق بخشی از فرازهای سخنان امام در نهج البلاغه با مسأله  
مهدی منتظر ، متکی به اعتراف ابن ابی الحدید ، شارح نهج البلاغه ، شده ایم ، و نامبرده در  
موضوع ولادت آن حضرت با شیعه مخالف ، و آن را موکول به بعد نموده است ، ما در این مقدمه به  
اسامی بیش از یکصد نفر از دانشمندان و مورخان اهل تسنن که با شیعه هم عقیده ، و به ولادت  
حضرت مهدی در نیمه دوم قرن سوم هجری اعتراف کرده اند اشاره می کنیم؛ و برای تفصیل  
بیشتر ، علاقمندان آشنا به زبان عربی را به کتاب « **الامام المهدی عند اهل السنة** »<sup>(۱)</sup> و مقدمه  
آن ارجاع می دهیم.

۱ - ابوبکر محمد بن هارون رویانی ( در گذشته ۳۰۷ ) در « مسند » مخطوط موجود در کتابخانه  
ظاهریه شام که بخش ویژه حضرت « مهدی » در جلد سوم « الامام المهدی عند اهل السنة » مندرج ،  
تا به یاری خدا چاپ و منتشر گردد.

۲ - ابن ابی تلج ، ابوبکر ، محمد بن احمد بن بغدادی ( ۲۳۸ - ۲۲۲ ) از بزرگان محدثان و مؤلف  
« تاریخ الأئمة » که به عنوان « موالید الأئمة » به پیوست « الفصول العشرة فی الغیبة - شیخ مفید - »

و « نوادر راوندی » به سال ۱۳۷۰ هجری در نجف به چاپ رسیده؛ و در این کتاب انتساب حضرت مهدی ( ع ) به امام عسکری و ولادت آن بزرگوار را صریحاً اعتراف نموده است.

۳ - ابوالعباس ، احمد بن ابراهیم بن علی کندی ، شاگرد ابن جریر طبری ، استاد حافظ ابونعیم اصفهانی ، مقیم مکه ، و راوی کتاب « موالید الأئمة ».

۴ - ابوعلی ، احمد بن محمد بن علی عمادی نسوی ، راوی کتاب « موالید الأئمة » ابن ابی ثلج به سال ۲۵۰ از کندی سابق الذکر.

۵ - ابومسعود ، احمد بن محمد بن عبدالعزیز بن شاذان بجلي ، نویسنده و قاری رساله « موالید الأئمة » بر ابومنصور شیرازی.

۶ - ابومنصور ، عبدالرحیم بن محمد بن احمد بن شرابی شیرازی که رساله مذکور را از ابی مسعود شنیده و نوشته است.

۷ - ابومحمد ، اسد بن احمد ثقفی که رساله « موالید الأئمة » را از ابومنصور گرفته است.

۸ - ابوماجد ، محمد بن حامد بن عبدالمنعم بن عزیز بن واعظ که رساله فوق الذکر را به نقل از ثقفی نامبرده ضبط کرده است.

۹ - ابوعبدالله ، محمد بن عبدالواحد بن فاخر قرشی که این رساله را از ابوماجد شنیده و نقل کرده است.

۱۰ - محب الدین ، ابوعبدالله ، محمد بن محمود بن حسن نجار بغدادی ( ۶۴۳ ) که شاگرد ابن جوزی ، مدرس مدرسه « مستنصریه » بغداد ، و مؤلف « ذیل تاریخ بغداد - شامل ۴۰ جلد - » بوده و محتوای رساله « موالید الأئمة » را از مشایخ سه گانه پیشین ( ابومحمد ثقفی ، ابوماجد ، ابوعبدالله فاخر قرشی ) شنیده و ضبط نموده است.

۱۱ - نسب شناس مشهور ، ابونصر ، سهل بن عبدالله بخاری زیدی ( بعد ۳۴۱ ) در « سرُّ السلسة العلویة » پیرامون نام امام حسن عسکری ( ع ) چاپ نجف.

۱۲ - مورخ شهیر علی بن حسین مسعودی ( ۳۴۶ ) در « مروج الذهب » جلد ۸ ، چاپ لیدن به ضمیمه ترجمه فرانسوی ص ۴۰ .

۱۳ - خوارزمی ، محمد بن احمد بن یوسف کاتب ( ۲۸۷ ) در « مفاتیح العلوم » ، چاپ لیدن سنه ۱۸۹۵ ، ص ۳۲ - ۳۳ .

۱۴ - حافظ ابوالفتح ، محمد بن احمد بن ابی الفوارس بغدادی ( ۳۸۸ - ۴۱۲ ) در « اربعین » خود شماره ۴ به نقل « کشف الاستار » محدث نوری ص ۲۹ چاپ اول .

۱۵ - جعفر بن محمد بن المعتز مستغفری سمرقندی ( ۴۳۲ ) در « دلائل النبوة و المعجزات » ( بنا به نقل شیخانی در « الصراط السوی » ) .

۱۶ - ابوبکر ، احمد بن حسین بیهقی خسروجردی شافعی ( ۴۵۸ ) در « شعب الایمان » چاپ دائرة المعارف هند .

۱۷ - مؤلف « مجمل التواریخ و القصص » فارسی ، ( تألیف سال ۵۲۰ ) ، ص ۴۵۸ چاپ تهران .

۱۸ - احمد بن ابی الحسن نامقی جامی ( ۵۲۶ ) به نقل « ینابیع المودة » ضمن احوال امیر مؤمنان ، باب ۸۷ ص ۵۶۶ .

۱۹ - ابن خشاب ، أبو محمد ، عبدالله بن احمد بغدادی ( ۵۶۷ ) در « تاریخ موالید الائمة و . . . »<sup>(۱)</sup> به نقل « کشف الأستار » و « أعیان الشیعه » .

۲۰ - اخطب خوارزم ، موفق بن احمد حنفی ( ۴۸۴ - ۵۶۸ ) در « مقتل امام حسین » ( که بعضی با مناقب امیرالمؤمنین از همان نویسنده اشتباه کرده اند ) ج ۱ ص ۹۴ ، ۹۶ ضمن دو روایت و به نقل « ینابیع المودة » ص ۴۹۲ چاپ اسلامبول سنة ۱۳۰۱ و « کشف الاستار » علامه نوری .

۲۱ - یحیی بن سلامت خصکفی شافعی ( ۵۶۸ ) به نقل مؤلفان « تذکرة الخواص » ص ۲۶۰ چاپ نجف و « ینابیع المودة » باب ۸۷ ص ۵۶۹ بعنوان بعض شافعیه .

۲۲ - ابن ازرق ، عبدالله بن محمد بن فارقی ( ۵۹۰ ) در « تاریخ میا فارقین » به نقل « وفیات الاعیان » ( ج ۳ ص ۲۱۶ ، شماره مسلسل ۵۳۴ ).

۲۳ - خلیفه عباسی ، الناصرلین الله ، احمد بن مستضیء ( ۶۲۲ ) روی درب مُنبت کاری صغه سرداب سامراء که به دستور او تهیه و نصب گردیده.

۲۴ - شهاب الدین ، یاقوت بن عبدالله حموی رومی بغدادی ( ۶۲۶ ) در « معجم البلدان » ( ج ۳ ص ۱۷۳ ) پیرامون کلمه « سامراء ».

۲۵ - شیخ فرید الدین عطار ، محمد بن ابراهیم نیشابوری همدانی ( ۶۲۷ ) در دیوانش به نام « مظهر الصفات » به نقل « ینابیع المودة » باب ۸۷.

۲۶ - ابن اثیر جزری ، عزالدین علی بن محمد شیپانی موصلی ( ۵۵۵ - ۶۳۰ ) در « الکامل » ذیل سنه ۲۶۰.

۲۷ - شیخ محی الدین محمد بن علی معروف به ابن عربی طائی اندلسی ( ۶۳۸ ) به نقل شعرانی - در « الیواقیت و الجواهر » مبحث ۶۵ - از باب ۲۶۶ « فتوحات مکیه » او که متأسفانه در چاپهای متعدد مصر از روی خیانت این مطلب ساقط شده.

نیز حمزاوی در « مشارق الانوار » و صبان در « اسعاف الراغبین » این مطلب را از محی الدین نقل کرده اند.

۲۸ - شیخ سعد الدین ، محمد بن مؤید حمویه ، معروف به سعد الدین حموی ( ۶۵۰ ) در رساله « مهدی منتظر » به نقل جامی در « مرآة الاسرار ».

۲۹ - شیخ کمال الدین محمد بن طلحه شافعی نصیبی ( ۵۸۲- ۶۵۲ ) در « مطالب السئول فی مناقب آل الرسول » باب ۱۲ و نیز در « الدر المنظم » که بخشی از آن در باب ۶۸ « ینابیع المودة » ( ص ۴۹۳ - ۴۹۴ ) درج و به چاپ رسیده است<sup>(۱)</sup>.

۳۰ - شمس الدین ، یوسف بن قزاوغلی ، سبط ابی الفرخ بن جوزی ( ۶۵۴ ) در « تذکرة خواص الامة - فصل ویژه حضرت مهدی - » که در تهران و نجف به چاپ رسیده است.

۳۱ - حافظ ابو عبدالله محمد بن يوسف گنجی شافعی ( ۶۵۸ ) در « کفایة الطالب » - پیرو نام امام عسکری ( ع ) - و در « البیان فی أخبار صاحب الزمان » - باب ۲۵ - که مکرر در ایران و نجف و بیروت چاپ شده است.

۳۲ - جلال الدین بلخی رومی ( ۶۷۲ ) در « مثنوی » ، ضمن قصیده « ای سرور مردان علی مستان سلامت می کنند ».

[ « ینابیع الموده » ، باب ۸۷ ]

۳۳ - صدرالدین قونوی از بزرگان عرفا و فلاسفه ( ۶۷۳ ) در قصیده « رائیه » خود به نقل « کشف الاستار » محدث نوری شماره مسلسل ۳۱.

۳۴ - ابن خلکان ( ۶۸۱ ) در « وفيات الاعیان » ج ۱ ص ۵۷۱ چاپ بولاق مصر ، و در چاپ دیگر ج ۳ ص ۳۱۶ شماره ۵۳۴.

۳۵ - عزیزالدین ، عبدالعزیز بن محمد نسفی صوفی ( ۶۸۶ ) در رساله خود به نقل « ینابیع الموده » پایان باب ۸۷.

و او غیر از عزیزالدین عمر بن محمد بن احمد نسفی مؤلف « عقاید النسفیة » و در گذشته ۵۳۸ است که مؤلفان « کشف الاستار » و « منتخب الاثر » با یکدیگر اشتباه نموده اند ، و مؤلف « دانشمندان عامه و مهدی موعود » تاریخ فوتش را ۶۱۶ نگاشته است.

۳۶ - حکیم ادیب ، عامر بن بصری نزیل سواين روم ( ۶۹۶ ) در « تائیه » خود که - به نقل « معجم المؤلفین » ۵۴/۵ - بنام « ذات الانوار » با مقدمه عبدالقادر مغربی و به اعانت ماسینیون به چاپ رسیده ، و علامه نوری در صفحه ۵۵ « کشف الاستار » این بخش از اشعار او را ذکر نموده است.

۳۷ - مورخ نامی ، حمدالله بن ابی بکر مستوفی قزوینی ( ۷۳۰ ) در « تاریخ گزیده فارسی » ص ۲۰۶ - ۲۰۷ چاپ ۱۳۳۹ تهران.

۳۸ - شیخ الاسلام ابراهیم بن محمد بن مؤید جوینی حموی شافعی ( ۶۴۴ - ۷۳۲ ) در « فرائد السمطین » ج ۲ ص ۳۳۷ چاپ بیروت.

۳۹ - مورخ شهیر ، ابوالفداء ، عمادالدین اسماعیل بن علی ، حاکم حماة از بلاد سوریه ( ۷۳۲ ) در « المختصر فی اخبار البشر » ذیل سنه ۲۵۴ ج ۲ ص ۴۵.

۴۰ - کمال الدین عبدالرزاق بن احمد کاشانی صوفی ( ۷۳۰ یا ۷۳۵ ) در « تحفة الاخوان فی خصایص الفتیان » به نقل سعید نفیسی در « سر چشمه تصوف در ایران » ص ۲۱۶.

۴۱ - عارف شهیر علاءالدوله سمنانی ، احمد بن محمد شافعی ( ۶۵۹ - ۷۳۶ ) به نقل خواجه پارسا در « فصل الخطاب پیرامون ذکر ابدال و اقطاب » که مورد عقیده متصوفه اهل سنت است.

۴۲ - مورخ شهیر ، شمس الدین محمد ذهبی ( ۶۷۳ - ۷۴۸ ) که اصلش ترکمانی و در دمشق اقامت گزیده ، در تاریخ « دول الاسلام » ج ۱ ص ۱۵۸ ذیل سنه ۳۶۰؛ نیز در « العبر فی خبر من غیر » ج ۲ ص ۲۰ ذیل حوادث سنه ۳۶۰.

۴۳ - ابنوردی ، زین الدین عمر بن مظفر بن ابی الفوارس ( ۶۹۱ - ۷۴۹ ) در « تتمه المختصر » معروف به تاریخ ابنوردی ، چاپ مصر ج ۱ ص ۳۱۸ ذیل حوادث سنه ۲۵۴ پیرامون وفات امام هادی ( ع ).

۴۴ - شیخ شمس الدین محمد بن یوسف زرنندی حنفی انصاری ( ۶۹۳ - ۷۴۷ یا ۷۴۸ یا ۷۵۰ ) در « معراج الوصول الی معرفة فضیلة آل الرسول » که عکس نسخه خطی آن از کتابخانه ناصریه لکهنو در مکتبه اینجانب موجود است.

۴۵ - صلاح الدین صفدی خلیل بن ابیک ( ۷۶۴ ) مؤلف « الوافی بالوفیات » و « شرح لامیة العجم » و « شرح الدائرة » به نقل « ینابیع المودة » باب ۸۶.

۴۶ - حافظ محدث ، عبدالله بن محمد مطیری مدنی شافعی نقشبندی ( ۷۶۵ ) در « الرياض الزاهرة فی فضل آل بیت النبی و عترته الطاهره » به نقل « کشف الاستار » علامه نوری ، ص ۹۳ و ۲۱۵ - ۲۱۶ چاپ قدیم.

۴۷ - مورخ شهیر ، عبدالله بن علی یافعی یمنی شافعی ( ۷۰۰-۷۶۸ ) در « مرآة الجنان » ج ۲ ص ۱۷۳ ذیل حوادث سنه ۳۶۰.

- ۴۸ - سيد على بن شهاب بن محمد همدانى مقيم هند ( ۷۱۴ - ۷۸۶ ) در « مودة القربى » و « اهل العباء » که نسخه عکسى آن از کتابخانه ناصريه هند نزد اينجانب موجود است ، و متن کامل آن ضمن باب ۵۶ « ینابيع المودة » ص ۲۸۸ - ۳۱۷ چاپ نجف مندرج است.
- ۴۹ - ابووليد ، محب الدين ، محمد بن شحنة حلبى حنفى ( ۷۴۹ - ۸۱۵ ) در « روضة المناظر فى اخبار الاوائل و الاواخر » - که مختصر « تاريخ ابوالفداء » است و در حاشيه « مروج الذهب » به سال ۱۳۰۳ در مصر به چاپ رسیده است - ج ۱ ص ۲۹۴.
- ۵۰ - عارف شهير و مورخ نامى ، محمد بن محمد بن محمود بخارى معروف به خواجه پارسا حنفى نقشبندى ( ۸۲۲ ) در « فصل الخطاب » که نسخه اش در کتابخانه مجلس و فتوکپى آن نزد اينجانب موجود مى باشد؛ و گویا در هند به چاپ رسیده است؛ و بخش ويژه ائمه اثنا عشر آن مندرج در باب ۶۵ « ینابيع المودة » مى باشد.
- ۵۱ - مورخ شهير ، احمد بن جلال الدين محمد فصیح خوافى ( ۷۷۷ - ۸۴۵ ) در « مجمل فصیحى » چاپ مشهد سنه ۱۳۴۱ ، ج ۱ ص ۲۳۱ ، ضمن رویدادهای ۲۵۵.
- ۵۲ - شهاب الدين بن شمس الدين بن عمر هندى ، معروف به ملك العلماء زاولى دولت آبادى ( ۸۴۹ ) در « هداية السعداء فى مناقب السادات » به نقل « كشف الاستار » علامه نورى ص ۷۲ و « البرهان » علامه سيد محسن عاملى شامى چاپ دمشق.
- ۵۳ - خواجه افضل الدين بن صدرالدين ترکه خجندى اصفهانى ( ۸۵۰ ) در « تنقيح الادلة و العلل » ترجمه « مللو نحل » شهرستانى ، ص ۱۸ و ۱۸۳ و ۱۸۷.
- ۵۴ - ابن صباغ ، نورالدين ، على بن محمد مالکى ( ۷۳۴-۸۵۵ ) در « الفصول المهمة فى معرفة الائمة » ضمن فصل ويژه حضرت مهدى ( ع ) ، ص ۲۷۴ چاپ غرى.
- ۵۵ - شيخ عبدالرحمن بسطامى ( ۸۵۸ ) در « درة المعارف » به نقل « ینابيع المودة » باب ۸۴.
- ۵۶ - ابوالمعالى ، سراج الدين ، محمد بن عبدالله حسینی رفاعى مخزومى بغدادى ( ۷۹۳ - ۸۸۵ ) در « صحاح الاخبار فى نسب السادة الفاطمية الاخبار » ص ۱۴۳ ، چاپ ۱۳۰۶ مصر.

۵۷ - نورالدین ، عبدالرحمن بن احمد بن قوام الدین دشتی جامی حنفی شاعر ( ۱۸۹۸ ) صاحب « شرح کافیه » در « شواهد النبوة » که در لکهنو و بمبئی در ۴۴ صفحه بچاپ رسیده است و فتوکپی نسخه خطی مجلس شورای اسلامی نزد اینجانب موجود است.

۵۸ - محمد بن داود نسیمی منزلاوی صوفی ( ۹۰۱ ) به نقل قندوزی در « ینابیع المودة » باب ۸۶ ص ۵۶۶ چاپ نجف.

۵۹ - مورخ نامی ، میرخواند ، محمد بن خاوند شاه ( ۹۰۲ ) در « روضة الصفا » ج ۳ ص ۵۹ - ۶۲ فصل ویژه حضرت مهدی ( ع ) ، که در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود می باشد.

۶۰ - قاضی فضل بن روزبهان خنجی شیرازی ( درگذشته بعد ۹۰۹ ) که از سرسخت ترین مخالفان شیعه بوده ، در قصیده خود که شامل سلام بر يك انوار مقدسه چهارده معصوم است و در مسأله پنجم از بخش سوم « ابطال الباطل » آنرا ذکر نموده ، و نگارنده عین آن را در مقدمه « الامام المهدي عند اهل السنة » بخش مخطوطات آورده است.

۶۱ - ملاحسین بن علی کاشفی بیهقی سبزواری هروی ( ۹۱۰ ) در « روضة الشهداء » فصل هشتم چاپهای دهلی و غیره.

۶۲ - قاضی حسین بن معین الدین میبیدی یزدی حکیم ( ۹۱۱ ) - از شاگردان ملا جلال الدین دوانی - در شرح دیوان منسوب به امیرمؤمنان علی ( ع ) ص ۱۲۳ و ص ۳۷۱ چاپ تهران.

۶۳ - فیلسوف شهیر جلال الدین محمد بن اسعد صدیقی دوانی شافعی ( ۹۰۷ یا ۹۱۸ یا ۹۲۸ ) در « نور الهدایة فی اثبات الولاية » که بار اول ضمیمه « خصایص » ابن بطریق بسال ۱۲۱۱ قمری ، و بعداً به سال ۱۳۷۵ در تهران بچاپ رسیده است.

۶۴ - ابوالحسن ، علی بن محمد شاذلی ( ۸۵۷-۹۳۹ ) بنا به نقل شعرانی در « البیواقیت و الجواهر » باب ۵۶.

۶۵ - مورخ نامی ، خواند میر ( ۹۴۲ ) ، سبط میرخواند مؤلف « روضة الصفا » در تاریخ « حبیب السیر » ج ۲ ص ۱۰۰ - ۱۱۳.



۶۶ - شمس الدين محمد بن طولون دمشقى حنفى ( ۹۵۳ ) در « الأئمة إثنى عشر » ص ۱۱۷

چاپ دارالصادر بيروت.

۶۷ - شيخ حسن عراقى ( بعد ۹۵۸ ) مدفون بالاى كوم الریش در مصر ، به نقل شعرانى در « اليواقيت و الجواهر » مبحث ۶۰ و در « لواقح الانوار » چاپ ۱۳۷۴ مصر ج ۲ ص ۱۳۹ ، ملاقات و اجتماع او را با حضرت مهدى ( ع ) ذكر نموده است.

۶۸ - شيخ على خواص ، استاد عارف شهير شيخ عبدالوهاب شعرانى ( بعد ۹۵۸ ) به نقل

شاگردش « لواقح الانوار » ج ۲ ص ۱۵۰ و « اليواقيت و الجواهر » مبحث ۶۵.

۶۹ - تقى الدين ابن ابى منصور ( تاريخ فوت او بدست نيامد ) شعرانى در « اليواقيت و الجواهر »

آغاز باب ۶۵ از كتاب « عقیده » او نقل کرده است.

۷۰ - مورخ شهير ، قاضى حسين بن محمد ديار بكرى ( ۹۶۶ ) در « تاريخ الخميس » ج ۲ ص ۳۴۳

پيرامون حوادث ۲۶۰ و رويداهاى ايام معتمد عباسى.

۷۱ - عارف شهير ، شيخ عبدالوهاب بن احمد شعرانى شافعى ( ۸۹۸ - ۹۷۳ ) در « اليواقيت و

الجواهر » مبحث ۶۵.

۷۲ - شهاب الدين ، شيخ الاسلام ، احمد بن حجر هيتمى شافعى ( ۹۰۹ - ۹۷۴ ) در « صواعق

المحرقة » ص ۱۰۰ و ۱۲۴ چاپ ۱۳۱۳ هجرى مصر ،

۷۳ - سيد جمال الدين ، عطاء الله بن سيد غياث الدين فضل الله شيرازى نيشابورى ( ۱۰۰۰ ) در

« روضة الاحباب » فارسى ، چاپ ۱۳۹۷ لکهنو و ۱۳۱۰ هند ، در فصل ويژه حضرت مهدى ( ع ).

۷۴ - محدث شهير ، ملاعلى بن سلطان هروى قارى ( ۱۰۱۴ ) در « المرفاة فى شرح المشكاة »

که بخش ويژه حضرت مهدى ( ع ) از آن در جلد دوم « الامام المهدى عند اهل السنة » به چاپ رسیده است.

۷۵ - مورخ شهير و فاضل ، ابى العباس ، احمد بن يوسف بن احمد دمشقى قرمانى

( ۹۳۹ - ۱۰۱۹ ) در تاريخ « اخبار الدول و آثار الاول » ص ۱۱۷ ، ضمن باب ويژه خلفاء و ائمه.

۷۶ - امام ربانی ، احمد بن عبدالاحد فاروقی سرهندی نقشبندی حنفی ( ۹۷۱ - ۱۰۳۱ ) ، که از بزرگان صوفیه هند بوده ، و از وی به مجدد هزاره دوم تعبیر کرده اند ، در « مکتوبات » ج ۳ مکتوب آخر.

۷۷ - عارف شهیر ، عبدالرحمن چشتی بن عبدالرسول بن قاسم بن عباسی علوی صوفی ( بعد ۱۰۴۵ ) در « مرآة الاسرار » ، فارسی ، شامل شرح حال مشایخ صوفیه ( که نسخه آن در کتابخانه آصفیه لکهنو به شماره ۱۶۷ و کتاب ۱۳۰۹ موجود است ، و نسخه دیگری از آن در کتابخانه مجلس تهران موجود می باشد ) و شاه ولی الله دهلوی نیز در کتاب « الانتباه فی سلاسل اولیاء الله و اساتید و ارثی رسول الله » از آن نقل کرده است.

۷۸ - عارف شهیر ، بدیع الزمان قطب مدار ، کسی که عبد الرحمن صوفی کتاب « مرآة الاسرار » را به خاطر او نوشت و او معاصر وی بود ، و از اعلام نیمه اول سده یازدهم به شمار می رود؛ و به نقل « کشف الاستار » علامه نوری ، ص ۵۱ تحت شماره ۲۷ ، عبدالرحمن داستان دیدار او را با آن حضرت در کتاب نامبرده آورده است.

۷۹ - ابوالمجد ، عبدالحق بن سیف الدین دهلوی بخاری حنفی ( ۹۵۹ - ۱۰۵۲ ) در رساله ویژه مناقب ائمه و احوال آنها به نقل « کشف الاستار » تحت شماره ۱۲.

۸۰ - مورخ شهیر ، عبدالحی بن احمد ، معروف به ابن عماد دمشقی حنبلی ( ۱۰۳۲ - ۱۰۸۹ ) در « شذرات الذهب » ضمن حوادث ۲۶۰ هجری ، ص ۱۴۲ ، چاپ ۱۳۵۰.

۸۱ - شیخ محمود بن محمد شیخانی قادری ( بعد ۱۰۹۴ ) در « الصراط السوی فی مناقب آل النبى ( ص ) » .

۸۲ - عبدالملك بن حسین بن عبدالملك بن عصامی مکی ( ۱۰۴۹ - ۱۱۱۱ ) در کتاب « سمط النجوم العوالی » ج ۴ ص ۱۳۷ - پیرامون نام حضرت امام حسن عسکری ( ع ) - و ص ۱۳۸.

۸۳ - میرزا محمد خان بن رستم بدخشی ( ۱۱۲۲ ) در « مفتاح النجا فی مناقب آل العبا » ص ۱۸۱ ، مخطوط کتابخانه آیت الله مرعشی قمی. [ ملحقات احقاق الحق ۹۵/۱۳ ]

۸۴ - سید عباس بن علی مکی ( بعد ۱۱۴۸ ) در « نزهة الجلیس » ج ۲ ص ۱۲۸ ، چاپ قاهره.

۸۵ - شیخ عبداللّه بن محمد شبراوی شافعی مصری ( ۱۱۷۲ ) ، شیخ جامع ازهر ، در « الاتحاف بحب الاشراف » ص ۶۸ - ۶۹ ، چاپ قاهره.

۸۶ - احمد بن علی بن عمر ، شهاب الدین ، ابوالنجاح منینی حنفی دمشقی ( ۱۰۸۹ - ۱۱۷۳ )  
در کتاب « فتح المنان » در شرح منظومه « الفوز و الامان » شیخ بهائی ، ص ۳ ، چاپ قاهره؛  
متن این کتاب در « الامام المهدي عند اهل السنة » عیناً به چاپ رسیده است.

۸۷ - شاه ولی اللّه ، احمد بن عبدالرحیم فاروقی دهلوی حنفی ( ۱۱۱۰ - ۱۱۷۶ ) در  
« المسلسلات » معروف به « الفضل المبين » قضیه ملاقات بلاذری با آن حضرت را آورده ، و با سکوت  
موجب رضا از اظهار نظر خودداری کرده است.

نیز ( به نقل « کشف الاستار » شماره ۲۶ ) در « الانتباه فی سلاسل اولیاء اللّه » در این زمینه  
شرح مفصّلی از جامی آورده است.

۸۸ - شیخ سراج الدین ، عثمان دده عثمانی ( ۱۲۰۰ ) در « تاریخ الاسلام و الرجال » ص ۳۷۰ ،  
نسخه مخطوط کتابخانه آیت اللّه مرعشی. ] ملحقات احقاق الحق ۹۲/۱۳ [

۸۹ - شیخ محمد بن علی صیان مصری شافعی ( ۱۲۰۶ ) در « اسعاف الراغبین فی سیرة  
المصطفى وفضائل اهل بيته الطاهرين »<sup>(۱)</sup> ذکر نموده است.

۹۰ - مولوی علی اکبر بن اسداللّه مودودی ( ۱۲۱۰ ) از مشاهیر علمای هند و متعصبین سر  
سخت علیه شیعه در « مکاشفات » - که حواشی بر « نجات الانس » جامی است - ( ج ۷ ، ص ۲۲۷ )  
پیرامون شرح حال علی بن سهل اصفهانی و بحث از عصمت انبیاء و امام مهدی موعود.

۹۱ - مولوی محمد مبین هندی لکهنوی ( ۱۲۲۰ ) در « وسیلة النجاة » چاپ گلشن فیض ، ص

۳۱۶.

۹۲ - شیخ عبدالعزیز بن شاه ولی اللّه دهلوی ( ۱۱۵۹ - ۱۲۳۹ ) ، مؤلف « تحفة اثناعشرية » بنا  
به نقل « استقصاء الافهام » ص ۱۱۹ در « النزهة » روایت ابن عقله ، مربوط به ملاقات بلاذری را از  
« فضل المبين » پدر خود نقل کرده ، و این خود گواه بر عقیده او به حیات حضرت مهدی ( ع ) می باشد.

۹۳ - خالد بن احمد بن حسين ، ابوالبهاء ، ضياءالدين نقشبندى شهرزورى ( ۱۱۹۰ - ۱۲۴۲ ) از بزرگان صوفيه ، در « ديوان فارسى » خود به نقل « مجمع الفصحاء » رضا قلى هدايت ، ج ۲ ، ص ۱۱ ، چاپ ۱۳۲۹.

۹۴ - رشيدالدين دهلوى هندى ( ۱۲۴۲ ) در « ايضاح لطافة المقال » بنقل « الامام الثانى عشر » علامه عبقانى ، ص ۴۷ ، چاپ نجف.

۹۵ - نسب شناس شهير ، ابوالفوز ، محمد امين سويدى بغدادى ( ۱۲۴۶ ) در « سبائك الذهب فى معرفة قبائل العرب » ص ۸۷ در خط عسكرى ذكر نموده است.

۹۶ - قاضى جواد بن ابراهيم بن محمد ساباط هجرى بصرى حنفى ( ۱۲۵۰۱۱۸۸ ) ، كه نخست مسيحي بود و از آن پس گرايش به اسلام پيدا كرد ، در « البراهين الساباطيه فيما يستقيم به دعائم الملة المحمدية » چاپ عراق ، به نقل « كشف الاستار ».

۹۷ - شيخ عبدالكريم يمانى ( قبل ۱۲۹۱ ) ضمن اشعاريكه پيرامون حضرت مهدى ( ع ) سروده و در « ينابيع المودة » عيناً آنها را آورده است.

۹۸ - محدث عاليقدر ، سليمان بن ابراهيم قندوزى حنفى معروف به خواجه كلان ( ۱۲۳۰ - ۱۲۹۴ ) در « ينابيع المودة » آخر باب ۵۶ و آخر باب ۷۹ ، كه بارها در تركيه ، هند ، عراق ، ايران ، و در هفتمين بار به سال ۱۳۸۴ در نجف به چاپ رسيده است.

۹۹ - شيخ حسن عدوى حمزاوى شافعى مصرى ( ۱۳۰۳ ) در « مشارق الانوار فى فوز اهل الاعتبار » ص ۱۵۳ ، چاپ مصر.

۱۰۰ - عبدالهادى بن رضوان بن محمد بن الابيارى ( ۱۳۰۵ ) در « جالية الكدر » - شرح منظومه سيزوارى - ص ۲۰۷ چاپ مصر.

۱۰۱ - مؤلف « تشييد المبانى » ( ۱۳۰۶ ) به نقل علامه محقق ميرحامد حسين نيشابورى هندى در « استقصاء الافهام » ص ۱۰۳ ، چاپ لكهنو.

۱۰۲ - سید مؤمن بن حسن بن مؤمن شبلنجی مصری ( ۱۲۵۲ - بعد ۱۳۰۸ ) در فصل ویژه حضرت مهدی ( ع ) در « نور الابصار » ص ۱۵۰ ، چاپ ۱۳۲۲ مصر.

۱۰۳ - عبدالرحمن بن محمد بن باعلوی حصرمی ( ۱۳۲۰ ) ، مفتی حصرم یمن ، در « بغیة المسترشدين » ص ۲۹۶ ، چاپ مصر ، به نقل از جلال الدین سیوطی.

۱۰۴ - محمود بن وهیب قراغولی بغدادی حنفی در کتاب « جوهرة الکلام » مطبوع ، ص ۱۵۷ ، در فصلی که تحت عنوان « المجلس الثلاثون فی فضائل محمد المهدی رضی اللہ عنه » ویژه حضرت مهدی ( ع ) گشوده ، به ولادت و غیبت آن بزرگوار اعتراف کرده است.

۱۰۵ - عماد الدین حنفی ، به نقل علامه نوری از بعضی اصحاب خود در « کشف الأستار » ص ۶۰ ، اعتراف به ولادت حضرت مهدی ( ع ) نموده ، ولی علامه نوری از نصّ کلام او اظهار بی اطلاعی کرده است.

۱۰۶ - فاضل محقق قاضی بهلول بهجت افندی قندوزی زنگنه زوری ( ۱۲۵۰ ) در « محاکمه در تاریخ آل محمد [ ص ] » که از ترکی آذربایجانی به فارسی ترجمه ، و بالغ بر ده مرتبه در ایران به چاپ رسیده ، و نمایشگر عالی ترین و محققانه ترین بحث در باره امامت است.

۱۰۷ - شیخ عبیدالله امرتسری حنفی ، معاصر ، در کتاب « ارجح المطالب فی عدّ مناقب اسدالله الغالب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب [ ع ] » که به زبان اردو نگارش و در لاهور به چاپ رسیده است ، ص ۳۷۷.

۱۰۸ - سید عبدالرزاق بن شاکر بدری شافعی ، معاصر ، در کتاب خود « سیرة الامام العاشر علی الهادی [ ع ] » ص ۱۲۱.

۱۰۹ - محمد شفیق غربال ( ۱۳۱۱ - ۱۳۸۱ ) ، مورخ شهیر و عضو مجمع لغوی در قاهره ، در « دائرة المعارف » که به قلم گروهی از متخصصین در ۲۰۰۰ صفحه نگارش یافته ، و به سال ۱۹۶۵ در قاهره به چاپ رسیده ، زیرعنوان « الأئمة الإثنی عشریة » نوشته است که حضرت مهدی ( ع ) در سنه ۸۷۳ میلادی ( که همزمان با ۲۶۰ هجری ، آغاز غیبت صغری می باشد ) غایب گردیده.

۱۱۰ - خیرالدین بن محمود بن محمد زرکلی دمشقی ( ۱۳۱۰ - ۱۳۹۶ ) در « الأعلام » ج ۶ ص ۸۰ چاپ سوم ، ضمن فصلی که به نام « محمد بن الحسن العسکری » باز نموده ، اعتراف به ولادت آن حضرت کرده است.

۱۱۱ - یونس احمد سامرائی در کتاب « سامراء فی ادب القرن الثالث الهجری » که با همکاری دانشگاه بغداد به سال ۱۹۶۸ میلادی به چاپ رسیده ، در ص ۴۶ پیرامون واژه « عسکری » می گوید:  
« گروهی از شخصیت ها حامل نسبت این کلمه اند ، از جمله ابوالحسن علی بن محمد الجواد العسکری و فرزندش حسن بن علی و ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری ، و او مهدی منتظر است. »

و در پاورقی همین صفحه تصریح به قبّه و سرداب غیبت نموده و می گوید:

« همانجاست که پندارند مهدی منتظر در آن غیبت نموده. »

آنگاه می نویسد:

« این سرداب را کثیری از مسلمین در دوره سال زیارت می کنند. »

بدین ترتیب گرچه نامبرده تصریح به تاریخ ولادت آن حضرت نکرده است لکن همانرا که دیگران درباره حضرت مهدی( ع ) نوشته اند صریحاً و بدون هیچگونه تردیدی نوشته و ولادت آن حضرت را امر مسلمی دانسته است.

۱۱۲ - مستشار عبدالحلیم جندی مصری ، معاصر ، در کتاب « الامام جعفر الصادق » ص ۲۳۸ چاپ مجلس اعلای شؤون اسلامی مصر ، ۱۳۹۷.

آری ، این شخصیت های بزرگ از اهل تسنن بر ولادت حضرت مهدی( ع ) تصریح کرده اند؛ و از اینجا می توان گفت که مسأله تولد امام مهدی( ع ) از مسلمات گروه عظیمی از علماء اهل تسنن می باشد؛ و کسانی که فائل به تولد او نیستند و می گویند در آینده متولد خواهد شد در اقلیت می باشند.

## اعتراف صریح یا ضمنی بیش از یکصد و بیست نفر از علمای سنی به فرزند امام حسن عسکری بودن حضرت مهدی و نوازم آن

همچنانکه در بحث و بررسی پیرامون حسینی بودن حضرت مهدی منتظر خاطرنشان گردید که از طرف محمد بن عبدالله معروف به نفس زکیه ( اولین مدعی دروغین مهدویت در اسلام ) یا از طرف محمد بن عبدالله منصور دوانیقی ( خلیفه عباسی و دومین مدعی دروغین مهدویت ) فراز « **واسم ابیه اسم ابی** » به حدیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) که فرمود: « **المهدی اسمه اسممه** » اضافه شد و تنها در سنن ابی داود و سنن ابن ماجه مندرج گردید ، تا مهدی موعود « محمد بن عبدالله » تلقی شود و مهدویت کسی که خود هم نام با پیامبر است و پدرش همانم با پدر پیامبر ، جا اندازی و قابل قبول گردد و مهدویت « محمد بن الحسن العسکری » از اعقاب و فرزندان حسین بن علی به دست فراموشی سپرده شود.

این موضوع در عین حالی که طبق نظر علمای حدیث شناس سنی ساخته گی بودن آن ثابت و مسلم و شرحش به نظر رسید ، تا هم اکنون بین بعض نویسندگان سنی و بخصوص سنی های وهابی مطرح است که می گویند: « مهدی ، محمد بن عبدالله است »!

اکنون با توجه به تعداد یکصد و دوازده نفر از علما و مورخین نامبرده سنی که هر یک اعتراف کتبی به ولادت حضرت مهدی در سنه ۲۵۵ هجری نموده و همه آنها آن حضرت را بدون شك و تردید بلکه بطور مسلم و قاطعانه فرزند امام حسن عسکری(علیه السلام) ( امام یازدهم شیعه ) معرفی و اعلام کرده اند.

و اضافه بر این عده تعداد چهارده نفر دیگر از اعلام تاریخی سنی در کتاب ارزشمند و پرمایه « دفاع عن الکافی » تألیف آقای سید ثامر هاشم حبیب عمیدی ، معرفی شده اند که مجموعا ۱۲۶ نفر اعتراف به ولادت آن حضرت نموده اند ، دیگر جای هیچ گونه حرف و نقلی برای مهدی فرزند امام حسن عسکری بودن ، و ساختگی بودن فراز « **واسم ابیه اسم ابی** » بر جای نمانده که متأسفانه بعد از این همه بحث و گفتگو و نقلیات حدیثی و اعترافی پیرامون فرزند امام عسکری بودن مهدی منتظر ، يك سنی متجدد مآب و غرب زده با انکار صاحب فرزند بودن امام حسن عسکری ، مشتمت خیانت خود راباز کند و آبروی خود را به باد دهد.

آری دکتر عبدالله غفاری در نوشته های گزارشی خود به عنوان « پروتوکلات آیات قم » - ص ۱۱

چاپ ۱۴۱۱ هجری ، ۱۹۹۱ م ، - وانمود کرده که تاریخ می گوید امام حسن عسکری درگذشت و

فرزندی برجای نگذارد و امام مهدی منتظر متولد نشده!

- توضیحا متن اصلی اربعین حافظ ابونعیم بنظر نرسیده ، ولی سیوطی ( متوفی ۹۱۱ هـ ) آن را با احادیث فراوان دیگری دسته بندی و تنظیم و به « العرف الوردی فی اخبار المهدی » نامگذاری و به ضمیمه دهها رساله دیگر مجموعه « الحاوی للفتاوی » را ارائه داده که بسال ۱۳۷۸ هـ ۱۹۵۹ م در مصر چاپ و منتشر گردیده ، و از علمای شیعه اربلی در « کشف الغمه » ، بحرانی در « غایة المرام » و علامه مجلسی دوم در « بحارالانوار » ( ج ۱ ص ۷۸ - ۸۵ ) و عاملی در « اعیان الشیعة » ( جزء ۴ بخش ۳ ) و بلاغی در « حجت بالغه » و مؤلفین « نامه دانشوران » در ج ۲ این کتاب آن را درج نموده اند .

- این روایت را در مناقب نیافتم ولی در مقتل ج ۱ ص ۱۴۶ ذکر شده.

- این کتاب تألیف ابن ضعیف ، شامل ۵۶ متن حدیثی ، تاریخی ، کلامی و ادبی اختصاصی یا ضمنی اهل تسنن است درباره حضرت مهدی ( عج ) ، که برای دومین بار بسال ۱۴۰۲ در دو جلد بزرگ در بیروت چاپ و منتشر شده است.

- جهت آگاهی بر مصادر شرح حال او و نسخه کتابش مراجعه شود به « الذریعه » ۲۳۲/۲۳ ، و « معجم المؤلفین » ۲۰/۶.

- نسخه مخطوط « الدر المنظم » در کتابخانه حسین باشا در آستانه ترکیه بشماره ۳۴۶ موجود است. [ الغدیر ۴۱۴/۵ ]

- این کتاب کراراً در حاشیه « نورالابصار » شبلنجی ، ویکبارهم در حاشیه « مشارق الانوار » حمزوی در مصر به چاپ رسیده است.

**تعداد ۱۵۲ اثر تألیفی ( کتاب ، رساله ، مقاله ) علما و دانشمندان اهل تسنن درباره**

**حضرت مهدی ( عج )**

۱ - « إبراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون ، فی أحادیث الواردة فی المهدی » یا

« المرشد المبدی لفساد طعن ابن خلدون فی أحادیث المهدی ».

أحمد بن محمد بن صدیق شافعی مغربی ( درگذشته ۱۳۴۸ ) .

چاپ دمشق و عیناً مندرج در « الامام المهدی عند أهل السنة » ۲۳۲/۳.

۲ - « إبراز الوهم من کلام ابن حزم ».

أحمد بن صدیق بخاری حصرمی ( ۱۲۸۰ ) .

چاپ ۱۳۴۷ مطبعه ترقی دمشق ، در ردّ بر ابن حزم اندلسی ( متوفای ۴۵۶ ) که در کتاب

« الفصل بین الاهواء و النحل » از موضوع مهدویت تخطئه و انتقاد نموده و احادیث مهدی منتظر را

تضعیف و بی اعتبار وانمود کرده است.

۳ - « انحاف الجماعة بما جاء فی الفتن و الملاحم و اشراط الساعة »



شیخ محمود بن عبداللہ تویجری.

ج اول چاپ اول ۱۳۹۴ چاپخانه الرياض عربستان سعودی.

#### ۴ - « اتحاف الجماعة . . . ».

ج ۲ چاپ ۱۳۹۶ ریاض عربستان سعودی.

[ دلیل مؤلفات الحدیث الشریف ۱/۴۸۳ ]

#### ۵ - « أحادیث أشراف الساعة الصغرى ».

صالح محمد دخیل اللہ ( معاصر ).

چاپ ۱۴۱۱ دانشگاه اسلامی مدینه در ۶۳۷ صفحه وزیری که بعنوان تز دکترای مؤلف زیر نظر

استاد ربیع بن هادی بن عمیر مدخلی تنظیم نموده.

[ دلیل مؤلفات الحدیث الشریف ۱/۴۸۳ ]

#### ۶ - « أحادیث القاضیه بخروج المهدي ».

محمد بن اسماعیل امیرمانی.

[ الاذاعة ابن صدیق قنوجی بخاری ص ۱۱۴ ]

#### ۷ - « أحادیث المهدي من مسند أحمد بن حنبل ( ۲۴۱ ) ».

استخراج و تنظیم سید محمد جواد حسینی جلالی ( معاصر ).

شامل مقدمه طولانی و ۱۳۶ حدیث از « مسند أحمد حنبل » به ترتیب موضوعی. و چاپ پنجم آن

بسال ۱۴۰۹ هـ وسیله مؤسسه نشر اسلامی قم ( جامعه مدرسین ) در ۷۸ صفحه وزیری به ضمیمه

کتاب « البیان » گنجی شافعی در ۱۷۰ صفحه انجام شده.

## ۸ - « الأحاديث الواردة بشأن الدجال في مسند أحمد والصحيحين و السنن الأربع

جمعاً و تخريجاً و دراسة لما لم يبيّن في الصحيح .»

أحمد بن عيسى بن هادي عسر.

این کتاب رساله فوق لیسانس مؤلف باشد که بسال ۱۴۰۱ زیر نظر استادش سید محمد حکیم در دانشکده الدراسات العليا دانشگاه مدینه منوره در ۳۱۷ ورقه تنظیم گردیده.

[ دليل مؤلفات الحديث الشريف ۴۸۴/۱ ]

توضیحاً کتاب بعنوان دجال تألیف شده ولی چون موضوع آن مربوط به عصر ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) و کشته شدنش بدست عمال آن حضرت است در اینجا بذكر آن پرداختیم.

## ۹ - « الأحاديث الواردة في المهدي ، في الميزان الجرح و التعديل .»

عبدالعظيم بن عبدالعظيم هندی ( معاصر ).

بنوشته شیخ عبدالمحسن عباد ، این کتاب بعنوان تز دکترا در سال ۱۳۹۸ زیر نظر استادش ، دکتر محمد ابوشهبه ، درباره حضرت مهدی تألیف ، و نسخه خطی آن در بیش از ۶۰۰ صفحه در کتابخانه دانشکده شریعت در دانشگاه ملک عبدالعزیز مکه موجود میباشد.

نیز گوید: این کتاب بهترین و گسترده ترین کتاب مرجع پیرامون احادیث حضرت مهدی(علیه السلام) است ، که مؤلف بیش از چهار سال در تنظیم آن عمر سپری کرده و احادیث مربوطه را بررسی و صحت و اعتبار و تواتر آنها را اثبات نموده.

[ مجلة جامعة الاسلامية سال ۱۲ شماره ۴۵ ص ۳۲۳ و مقاله او عیناً مندرج در « الامام المهدي

عند أهل السنة » ج ۲ ص ۴۶۵ میباشد. ]

## ۱۰ - « أحاديث و كلمات حول الامام المنتظر .»

سید عبدالله ( معاصر ).

چاپ ۱۴۰۹ هـ انتشارات الهدایة الاسلامیة دبی در ۱۶۸ صفحه رقعی.

[ کتابنامه حضرت مهدی ، شماره ۹۳ ]

## ۱۱ - « الاحتجاج بالأثر علی من أنکر المهدي المنتظر ».

شیخ حمود بن عبدالله حمود تویجری ( معاصر ).

چاپ اول ۱۴۰۳ در عربستان سعودی و چاپ دوم در ۴۳۴ صفحه وزیری وسیله کتابخانه دارالعلیان

الحدیثه ، برید ریاض.

این کتاب در ردّ بر « لا مهدی منتظر بعد الرسول سید البشر » تألیف رئیس دادگاه قطر ، شیخ

عبدالله بن زید بن محمود که در انکار مهدویت خلاصه ، و چاپ شده می باشد.

## ۱۲ - « أحوال صاحب الزمان » ( فارسی ).

محمد بن مؤید جوینی مشهور به سعدالدین حموی ( ۶۵۰ ) - پدر مؤلف « فرائد السمطین

فی . . . » -

وی خراسانی و نخست مقیم قاسیون دمشق بود و از آن پس به خراسان بازگشت و در خراسان

بدرود حیات گفت.

این کتاب بیانگر ۶۰ حدیث پیرامون سیره ، غیبت و ظهور حضرت بقیة الله ( عج ) میباشد ، و در

« مرآة الاسرار » جامی بعنوان « رسالة فی المهدي المنتظر » ذکر شده.

[ الانسان الكامل عزیرالدین نسفی ، شاگرد مؤلف ، چاپ تهران ۳۲۰-۳۲۱; کتابنامه حضرت مهدی

شماره ۶۶ ]

## ۱۳ - « أحوال مهدی آخر الزمان » ( فارسی ).

علی بن حسام الدین معروف به متقی هندی ( ۹۷۵ ).

شامل ۶۰ حدیث پیرامون ظهور و علائم ظهور همراه با ترجمه فارسی. نسخه خطی آن در چهار فصل تنظیم و در نعت و نسب و کرامات و نشانه های ظهور و اوضاع جهان در عصر ظهور خلاصه شده. دو نسخه خطی آن در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم ضمن مجموعه های شماره ۵۲۴ و ۹۲۱۵ موجود است و نسخه ای هم در کتابخانه گنج بخش پاکستان ضمن مجموعه ۸۱۲.

#### ۱۴ - « أخبار الدولة فی ظهور المهدي ».

أحمد بن ابراهیم بن جزار قیروانی (۴۰۰).

وی طبیب آفریقائی بود که دهها اثر تألیفی بجای گذارده و بسال ۴۰۰ در اندلس کشته شد.

[ هدية العارفين ۷۰/۱ ]

#### ۱۵ - « أخبار المهدي » یا « أخبار المهدي المنتظر ».

عباد بن یعقوب رواجنی أسدی.

از شیوخ بخاری و دیگر محدثین همردیف او ( أمثال ترمذی ، ابن ماجه ، ابوحاتم ، بزار ابن خزیمه ) بوده و ارباب رجال و حدیث شناسان همه وثاقت و صداقت او را مورد تأکید قرار داده اند ، اما بخاطر شدت محبتش به خاندان رسالت همواره هدف هجوم دشمنان اهل بیت قرار می گرفت.

ذهبی پس از نقل وثاقت او از حاکم نیشابوری و ابوحاتم ، نقل از ابن خزیمه نموده که گفت از رواجنی شنیدم که می گفت:

هرکس همه روزه در نماز خود از دشمنان آل محمد(صلی الله علیه وآله) بیزاری نجوید با آنها محشور خواهد شد.

[ میزان الاعتدال ۳۷۹/۲; سیر أعلام النبلاء ۵۳۷/۱۱ ]

سمعانی پس از تصریح باینکه رواجنی از مشایخ بخاری بوده از او انتقاد می کند که چرا از رسول اکرم روایت نموده که فرمود: « إذا رأیتم معاویة علی منبری فاقتلوه » یعنی وقتی معاویه را بر فراز منبر من دیدید او را بکشید.

و چرا از ابوبکر روایت نموده که به خالد بن ولید دستور داده بود امیرمؤمنان را بکشد سپس پشیمان شد و گفت: « لا تفعل ما امرتك » یعنی آنچه را به تو دستور دادم انجام نده. ( انساب سمعانی ۱۷۰/۶ )

بدین ترتیب با سنّی بودن رواجنی - همچنانکه بسیاری از بزرگان رجالیون ، امثال شیخ طوسی ( فهرست ص ۱۴۹ ) سروی ( معالم العلماء ص ۸۸ ) ابن داود ( رجال ص ۲۹۲ ) بدان تصریح کرده اند - وی نخستین عالم اهل تسنن بوده که درباره حضرت مهدی کتاب نوشته است.

جالب توجه آنکه رواجنی در سنه ۲۵۰ هجری در گذشته و قبل از ولادت حضرت مهدی(علیه السلام) - در سنه ۲۵۵ ه - کتاب « أخبار المهدی » را تنظیم و تألیف نموده.

جالب تر آنکه بنوشته ذهبی ( میزان الاعتدال ۳/۳۷۹ ) رواجنی شمشیری بالای سرش آویخته بود و چون از او سؤال شد: این شمشیر برای چیست؟

در پاسخ گفت: آنرا آماده کرده ام که با آن همراه حضرت مهدی ( با دشمنان ) مقاتله و کشتار نمایم.

توضیحاً شیخ طوسی از کتاب او « أخبار المهدی » تعبیر نموده ولی زرکلی ( الأعلام ۲/۲۵۸ ) « أخبار المهدی المنتظر » نوشته است.

#### ۱۶ - « أخبار المهدی ».

بدرالدین ، حسن بن محمد صالح نابلسی حنبلی ( ۷۲۲ ).

ابن حجر در « الدرر و الکامنه » ( ۲/۱۲۱ ) نویسد نسخه اینکتاب را بخط مؤلف مشاهده نموده و مؤلف در تألیف آن تلاش فراوان ارائه داده.

[ هدیة العارفین ۱/۷۷۳; أعلام زرکلی ۵/۱۷; مجله تراثنا شماره ۱ سال اول مقاله علامه سید عبد

العزیز طباطبائی ]

#### ۱۷ - « أخبار المهدیه ».

أبو بكر صنهاجى پاریسی (۱۹۲۸).

چاپ استان در ۵۲۸ صفحه.

[ در جستجوی قائم ص ۲۶ ]

#### ۱۸ - « الاذاعة لما كان و ما يكون بين يدي الساعة ».

سید محمد صدیق حسن قنوجی بخاری (۱۳۰۷).

چاپ مؤسسه سعودیه مصر ۱۳۷۹ ، و عیناً مندرج در « الامام المهدي عند أهل السنة » ص ۶۷ -

.۱۰۸

#### ۱۹ - « الأربعون حديثاً في المهدي ».

حافظ ابونعیم اصفهانی (۴۳۰).

مندرج در « عرف الوردی فی أخبار المهدي » سیوطی و در « كشف الغمة » اربلی ج ۳ و « بحار

الأنوار » علامه مجلسی ۸۵-۷۸/۵۱.

#### ۲۰ - « الأربعون حديثاً في المهدي ».

حافظ ابوالعلاء همدانی ، محمد بن عطار (۵۶۹).

[ ذخایر العقبی طبرانی ص ۱۳۶ ]

#### ۲۱ - « الأربعون حديثاً في المهدي ».

سراج الدین محدث بغدادی از اعلام قرن ششم هـ.

[ اهل البيت فی المكتبة العربية علامه طباطبائی شماره ۴۶ ص ۳۲ بنقل از « جامع الاسرار

عاملی از اعلام قرن ۸ » ]

#### ۲۲ - « إرتقاء الغرف ».

شمس الدين محمد بن عبدالرحمن سخاوی (۹۰۲).

[ المقاصد الحسنه مؤلف ص ۵۰۹ ، ذیل « المهدی » بشماره حدیث ۷ و ۱۲; كشف الخفاء  
عجلونی ۲/۲۸۸; مقاله شیخ عبدالمحسن عباد در ردّ قاضی قطر ، مندرج در « الامام المهدی عند أهل  
السنة » ۲/۴۶۳ به نقل از دو کتاب فوق ]

### ۲۳ - « ارشاد ذوی الافهام لنزول عیسی ».

مرعی بن یوسف کرمی مقدسی (۱۰۳۳).

نسخه خطی آن در پتینه هند موجود میباشد.

[ کتابنامه حضرت مهدی آقای مهدی پور ص ۷۸۷۷ ]

### ۲۴ - « الاشاعة لأشراط الساعة ».

تألیف محمد بن عبدالرسول حسینی برزنجی (۱۱۰۳).

چاپ ۱۳۷۰ قاهره ، مندرج در « الامام المهدی عند أهل السنة ».

### ۲۵ - « اشراط الساعة ».

أبومحمد ، عبدالغنی بن عبدالواحد مقدّسی جماعیلی حنفی (۶۰۰).

متولد جماعیل از توابع نابلس.

[ النجوم الزاهرة ۶/۱۸۵ ]

### ۲۶ - « اشراط الساعة ».

شیخ أحمد بن فقیه شافعی.

[ ایضاح المکنون ۱/۸۶ ]

## ۲۷ - « اشراط الساعة ».

شیخ یوسف بن عبدالله بن یوسف وابل.

چاپ سوم ۱۴۱۴ هـ ، از انتشارات ابن جوزی دمّام عربستان در ۴۸۴ صفحه وزیری.

## ۲۸ - « اشراط الساعة الصغرى و الكبرى ».

شیخ امین حاج محمد احمد معاصر و استاد دانشگاه ام القرى در مکه معظمه.

چاپ اول ۱۴۱۲ دار المطبوعات الحديثة جده عربستان در ۱۴۸ صفحه وزیری.

## ۲۹ - « اشراط الساعة و أسرارها ».

شیخ محمد سلامة جبر از علمای اهل سنت و مقيم كويت است.

چاپ اول بسال ۱۴۰۱ از طرف شرکت الشعاع كويت و برای دومین بار بسال ۱۴۱۳ دارالسلام ،

بيروت ، در ۱۴۳ صفحه وزیری.

این کتاب پیرامون علائم ظهور ، خروج دجال ، نزول حضرت عیسی ، خروج یاجوج و ماجوج ، طلوع

شمس از مغرب و دیگر نشانه های ظهور حضرت مهدی خلاصه شده.

## ۳۰ - « اشراط الساعة و خروج المهدي ».

علی بن محمد میلی جمالی تونسسی مالکی (۱۲۴۸).

نسخه خطی آن در دارالکتب المصریه موجود است و مؤلف هم مقيم مصر بوده.

[ هدية العارفين ص ۷۷۳; أعلام زرکلی ۱۷/۵ ]

## ۳۱ - « الاعلان بما اخبر به النبي من احوال هذا الزمان ».

محمد ترمتمی بن محمد بن صديق غمارى



چاپ ۱۳۵۰ مطبعه مهديه تالوان تركيه ۳۳ صفحه

[دليل ۴۸۵/۱ كتابنامه حضرت مهدي(عليه السلام) ص ۸۹ شماره ۱۶۸]

### ۳۲ - « إقامة البرهان على نزول عيسى في آخر الزمان ».

أبوالفضل ، عبدالله بن محمد بن صديق حسيني ادريسي غماري ( ۱۳۸۰ ).

چاپ عالم الكتب بيروت.

### ۳۳ - « إقامة البرهان على نزول عيسى في آخر الزمان » ( اردو ).

ترجمه كتاب غماري فوق ، كه مؤلف خود در صفحه اول مقدمه كتاب « المهدي المنتظر » بدان

تصريح نموده ، اما بدون ذكر نام مترجم.

### ۳۴ - « إقامة البرهان في الرد على من أنكر خروج المهدي و الدجال و نزول المسيح

في آخر الزمان ».

حمود بن عبدالله تويجري( معاصر ). ج ۱۴۰۵ مكتبة المعارف رياض ، .

### ۳۵ - « امارات الساعة ».

شاه رفيع الدين ، فرزند شاه ولي الله دهلوي.

اين مقاله ضمن مجله « المنصور » شماره ۱۹ ص ۴۱ ببعده بسال۱۴۱۲ در لاهور انتشار يافته.

[ كتابنامه حضرت مهدي ص ۹۵ ]

### ۳۶ - « امام منتظر » - ترجمه عقيدة اهل السنة والاثار شيخ عبدالمحسن عباد.

بقلم مولانا شيخ مسرور حسن

[كتابنامه حضرت مهدي(عليه السلام) ص ۱۰۵ شماره ۲۱۳]

**۳۷ - « البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان ».**

جلال الدین عبدالرحمن سیوطی ( ۹۱۱ ).

[ هدیة العارفين ج ۱ ص ۵۳۶ سطر ۲۰ ]

**۳۸ - « البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان ».**

علاءالدین علی بن حسام الدین مشهوره متقی هندی جنپوری ( ۹۷۵ )

چاپ ۱۳۹۸ هجری با تحقیق آقای علی اکبر غفاری ، نشر شرکت رضوان تهران و چاپ دوم بسال

۱۴۰۸ هجری ، ذات السلاسل کویت در دو جلد با تحقیق جاسم بن مهلهل یاسین

[دلیل ۴۸۶/۱]

**۳۹ - « بقية الله خير بعد الفناء فی السیر ».**

عبدالغنی بن اسماعیل حنفی نقشبندی نابلسی دمشقی ( ۱۱۴۳ ).

[ ایضاح المکنون ۱۹۱/۱ ]

**۴۰ - « البیانات » ( اردو ).**

ابوالاعلی مودودی ( ۱۴۰۰ ).

این کتاب در پنج جلد پاسخگوی پرسشهای اقطار مناطق اسلامی است و بخشی از آن ویژه پرسش از شئون حضرت مهدی میباشد و مجموعاً چاپ و در پاکستان انتشار یافته ، و پیرامون صحت احادیث مهدی تأکید نموده.

**۴۱ - « البیانات » ( ترجمه ترکی )**

ابوالاعلی مودودی ( ۱۴۰۰ ).

بخش حضرت مهدی آن در ایام در گذشت مودودی بقلم آقای علی اکبر مهدی پور بزبان ترکی  
استانبولی ترجمه ، چاپ و منتشر گردیده.

#### ۴۲ - « البیانات » ( ترجمه عربی )

ابوالأعلی مودودی ( ۱۴۰۰ ).

نیز بخش ویژه حضرت مهدی این کتاب وسیله محمد حدّاد عاصم به عربی ترجمه و بنام « علامات  
المهدی » در مجله « المنصور » شماره ۱۹ ص ۳۶-۴۸ در لاهور چاپ و منتشر شده.

[ کتابنامه حضرت مهدی ، آقای مهدی پور ص ۱۸۹-۱۹۰ و ص ۵۲۷ ]

#### ۴۳ - « البیان فی أخبار صاحب الزمان ».

ابوعبدالله محمد بن یوسف گنجی شافعی ( ۶۵۸ ).

چاپ نجف ضمیمه « کفایة الطالب » مؤلف و چاپ تبریز ضمیمه « غیبت شیخ طوسی » و نیز در  
بیروت ، اصفهان و قم چاپ شده.

#### ۴۴ - « بین یدی الساعة ».

دکتر عبدالباقی احمد محمد سلامة.

چاپ مکتبه المعارف ریاض در ۱۸۲ صفحه وزیری.

#### ۴۵ - « تحدیق النظر فی أخبار الامام المنتظر ».

محمد بن عبدالعزيز بن مانع نجدی حجازی ( ۱۳۵۸ ).

نسخه آن در دارالکتب مصر و نیز در دارالکتاب نجف موجود میباشد.

[ فهرست کتابهای جمع آوری شده در دار الکتب از سال ۱۹۳۶ تا ۱۹۵۵ م ۱/۱۲۷ و مقاله شیخ عبدالمحسن بن عباد در مجله دانشگاه مدینه ، عدد اول سال ۱۲ شماره ۴۵ ص ۳۱۰ و مندرج در « الامام المهدي عند أهل السنة » ۴۵۲/۲ ]

#### ۴۶ - « تحذیر الاخوان من ادعاء المهديّة آخر الزمان » ( عربی ).

شیخ عثمان بن فودی (۱۸۱۷ م).

نسخه خطی این کتاب در کتابخانه دانشگاه « بایرو » در نیجریه موجود است.

[ أخبار التراث العربی شماره ۲۳ ص ۵; کتابنامه آفای مهدی پور ص ۲۱۷ ]

#### ۴۷ - « تحقیق ظهور المهدي ».

احمد بن عبداللطیف بربر دمیاطی ( ۱۲۲۸ ) ،

نسخه مخطوط آن در هفت ورقه بخط محمد بن علی بن محمد محموده صفدی مورخه ۱۲۳۲ در آخر مجموعه شماره ۲۳۴ کتابخانه ظاهریه دمشق موجود است.

[ فهرست مجموعه های کتابخانه ظاهریه ۵۲/۲ ]

#### ۴۸ - « تعليق على محاضرة « عقيدة اهل السنة و الاثر. . . شيخ عبدالمحسن

عباد » .»

شیخ عبدالعزيز بن عبدالله بن باز که مفتی اعظم دربار عربستان سعودی بود.

این مقاله بدنبال « عقیده اهل السنة » مؤکداً اعتراف به صحت و تواتر احادیث مهدی منتظر نموده و متن آن در آخر « الامام المهدي عند أهل السنة » مندرج است.

#### ۴۹ - « تلخیص البیان فی أخبار مهدی آخر الزمان ».

علی بن حسام الدین متقی هندی ( ۹۷۵ ).

چاپ ۱۴۰۱ هـ دار التبلیغ اسلامی قم ، ۲۲ صفحه وزیری با تحقیق دانشمند محترم آقای علی اکبر مهدی پور.

جهت آگاهی بر وجود بیش از بیست نسخه خطی آن در کتابخانه های جهان رجوع شود به مقاله « اهل البيت فى المكتبة العربية » علامه سيّد عبدالعزيز طباطبائی در مجله « تراثنا » شماره سوم سال اول ۱۴۰۶.

[ ايضاح المكنون ۳۱۸/۱; هدية العارفين ۷۴۶/۱ ]

#### ۵۰ - « تلخيص البيان فى علامات مهديّ آخر الزمان ».

شمس الدين احمد بن سليمان ابن كمال پاشا حنفى ، شيخ الاسلام و مفتى قسطنطينيه ( ۹۴۰ ).

( هدية العارفين ۱۴۱/۱ )

#### ۵۱ - « تنبيه الوسنان إلى أخبار مهديّ آخر الزمان ».

أحمد نوبى ( ۱۰۳۷ ).

[ معجم المؤلفين كحاله ۱۹۷/۲; به نقل از نسخه آلمانى تاريخ الأدب العربى بروكلمن ۳۸۵/۲ و

[ ۵۲۰ ]

#### ۵۲ - « تنوير الرجال فى ظهور المهديّ و الدّجال ».

رشيد الراشد تاذفى حلبى ( معاصر ).

چاپ شده.

[ المهديّ المنتظر محمد حسن آل يس ۲۳ ]

#### ۵۳ - « التوضيح فى توأتر ما جاء فى المهديّ المنتظر و الدّجال و المسيح ».

محمد بن علی شوکانی صنعانی (۱۲۵۰).

[ بدر الطالع مؤلف - ذیل شرح حال خودش ۲/۲۲۲ - ; الاذاعه. . . ص ۱۱۳ ; غاية المأمول ۵/۳۲۷;

فهرس الفهارس ص ۴۰۹; عقيدة أهل السنة و الاثر شيخ عبدالمحسن عباد ]

این کتاب بیانگر چگونگی تواتر و قطعیّ الصدور بودن احادیث پیرامون حضرت مهدی(علیه السلام) است و استاد ناصر الدین در مقاله « حول المهدی » بنقل از کتاب فوق مینویسد احادیثی که در پیرامون حضرت مهدی بدست ما رسیده و می توان بر آن اعتماد و استناد نمود پنجاه حدیث می باشد که برخی صحیح ، برخی حسن ، و برخی دیگر ضعیف ترمیم شده میباشد و آنها بدون شك و تردید به حد تواتر رسیده است ، و عنوان تواتر بر طبق همه ضوابطی که در کتابهای پایه نوشته شده بر کمتر از آن صدق میکند . . . . »

[ مجلة التمدن الاسلام ، شماره ۲۷ - ۲۸ سال ۲۲ ص ۶۴۶ ]

و گویا این کتاب چاپ شده باشد ولی اطلاعی از مشخصات آن بدست نیامد.

**۵۴ - « ثلاثة ينتظرهم العالم: عيسى ، الدجال و المهدي المنتظر ».**

شیخ عبداللطیف عاشور( معاصر).

چاپ ۱۴۰۶ ، انتشارات ساعی ریاض و انتشارات قران قاهره ، ۱۴۴ صفحه وزیری.

**۵۵ - « جزء فی ذکر المهدی ».**

ابوالفداء ، اسماعیل بن کثیر دمشقی( ۷۷۴).

[ نهایه مؤلف ص ۱۲۰ ]

**۵۶ - « جزء فی المهدی ».**

أبوحسین ، أحمد بن جعفر بن محمد عبدالله بغدادی معروف به ابن منادی( ۳۳۶).

این کتاب بدست ابن حجر عسقلانی رسیده و او بخشی از آنرا در کتاب « فتح الباری ( شرح صحیح بخاری ) » آورده ، و از جمله در ج ۱۲ ص ۲۱۲ ، و ابن منادی را کتاب دیگری باشد بنام « الملاحم ».

#### ۵۷ - « جزء فی ما ورد فی المهدي ».

ابن حجر.

[ فهرس الفهارس و الاثبات ص ۳۳۹ ]

#### ۵۸ - « جمع الأحادیث الواردة فی المهدي ».

حافظ أبوبکر بن خيثمه ، أحمد بن زهير بن حرب نسائی ( ۲۷۹ ).

وی شاگرد أحمد حنبل ، و مؤلف کتاب « تاریخ الكبير » بوده است که خطیب بغدادی و دارقطنی درباره آن گفته اند: هرگز کتابی پرفائده تر از کتاب تاریخ ابن خيثمه سراغ نداریم.

[ تاریخ بغداد ۱۶۳/۴ ; الأعلام زرکلی ۱۲۸/۱ ]

#### ۵۹ - « جمع طرق أحاديث المهدي ».

ابن عراقی ولی الدین ابوزرعہ ، احمد بن عبدالرحيم بن حسين کردی رازیانی مصری شافعی ( ۸۲۶ ).

[ ذیل تذکرة الحفاظ ذهبی - از ابن فهد مکی - ص ۲۸۸ ; الضوء اللامع سخاوی ۳۳۶ - ۳۳۴ ،

مقاله « الردّ علی من کذب بالأحاديث المهدي » شیخ عبدالمحسن عباد ]

بنوشته « النجوم الزاهرة » ۱۱۸/۵ ، او در سنه ۸۲۴ به سمت قاضی القضاة مصر منصوب گردید و در سنه ۸۲۶ در گذشت.

#### ۶۰ - « الجواب المقنع المحرر ، فی أخبار عيسى و المهدي المنتظر ».

محمد حبيب الله شنقيطی ( ۱۳۶۳ هـ ).

این کتاب بنویشته خود مؤلف - در کتاب دیگرش « زاد المسلم » ۴۱/۲ - در ردّ بر ابن خلدون

تألیف ، و در چهار بخش زیر خلاصه شده است:

۱ - مقدمه بیانگر تواتر احادیث حضرت مهدی.

۲ - فصل اول در بیان احادیث ویژگیها و اوصاف آن حضرت.

۳ - فصل دوم پیرامون نزول حضرت عیسی و اجتماع او با حضرت مهدی.

۴ - خاتمه در بیان خروج دجال و پیدایش مهدی های ادعائی و دروغین.

مؤلف در مراکش ، مدینه ، مکه و قاهره بسر میبرده و در دانشگاه الازهر مصر تدریس نموده و در

قاهره درگذشته.

[ کتابنامه حضرت مهدی ص ۲۷۶-۲۷۷ ]

۶۱ - « چاغین بکلد ( یغی انسان مهدی ) » ( ترکی استانبولی ).

عادل گوک بورون ( معاصر ).

چاپ دوم انتشارات تک یول ، استانبول ، ۷۷ صفحه رقعی.

این کتاب که با مقدمه ای از آقای مصطفی گنج انتشار یافته از غیبت ، ظهور ، علائم ظهور ،

نسب و محل ظهور حضرت ، و خروج دجال سخن رفته است.

[ کتابنامه حضرت مهدی ص ۲۸۱ ]

۶۲ - « حاشیه علی « القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر » - ابن حجر

مکی ( ۹۷۳ ) - «.

بقلم رضی الدین بن عبد الرحمان بن أحمد بن حجر ( نوه مؤلف ) ( ۱۰۴۱ ).

[ ایضاح المکنون ۴۲/۲ ; هدیة العارفین ۳۶۹/۱ ]



**۶۳ - « حقیقة الخبر عن المهدي المنتظر من الكتاب و السنة ».**

صلاح الدین عبد الحمید هادی (معاصر).

چاپ اول ۱۹۸۰ م ، کتابخانه تاج ، طنطا ، مصر ، ۹۶ صفحه.

**۶۴ - « ختم النبوة و ظهور المهدي ».**

ابوالاعلیٰ مودودی (۱۴۰۰).

چاپ ۱۳۹۹ هـ لاهور پاکستان.

[ کتابنامه آقای علی اکبر مهدی پور ص ۳۱۶ ]

**۶۵ - « الدر المنضود فی ذکر المهدي الموعود ».**

سید صدیق حسن بن اولاد حسن بن اولاد علی قنوجی .

نسخه خطی آن بخط مؤلف در کتابخانه ندوة العلماء در لکهنو هند بشماره ۳۱۱ طبق نقل فهرست

آن بشماره ۹۷ موجود است

[ اهل البيت فی المكتبة العربية ، علامه طباطبائی شماره ۲۰۵ ]

**۶۶ - « ذکر المهدي الذي يكون في آخر الزمان ».**

ابوالفداء ، اسماعیل بن کثیر دمشقی (۷۷۴).

این موضوع در کتاب « النهاية ، أو الفتن و الملاحم » مؤلف ص ۲۴ تا ۳۲ درج و چاپ شده ، نیز

عیناً در ج ۲ « الامام المهدي عند أهل السنة » هم مندرج گردیده.

**۶۷ - « ذکر المهدي و نعونه و حقیقة مخرجه و ثبوتہ ».**

حافظ أبونعیم أحمد بن عبدالله اصفهانی (۴۳۰).

این کتاب مشتمل بر ۱۵۶ حدیث در شئون مختلف امام مهدی منتظر(علیه السلام) است که سید بن طاووس فهرست ابواب آنرا و تعداد روایات هر بابی را در « طرائف » ( ص ۱۸۳ ) ایراد نموده و در دیگر کتابهای خود هم از آن نقل حدیث فرموده.

نیز علامه تهرانی در « الذریعه » ( ج ۱۰ ص ۲۸ ) آن را بدینگونه ذکر کرده; و در « هدیه العارفين » ( ۷۵/۵ ) بعنوان « کتاب المهدی » مطرح شده.

#### ۴۸ - « الردّ علی من حکم و قضی أنّ المهدی الموعود جاء و مضی ».

علی بن حسام الدین معروف به متقی هندی جونپوری ( ۹۷۵ )

این کتاب در رد محمد بن یوسف جونپوری ( متولد ۸۴۷ ، متوفای ۹۱۰ ) مدعی دروغین مهدویت است در سنه ۹۰۱ و ۹۰۳

نسخه خطی آن مؤرخه ۹۹۰ ضمن مجموعه شماره ۱۵۱۴ مکتبه رضا رامپور در هند است و نسخه دیگرش بتاريخ قرن یازدهم شماره ۱۹۷۵ بشرح مندرج در فهرستش ۴۶۰/۲.

[ اهل البيت فی المكتبة العربيه علامه طباطبائی ، بشماره ۳۲۹ ]

#### ۴۹ - « الردّ علی من حکم و قضی أنّ المهدی الموعود جاء و مضی ».

نورالدین علی بن محمد هروی حنفی ، معروف به ملا علی قاری( ۱۰۱۴ ) .

نسخه خطی این کتاب در کتابخانه ناصریه لکهنو است و نسخه دیگرش در مکتبه الامام امیرالمؤمنین نجف.

[ مجله تراثنا شماره ۱۰ مقاله علامه سید عبدالعزیز طباطبائی ]

#### ۷۰ - « الردّ علی من کذب بالأحادیث المهدی ».

مقاله مفصلی است از شیخ عبدالمحسن بن عباد ، عضو هیئت تدریسی دانشگاه مدینه که در رد رساله « لا مهدی ینتظر بعد الرسول سید البشر » از شیخ ابن محمود رئیس محاکم شرعی قطر

نگاشته ، و در مجله دانشگاه مدینه بشماره های ۴۵-۴۶ بچاپ رسیده و عیناً در « الامام المهدي عند أهل السنة » ۴۳۷/۲ مندرج شده و به ضمیمه مقاله دیگرش \_ عقیده اهل السنة و الاثر فی المهدي المنتظر \_ بسال ۱۴۰۲ در چاپخانه الرشید مدینه در ۲۲۴ صفحه چاپ و منتشر گردیده.

جهت شرح حالش مراجعه شود به « کتابنامه حضرت مهدی » آقای مهدی پور ص ۳۹۰.

#### ۷۱ - « رسالة فی الأحادیث القاضية بخروج المهدي و انه . . . ».

محمد بن اسماعیل امیریمانی صنعانی ( ۷۵۱ ).

[ الاذاعه ص ۱۱۴ ]

#### ۷۲ - « رسالة فی تحقیق ظهور المهدي ».

أحمد بن عبداللطیف بربر دمیاطی شافعی ( ۱۲۲۶/۱۲۲۸/۱۲۲۹ ).

نسخه خطی آن در ضمن مجموعه شماره ۲۳۴ کتابخانه ظاهریه شام موجود است و دو نسخه دیگر نیز در کتابخانه سلیمانیه استانبول بخش حاج محمود افندی به شماره های ۱۹۳۰ و ۲۳۳۰ موجود میباشد. [ کتابنامه آقای مهدی پور شماره ۹۴۸ و ۱۰۵۵ ]

#### ۷۳ - « رسالة فی حق المهدي ».

نورالدین علی بن سلطان محمد قاری هروی حنفی مشهور به ملا علی قاری ( ۱۰۱۴ ).

نسخه مخطوط آن در کتابخانه بلدیة اسکندریه مصر موجود است. و سه کتاب دیگر هم درباره حضرت مهدی از اوست بنامهای « الرد علی من حکم و قضی أن المهدي جاء و مضی » ، « المشرب الوردی فی مذهب المهدي » و « مهدی آل الرسول » ، مراجعه شود.

#### ۷۴ - « رسالة فی ردّ من انکر أنّ عیسی علیه السلام اذا نزل بصلى خلف المهدي

صلاة الصبح ».

جلال الدین سیوطی ( ۹۱۱ ).

این رساله بعنوان تنبیه در پایان رساله « الاعلام بحکم عیسی علیه السلام » که مندرج در الحاوی للفتاوی ( ج ۲ ص ۲۹۷ چاپ ۱۳۷۸ مصر و ص ۱۶۶ چاپ مصر بعد از آن ) درج شده و نسخه خطی آن بشماره ۵۹ در کتابخانه مسجد الحرام موجود است.

#### ۷۵ - « رساله فی المهدی المنتظر ».

از سعدالدین محمد بن مؤید حمویه ، معروف به سعدالدین حموی ( ۶۵۰ ) .

( مرآة الأسرار جامی )

#### ۷۶ - « رساله مهدیه » ( فارسی ) .

شاه نعمت الله ولی ( ۸۳۴ ) قطب و بنیانگذار فرقه های صوفیه نعمت اللهی ایران ، هند و

پاکستان .

این رساله ضمن جلد چهارم رساله های او ص ۸۹-۹۵ وسیله خانقاه نعمت اللهی تهران بسال

۱۳۴۳ چاپ و منتشر گردیده.

و از مهدی منتظر بعنوان « مهدی ، محمد بن عبدالله » نامبرده که به همین دلیل شکی در سنی

بودنش نیست.

#### ۷۷ - « روض وردی فی أخبار المهدی ».

جعفر بن حسن بن عبدالکریم برزنجی مدنی ، مفتی فرقه شافعیه مدینه منوره درگذشته ۱۱۷۹ یا

۱۱۸۴ یا ۱۱۸۷ .

نسخه خطی آن در کتابخانه ناصریه لکهنو موجود است.

[ سلك الدرر ۹/۲ ، هدیة العارفين ۲۵۶/۱ ، معجم المؤلفين ۱۳۷/۳ ، اعلام زرکلی ۱۲۳/۲ ،

بروکلمن ۲۸۴/۲ اصل المانی ، مجله تراثنا شماره ۱۰ ، مقاله « أهل البيت فی المكتبة العربية » علامه

سید عبدالعزیز طباطبائی ]

## ۷۸ - « سید البشر يتحدث عن المهدي المنتظر ».

شیخ حامد محمود محمد لیمود (معاصر).

چاپ مطبه مدنی قاهره ، با مقدمه شیخ حسنی مخلوف ، مفتی سابق مصر و عضو جمعیت علمای بزرگ الأزهر.

[ کتابنامه حضرت مهدی ۱۱۱۶ ]

## ۷۹ - « شرح کتاب المهدي سنن ابی داود ».

ابن قیّم جوزیه ( ۷۵۱ ).

این کتاب ضمن « تهذیب السنن » ابی داود تشریح شده و در ذیل « عون المعبود » ج ۱۱ ص ۳۶۱-۳۸۴ چاپ شده.

[ کتابنامه حضرت مهدی ۱۱۶۱ ]

## ۸۰ - « صاحب الزّمان ».

ابوالعبّاس ، محمد بن اسحاق بن ابراهیم کوفی ، قاضی صیمره ( ۲۷۵ ).

بنوشته « أعلام » زرکلی ( ۲۹/۶ ) وی ادیبی ظریف و عالم به نحو و شاعری زبردست و از ندمای متوکل عباسی و معتمدین بنی العباس بود.

و بنوشته ابن ندیم وی را کتابی است بنام « صاحب الزّمان » که بنظر آقای خرسان نخستین تألیف و مقدم بر همه تألیفات سنّی و شیعه درباره صاحب الزمان مهدی منتظر بوده ، ولی رواجی مؤلف « أخبار المهدي » و متوفای ۲۵۰ مقدم بر او بوده؛ هرچند متأسفانه امروز سرنخی از وجود آن در دست نیست.

[ فهرست ابن ندیم ص ۲۲۲ ]

## ۸۱ - « صحیح اشراط اساعة ».

شیخ مصطفی ابونصر شلبی.

چاپ ۱۴۱۳ هـ انتشارات سوادى ، جدّه ، ۴۳۲ صفحه وزیرى.

## ۸۲ - « الصحيح المسند من أحاديث الفتن والملاحم و اشراط الساعة ».

مصطفی عدوى (معاصر).

چاپ ۱۴۱۲ دارالهجرة رياض ، ۵۸۷ صفحه وزیرى.

## ۸۳ - « صفة المهدي ».

حافظ ابونعيم اصفهان (۴۳۰).

يوسف بن يحيى مقدسى ( ۶۸۵ ) در كتاب « عقد الدرر » - كه در مصر ، بيروت و ايران مكرر چاپ

شده - تعداد ۲۹ حديث از اين كتاب نقل کرده است.

## ۸۴ - « ظهور المهدي ».

جلال الدين سيوطى ( ۹۱۱ ).

دو نسخه از اين كتاب به دو عنوان زير در استانبول موجود است:

۱ - « رسالة فى ظهور المهدي » كتابخانه سليمانيه ، بخش رشيد افندى ، ضمن مجموعه

شماره ۸۸۲۸۳.

۲ - « رسالة ظهورات المهدي » همان محل ، بخش قصيده چى زاده ، ضمن مجموعه شماره

۶۸۱۸۰.

[ كتابنامه حضرت مهدى ۱۲۴۳ ]

## ۸۵ - « العرف الوردى فى أخبار المهدي ».

مشمتمل بر « أربعين » حافظ ابونعیم اصفهانی درباره مهدی منتظر و چند برابر آن احادیث اضافی  
پیرامون شئون آنحضرت از جلال الدین عبدالرحمن سیوطی ( ۹۱۱ )؛ چاپ مصر؛ ضمن « الحاوی  
للفتاوی » وی؛ ج ۲ ص ۱۲۳-۱۶۶ و ج ۲ ص ۵۷-۷۶ چاپ دارالکتب العلمیه بیروت ۱۳۹۵ و مندرج در  
« الامام المهدی عند أهل السنّة » ج ۲.

#### ۸۶ - « العرف الوردی فی أخبار المهدی » ( ترجمه ترکی کتاب قبل ).

مترجم مشرف گوزجو ( معاصر ).

چاپ ۱۹۸۶م انتشارات شفق مانیسا ، ترکیه.

#### ۸۷ - « العرف الوردی فی أخبار المهدی » ( نیز ترجمه ترکی کتاب سیوطی ).

مترجم محمود چلبی.

نسخه خطی آن در کتابخانه سلیمانیه استانبول ، بخش قلیچ علی پاشا ، ضمن مجموعه ۶۸۹۹۷  
موجود است.

[ کتابنامه حضرت مهدی شماره ۱۲۵۶ ]

#### ۸۸ - « العرف الوردی فی دلائل المهدی ».

ابوالفضل ، عبدالرحمن بن مصطفی یمنی حضرمی شافعی اشعری نقشبندی مقیم  
مصر ( ۱۱۹۲ ).

نسخه خطی آن در کتابخانه سلطنتی برلن بشماره ۲۷۳۳ موجود است.

[ هدیة العارفین ۱/۵۴۴؛ مجله تراثنا شماره ۱۶ مقاله آقای سید عبدالعزیز طباطبائی ]

#### ۸۹ - « العطر الوردی ، شرح قصیده « القطر الشهیدی ، فی اوصاف المهدی - شماره

۵۲ - « « .

شیخ محمد بلیسی شافعی ( ۱۳۱۲ هـ ).

چاپ ۱۳۰۸ بولاق مصر ضمن مجموعه ناظم قصیده و دیگر چاپها و مندرج در « الامام المهدي عند أهل السنة » ج ۲.

#### ۹۰ - « عقد الجواهر و الدرر فی علامات ظهور المهدي المنتظر ».

تألیف ابن حجر.

به نقل دکتر عبدالله جبوری در تعلیقات خود بر « غریب الحدیث » ابن قتیبه ۱۱۷/۱ ( در رابطه با نقل ابن قتیبه حدیث علی(علیه السلام) را پیرامون بودن مهدی منتظر از فرزندان حسین ) اما بدون تصریح باینکه ابن حجر عسقلانی است یا هیثمی و اینکه نسخه خطی آن در کجاست.

[ مجله تراثنا شماره ۱۶ ص ۲۱-۲۲ ]

#### ۹۱ - « عقد الدرر فی أخبار الامام المنتظر ».

جمال الدین یوسف بن یحیی مقدسی شافعی دمشقی ( ۶۸۵ ).

چاپ ۱۳۹۹ مکتبه خانجی مصر با تحقیق دکتر عبدالفتاح محمد حلو ، و از آن پس بسال ۱۴۰۰ در تهران افست گردیده و بسال ۱۴۰۳ هم در بیروت تجدید چاپ شده و در مرحله چهارم نیز بسال ۱۴۰۳ در دانشگاه ابن سعود در ریاض و برای پنجمین بار سنه ۱۴۰۵ وسیله مکتبه المنار زرقاء اردن و بعداً در سنه ۱۴۱۶ وسیله مسجد جمکران قم تجدید چاپ شد.

#### ۹۲ - « عقد الدرر فی تحقیق القول بالمهدی المنتظر ».

أحمد بن زینی دحلان ( ۱۳۰۴ ).

نسخه مخطوط این کتاب در کتابخانه دانشگاه ملك سعود در حجاز موجود است و تاریخ کتابت آن ۱۳۰۴ هـ میباشد.

#### ۹۳ - « عقود الدرر فی شأن المهدي المنتظر ».



نسخه خطی آن در کتابخانه حرم مکی در مکه مکرمه بشماره ۳۰ ، بخش دهلوی ۱۹۸/۴ ،  
فهرست مخطوط کتابخانه ص ۱۴۱؛ اما از نام مؤلف اطلاعی بدست نیامد.

[ مجله تراثنا شماره ۱۶ ص ۷۸ ]

#### ۹۴ - « عقیده المسیح الدجال ».

سعید ایوب ( معاصر ).

حدود يك سوم آخر این کتاب ویژه بحث درباره حضرت مهدی و دفاع از عقیده بدان حضرت است.  
نخست بسال ۱۴۰۹ در قاهره چاپ شده سپس بسال ۱۴۱۱ در بیروت و بعداً در قم.

#### ۹۵ - « عقیده اهل السنّة و الاثر فی المهدی المنتظر ».

مقاله ( متن محاضره علمی ) شیخ عبدالمحسن بن حمد عباد عضو هیئت تدریسی دانشگاه  
اسلامی مدینه است در سنه ۱۳۸۸ که ضمن مجله دانشگاه بشماره ۳ سال اول درج و انتشار یافته ، و  
نیز مندرج در « الامام المهدی عند أهل السنّة » آخر ج ۲ میباشد؛ جهت دیگر خصوصیات رجوع شود به  
« کتابنامه حضرت مهدی » ص ۵۱۷.

#### ۹۶ - « علائم ظهور » ( فارسی ).

علی بن حسام الدین متقی هندی ( ۹۷۵ ).

رساله مختصری است در علائم ظهور که احادیث مربوطه توسط متقی هندی بفارسی ترجمه  
شده. نسخه ای از آن در کتابخانه مسجد اعظم قم ضمن مجموعه شماره ۶۳۶ با تاریخ کتابت آن در  
سنه ۹۷۹ موجود است.

#### ۹۷ - « علامات الساعة الصغرى و الكبرى ».

لیلی مبروک .

دار المختار الاسلامی قاهره در ۲۰۴ صفحه.

٩٨ - « علامات المهدي » يا « البرهان في علامة مهدي آخر الزمان ».

جلال الدين عبدالرحمن سيوطي (٩١١).

نسخه خطي آن در كتابخانه حرم مکه بشماره ٣٤ بخش دهلوی موجود است.

[ مقدمه علامه خراسان بر ينيابيع الموده ص ١٤؛ مجله تراثنا شماره ٢ و شماره ٢٩/١٤ ]

٩٩ - « علامات المهدي المنتظر ».

أحمد بن حجر هيثمى مكى شافعى (٩٧٤).

چاپ نشریات مكتبة القرآن للطبع و النشر مصر.

[ مجله تراثنا شماره ١٤ ص ٢٩ ]

١٠٠ - « علامات مهدي منتظر » ، تركى ، ترجمه « القول المختصر في علامات المهدي

المنتظر » ابن حجر (٩٧٤).

بقلم مشرف گوزجو ( معاصر ) ، ويراستار دكتور سوات آروسان .

چاپ اول ١٩٨٥ م ، انتشارات شفق ، مانيسار تركيه ، ٩٢ صفحه رقى.

١٠١ - « علامات مهدي آخر الزمان » ، ترجمه تركى استانبولى « البرهان في

علامات مهدي آخر الزمان » متقى هندی

بقلم مشرف گوزجو ( معاصر ) ، ويراستار دكتور سوات آروسان .

چاپ ١٩٨٦ م ، انتشارات گونجه ، استانبول ، ٩٥ صفحه جيبى.

مترجم آن را « آخر زمان مهدي سى نين علامتلى » نامگذاري نموده

١٠٢ - « عنقاء مغرب في معرفة ختم الأولياء و شمس المغرب ».

محي الدين ابن عربي (٦٣٨).

چاپ مصر (أعلام زرکلی ٢٨١/٦) ، و نسخه خطی آن در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم  
بشماره ٤١٠٥ موجود میباشد.

### ١٠٣ - « عون المعبود - شرح سنن ابی داود - بخش کتاب المهدی - ».

ابوالطیب محمد شمس الحق عظیم آبادی (١٣٣٩ هـ)

چاپ مکتبه سلفیه مدینه منوره ج ١١ ص ٣٤١ - ٣٨٤ ، مندرج در کتاب « الامام المهدی عند اهل  
السنة ».

### ١٠٤ - « الفتح الربانی فی الرد علی المهدی المغربی الوزانی ».

از حاج صالح بن مهنا الأزهری.

چاپ مطبعه تقدم مصر ١٣٢٧ در ٨٠ صفحه.

[ معجم المطبوعات ص ١١٨٣ ]

### ١٠٥ - « فتح المنان - شرح « قصيدة الفوز و الأمان » شيخ بهائی - ».

شهاب الدين أحمد بن عدوی دمشقی مشهور به منینی (١١٧٣).

چاپ حدود ١٢٢٠ قاهره ، نیز ضمیمه « تلخیص کشکول شیخ بهائی » بطور مکرر از جمله بسال  
١٢٨٨ در قاهره تجدید چاپ شده.

### ١٠٦ - « الفتوی فی مسألة المهدی المنتظر » ( مقاله پیرامون پاسخ به سئوال ).

بقلم شیخ محمد منتصر کتانی در مجله رابطه العالم الاسلامی مکه ، در پاسخ به پرسش يك  
مسلمان کنیائی از تاریخ و محل ظهور و قیام حضرت مهدی نوشته ، و مندرج در مقدمه علامه خراسان  
بر « البيان فی أخبار صاحب الزمان » گنجی چاپ ١٣٩٩ بیروت ص ٧٦-٧٩ میباشد.

نیز ترجمه فارسی آن مندرج در « مهدی انقلابی بزرگ » آقای مکارم شیرازی ص ۱۴۶-۱۵۵.

و ترجمه لاتینش هم از مرکز اسلامی استانبول انتشار یافته.

[ در جستجوی قائم ، کتاب شماره ۲۵۸ ]

**۱۰۷ - « فتاوی علماء العرب من اهل مكة المشرفة ، فی شأن المهدی الموعود فی**

**آخر الزمان ».**

این رساله بیانگر متون فتوایی چهارنفر از علمای سنی در اثبات مهدویت حضرت مهدی منتظر و ردّ منکرین او تا سر حدّ تکفیر و اعدام آنها می باشد که باب سیزدهم کتاب « البرهان فی علامات مهدیّ آخرالزمان » متقی هندی ( متوفای ۹۷۵ ) بذکر آن اختصاص یافته و در سنه ۱۳۹۹ در قم و دیگر محل ها چاپ شده است.

**۱۰۸ - « فرائد فوائد الفکر فی إمام المهدی المنتظر ».**

شیخ مرعی بن یوسف کرمی مقدسی حنبلی ( ۱۰۳۳ ) .

[ أعلام زرکلی ۲۰۲/۷؛ ایضاح المکنون ۱۸۳/۲؛ هدیة العارفین ۴۲۷/۲؛ مجله تراثنا شماره ۱۷ ص

۱۰۸-۱۰۹ تعداد چهار نسخه خطی آن بقلم علامه سید عبدالعزیز طباطبائی معرفی شده ]

**۱۰۹ - « الفواصم عن الغتن القواصم » ( در شرح حال مهدی منتظر ).**

علی بن ابراهیم حلبی ( ۱۰۴۴ ) .

[ سیرة الحلییه مؤلف ۲۲۷/۱ ]

**۱۱۰ - « قصیده فی المهدی ».**

محمی الدین محمد بن علی طائی اندلسی معروف به ابن عربی ( ۶۳۸ ) .

در ۸۳ بیت است که با بیت:

خلیلی اینی للشریعة حافظ\*\*\* و لكن لها سرّ علی عینه غطا آغاز و با بیت:

**و صاحب أبیات عظیم جلاله\*\*\* تتوجّ بالجوزاء و انتعل السُّها**

پایان میابد ، و بدنبال آن فصلی باشد درباره زادگاه آن حضرت و نسب و محل سکونتش و آنچه مربوط به امر اوست.

نسخه آن در دارالکتب ظاهریه دمشق بشماره ۶۸۳۴ ورقه ۷۲-۷۵ مییاشد.

[ مجله تراثنا شماره ۱۸ مقاله « اهل البيت فی المكتبة العربية » ص ۹۳ ]

**۱۱۱ - « العطر الشهدي فی اوصاف المهدي » ( منظومه لاميّه ).**

شهاب الدين أحمد حلوانی شافعی ( ۱۳۰۸ ) .

این منظومه با شرحش بنام « العطر الوردی فی . . . » سنه ۱۳۰۸ در بولاق مصر بچاپ رسیده و بار دیگر بسال ۱۳۴۵ ضمیمه کتاب « فتح رب الأرباب » در مطبعه معاهد مصر چاپ آن تجدید شد.

و عیناً با شرحش در « الامام المهدي عند أهل السنّة » ج ۲ ص ۱۰۹-۱۵۳ مندرج و بسال ۱۴۰۲ چاپ شد.

نیز مراجعه شود به « ایضاح المکنون » ۲/۲۳۴ ، هدیة العارفين ۱/۱۹۲ ، معجم المطبوعات ۷۹۲ و ۱۶۴۲ ؛ و مجله تراثنا شماره ۱۸ ص ۹۴ مقاله علامه سیّد عبدالعزیز طباطبائی.

**۱۱۲ - « القناعة فی ما تحصن الاحاطه به من اشراط الساعة » ، حافظ ابوالخیر محمد**

بن عبدالرحمن سخاوی ( ۹۰۲ ) چاپ ۱۴۰۶ مکتبه القران قاهره و مکتبه الساعی ریاض ، ۹۶ صفحه

وزیری

[الضوء اللامع مؤلف ۱۸/۸]

**۱۱۳ - « القول الفصل فی المهدي المنتظر ».**

شیخ عبدالله حجاج .

چاپ دار العلوم للطباعة مصر.

## ۱۱۴ - « القول المختصر فی علامات المهدي المنتظر ».

شهاب الدين أحمد بن حجر هيثمى مكى ( ۹۷۴ ).

[ فتاوى الحديثه مؤلف ص ۳۱; فهرس الفهارس ۲۵۱/۱; الاشاعه برزنجى ص ۹۰; و ديگر مصادر مربوطه فراون ].

توضیحاً علامه سيد عبدالعزيز طباطبائى در مقاله « اهل البيت فى المكتبة العربية » نشر مجله ترائنا شماره ۱۸ ص ۹۸-۱۰۰ تعداد سى نسخه خطى آنرا با آدرس محل هريك معرفى نموده ، نیز نوشته است در اسلامبول نسخه مكتبة بايزيد از طريق تصوير با ترجمه آن به لغت تركى و حروف لاتين چاپ شده.

نيز بنوشته آقاى مهدى پور وسيله مكتبة القران در قاهره در ۸۸ صفحه وزيرى بدون تاريخ چاپ شده ، مقدمه اين كتاب بيانگر صريح تواتر احاديث حضرت مهدى و فصل اولش شامل ۶۳ حديث از پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) و فصل دومش ۳۹ حديث از صحابه و فصل سومش ۵۶ حديث از تابعين ميباشد.

در پايان مباحث گوناگونى را در اين زمينه مطرح و بررسى نموده كه با تحقيقات مصطفى عاشور بر اساس دو نسخه دار الكتب قاهره چاپ و انتشار يافته است.

بار ديگر توسط استاد محمد زينهم محمد تحقيق و در ۱۰۹ صفحه در تاريخ ۱۴۰۷ از طرف دارالصحة قاهره چاپ و منتشر گرديده.

جهت آگاهى برمشخصات پنج نسخه خطى اضافه بر نسخ معرفى شده از جانب آقاى طباطبائى مراجعه شود به كتابنامه حضرت مهدى ص ۵۷۹. وجهت آگاهى بر تلخيص و حاشيه بر آن وسيله نوادگان مؤلف به « حاشيه » و « مختصر القول » مراجعه شود.

## ۱۱۵ - « كتاب الغيبة ».

حافظ أحمد بن محمد بن سعيد همدانی معروف به ابن عقده ( ۳۳۳ ).

مؤلف زیدی و مورد اعتماد اهل تسنن و مطرح شده در مصادر رجالی و حدیثی آنها ، أمثال « تاریخ بغداد » خطیب ۱۴/۵-۲۳ ، « تذكرة الحفاظ » ذهبی ۳/۸۳۹ شماره ۸۲۰ است ، همچنانکه نعمانی شیعی در مقدمه « کتاب الغیبة » خود از آن نام برده و بطور فراوان هم از آن نقل روایت میکند.

#### ۱۱۶ - « کتاب فی الامام المهدی ».

أبوالعلاء ، ادريس بن محمد بن ادريس فاسی عراقی ( ۱۱۸۳ ).

[ نظم المتناصر كتانی ص ۲۲۶ شماره ۲۸۹ ]

#### ۱۱۷ - « کتاب المهدی ».

یکی از کتابها و بخش های جلد دوم « سنن المصطفی » ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی ( ۲۵۷ ) است که ویژه احادیث مهدی منتظر و عیناً در « الامام المهدی عند أهل السنة » ج ۱ ص ۳۷ درج گردیده.

#### ۱۱۸ - « مختصر الأخبار المشاعة فی الغتن و اشراط الساعة و أخبار المهدی ».

شيخ عبدالله بن سليمان مشعل ( معاصر ).

چاپ ۱۴۰۵ مطابع الرياض عربستان سعودی در ۴۴۹ صفحه.

#### ۱۱۹ - « مختصر القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر - ابن حجر هيثمی - » .

رضی الدین بن عبدالرحمن ، نواده مؤلف و در گذشته ( ۱۰۷۱ ).

[ هدية العارفين ۱/۳۶۹ ]

#### ۱۲۰ - « مرآة الفكر فی المهدی المنتظر ».

شيخ مرعى بن يوسف كرمى مقدسى حنبلى ( ۱۰۳۳ ).

[ ایضاح المکنون ۴۶۲/۲; هدیة العارفین ۴۲۷/۲ ]

### ۱۲۱ - « مسألة فی الغیبة ».

قاضی عبدالجبار بن أحمد همدانی معتزلی (۴۱۵).

وی بفرمان صاحب بن عباد در محرم ۳۶۷ به سمت قاضی القضاة شهرهای ری ، قزوین ، ابهر ، زنجان ، قم ، دماوند و سهرورد منصوب شد.

نسخه خطی این رساله در کتابخانه واتیکان به شماره ۱۲۰۸ موجود است.

[ کتابنامه حضرت مهدی ، ص ۱۶۴۱ ]

### ۱۲۲ - « مسئله مهدویت » ( ترکی ).

اسماعیل حقی از میری حنفی (۱۳۳۰ هـ).

این رساله بیانگر يك بحث کلامی پیرامون عقیده به مهدویت می باشد که در آن به بیست حدیث استناد شده و برخی از آنها مورد انتقاد قرار گرفته است.

در مجله هفتگی « سیل الرشاد » شماره ۲۸۵ سال ۱۳ ۱۳ تاریخ ۳۰ ربیع الاول ۱۳۳۲ هـ در عهد خلافت عثمانی در استانبول منتشر گردیده.

مؤلف از اهالی مناستر ، مقیم استانبول ، واعظ مسجد ایاصوفیا و عضو مجلس سنا بود که در ذیحجه ۱۳۳۰ هـ در گذشت.

[ معجم المؤلفین ۲۶۶/۲; کتابنامه حضرت مهدی ، ص ۶۴۲ ]

### ۱۲۳ - « مشاهدة الآيات فی اشراف الساعة و ظهور الآيات ».

محمد بن مؤید حموی ( ۶۰۵ )



وی پدر مؤلف « فرائدالسمطین » ابراهیم بن محمد بوده که در کتاب نامبرده ( ج ۲ ص ۳۰۸ ) آنرا دوباره از پدرش نقل کرده.

### ۱۲۴ - « المشرب الوردی فی مذهب المهدي » یا « المورد الوردی فی حقیقه

المهدی ».

نورالدین علی بن محمد هروی حنفی معروف به ملاعلی قاری ( ۱۰۱۴ ) ، صاحب « مرقاة فی شرح المشکوة ».

این کتاب در ردّ بر فرقه مهدیه هند - پیروان سید محمد جونیوری هندی - است و بیانگر شرح حال و علامات مفصل مهدی موعود اسلام از روی احادیث صحیحه ( همانند کتاب شماره ۵۹ ) .

چاپ سنگی قدیم در اسلامبول و نیز چاپ مطبعه محمد شاهین در سنه ۱۲۷۸ هـ در قاهره.

[ تحفة إثنی عشریة دهلوی ص ۴۵ ; الاذاعة ص ۱۶۳ ; معجم المطبوعات ۱۷۹۴ ; مجله تراثنا

شماره ۲۰ بیانگر آدرس های پانزده نسخه خطی آن و مشخصات هریک می باشد. ]

### ۱۲۵ - « مشرق الاکوان ».

سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی ( ۱۲۹۴ ) .

نسخه مخطوط آن در کتابخانه پرفسور عبدالباقی گلپنارلی در قونیه موجود می باشد.

[ الغدیر علامه امینی ج ۱ ص ۱۴۷ ، کتابنامه حضرت مهدی ص ۶۴۸ بنقل از چند مورد از مندرجات

ینابیع المودة او درباره حضرت مهدی ]

### ۱۲۶ - « مناقب المهدي ».

حافظ أبونعیم اصفهانی ( ۴۳۰ ) .

از نسخه آن اطلاعی بدست نیامد ، اما حافظ گنجی شافعی در « البیان فی أخبار صاحب الزمان » تعداد پانزده حدیث ، و یوسف بن یحیی مقدسی شافعی در « عقد الدرر » تعداد سیزده حدیث از آن نقل کرده اند.

نیز کتابهای دیگر از مؤلف بنام « أربعون حدیثاً » ، « صفة المهدی » ، « کتاب المهدی » و « نعت المهدی » ، در این مقال آورده ایم.

### ۱۲۷ - « المهدی » یا « رسالة فی المهدی ».

محمد بن اسحاق ، صدرالدین قونوی صوفی شافعی ( ۶۷۳ ).

موجود در کتابخانه ایاصوفیا بشماره ۴۸۴۹.

[ فهرست تحلیلی کتب عربی منتشر شده در مصر از قنواتی بشماره ۲۵۴ و الذریعه ۲۳/۲۹۰ ]

[ بنقل از ارگین بشماره ۱۹۸ ]

### ۱۲۸ - « المهدی ».

تألیف شمس الدین ابن قیّم جوزیه ( ۷۵۱ ).

[ مقدمه ینابیع الموده بقلم علامه سید مهدی خرسان ص ۱۸ ]

### ۱۲۹ - « مهدی آل الرسول ».

نورالدین علی بن سلطان محمد قاری هروی مشهور به ملا علی قاری ( ۱۰۱۴ ).

نخستین چاپ آن در ۴۰ صفحه جیبی بی تاریخ است.

جهت آگاهی بر تعداد هشت نسخه خطی آن در کتابخانه های ترکیه مراجعه شود به کتابنامه

حضرت مهدی ، ص ۷۰۰.

### ۱۳۰ - « المُهدی إلی ما ورد فی المهدی ».

شمس‌الدین محمد بن علی بن محمد مشهور به ابن طولون دمشقی صالحی حنفی (۹۵۳).

[ الأئمة الاثنی عشر مؤلف ، مندرج در الامام المهدي عند اهل سنة ۴۰۳/۲ ]

### ۱۳۱ - « المهدي » ( رسالة في ... )

ملا احمد بن حيدر ماورانی ازقراء شقلاوه عراق شمالی ( ۱۰۷۰ ).

نسخه خطی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه صلاح‌الدین در بخش شمال عراق بشماره ۳/۴۱۹

مذکور در فهرست چاپ شده آن در ۱۴۰۸ ، ص ۲۸۸

[ اهل البيت في المكتبة العربية علامه طباطبائی شماره ۷۸ ص ۶۲۹ ]

### ۱۳۲ - « المهدي » ( رسالة في ... )

ادريس بن محمد حمدون عراقی فاسی ( ۱۱۸۳ )

[ فهرس الفهارس و الاثبات ۱۹۹/۲ ، اليواقيت الثمينه ۹۶/۱ ، سلوة الانفاس ص ۱۴۱ ]

### ۱۳۳ - « المهدي » ( رسالة في ... )

جعفر بن حسن بن عبدالکريم بن محمد بن عبدالرسول برزنجی مدنی ( ۱۱۸۷ )

[ اهل البيت في المكتبة العربية علامه طباطبائی شماره ۷۸۳ ]

### ۱۳۴ - « المهدي حقيقة لاخرافة ».

محمد بن أحمد بن اسماعيل ( معاصر ).

چاپ چهارم کتابخانه تربيت اسلامي هلند در ۱۴۱۱ هـ در ۲۴۰ صفحه.

این کتاب مشتمل بر احادیث مهدویت و بیانگر تواتر آنها ، و صفات حضرت مهدی ، راویان ، ناقلان و

مؤلفان درباره احادیث مهدی منتظر ، اعتراف دانشمندان و رد بر مهدیهای ادعائی دروغین ، علائم ظهور

و اشراط ساعت است که مؤلف از منابع دست اول و مورد اعتماد اهل تسنن آنرا نگاشته ، و خود هم

از علمای سنّی است. و این کتاب را بسال ۱۴۰۰ در مصر تألیف نموده و بعنوان چهارمین دفعه نیز در مصر تجدید چاپ شده.

[ کتابنامه حضرت مهدی ص ۷۰۴-۷۰۵ ]

### ۱۳۵ - « المهدی المنتظر ».

ابراهیم مشوخی

صادر شده از مطبوعات مكتبة المنار در اردن

[ اهل البيت فى المكتبة العربية ، شماره ۷۸۹ ص ۶۳۱ ]

### ۱۳۶ - « المهدی المنتظر » ( رسالة فى . . . )

شيخ عبدالحق بن سيف الدين بن سعدالله دهلوی حنفی بخارى ( ۱۰۵۲ ).

[ فهرس الفهارس و الاثبات ، عبدالحیّ كنانی ۱۲۵/۲ ، كشف الأستار حاجی نوری ص ۲۰ ]

### ۱۳۷ - « المهدی المنتظر ».

سيد ابوالفضل عبدالله بن محمد بن صديق حسینی ادريسی غماری ( ۱۳۸۰ ) برادر مؤلف « ابراز

الوهم المکتون فى ردّ ابن خلدون ».

مشمتمل بر یکصد و دو حدیث بواسطه سى و سه نفر از صحابه و پنج نفر تابعین ، در ردّ منکرین

أحاديث مهدی و اثبات تواتر آن.

چاپ عالم الكتب بیروت ۱۴۰۵ هـ ۱۹۸۴ م.

### ۱۳۸ - « المهدی المنتظر بين الحقيقة و الخرافة ».

عبدالقادر احمد عطا.

چاپ ۱۴۰۰ هـ دار العلوم للطباعة قاهره

۱۳۹ - « المهدي المنتظر في الميزان ».

عبدالمعطي بن عبد المقصود.

چ دار النشر للثقافة، اسكندريه مصر

۱۴۰ - « المهدي و اشراط الساعة ».

شيخ محمد على صابوني .

بار اول بسال ۱۴۰۱ هـ وسيله مكتبة الغزالي دمشق و بار دوم بسال ۱۴۱۰ هـ وسيله شركة

الشهاب الجزائر به چاپ رسيد.

۱۴۱ - « المهدي و المهدوية في الاسلام ».

عبدالرزاق بن رشيد الحصان ( ۱۳۸۴ ).

[ الأعلام زرکلی ۳/۲۵۲ بنقل از معجم المؤلفين العراقيين ۲/۲۵۹ ]

۱۴۲ - « الميمية في ظهور صاحب الزمان ».

محمد بن علي بن محمد طائي مشهور به محي الدين ابن عربي ( ۶۳۸ ).

برخی از اشعارش را قندوزی در « ینابیع المودة » آورده است ، و شرحش بنام « بیان الحق » از

مؤلفین شیعه میباشد.

۱۴۳ - « نبذة من علامات المهدي ».

جلال الدين عبدالرحمن سيوطي ( ۹۱۱ ).

چند نسخه خطی ازین کتاب در کتابخانه سلطنتی برلین موجود است.

[ در جستجوی قائم ص ۷۲ و ۴۰۶ ]

## ۱۴۴ - « النّجم الثّاقب فی بیان أنّ المهدي من اولاد علیّ بن أبی طالب ».

شمس الدین محمد بن محمد بن عبدالرحمن بن علی بهسینی عقیلی خلوتی شافعی

( ۱۰۰۱ ).

نسخه مخطوط آن - ۷۸ صفحه - در کتابخانه لاله لی سلیمانیه اسلامبول بشماره ۶۷۹ موجود

است.

و در تاریخ ۱۲۱۷ از طرف سلطان سلیم به کتابخانه یادشده اهداء گردیده است.

ونسخه دیگرش در کتابخانه بیازید استانبول به شماره ۲۹۸۶ موجود میباشد و در ۱۷ ذیقعه ۹۹۷

در عهد مؤلف استنساخ گردید

[ کتابنامه حضرت مهدی ص ۷۴۵ - ۷۴۶ ]

## ۱۴۵ - « النزّهة ».

ولی الله دهلوی ، پدر عبدالعزیز مؤلف « تحفة الاثنی عشریة » ( ۱۱۷۲ ).

[ كشف الأستار حاجی نوری ص ۳۴ ]

## ۱۴۶ - « نظرة فی أحادیث المهدي » ( در قالب مقاله ).

شیخ محمد خضر حسین ، استاد دانشکده اصول الدین مصر ( ۱۳۷۷ ).

ضمن « مجلة الهدایة الاسلامیة » بسال ۱۳۶۹ و بعداً در « مجله التمدن الاسلامی » سوریه در

محرم ۱۳۷۰ ضمن شماره های ۳۵ و ۳۶ چاپ و منتشر گردیده ، نیز مندرج در « الامام المهدي عند أهل

السنة » ۲/۲۱۰ میباشد.

## ۱۴۷ - « نظرية الامامة ».

دکتر احمد محمود صبحی.

شامل بحث امامت کلی و از آن پس امامت حضرت مهدی و چگونگی بهره برداری از وجود آن حضرت.

[ در جستجوی قائم ص ۷۳ ]

۱۴۸ - « النوافح القریبۃ الکاشفة عن خصائص الذات المهدیة ».

قطب الدین مصطفی بن کمال الدین بکری دمشقی صوفی حنفی (۱۱۶۲).

[ هدیة العارفين ۴۵۰/۲; ایضاح المکنون ۶۸۲/۲ ]

۱۴۹ - « الوعاء المختوم فی السرّ المکنون ، فی أخبار المهدی ».

محمّد بن علی عربی اندلسی (۶۳۸).

[ هدیة العارفين ۱۲۱/۲ ]

۱۵۰ - « الوهم المکنون فی الردّ علی ابن خلدون ».

ابوالعباس بن عبدالؤمن مغربی.

چاپ شده.

[ متن فتوائی شیخ محمدمنتصرکتانی ، مفتی فقه اسلامی مکه ، مندرج در آخر رساله « أحادیث

المهدی من مسند أحمد حنبل « ص ۱۶۳ ]

۱۵۱ - « الهدیة المهدویة » ( بزبان اردو).

ابوالرجاء محمد هندی حیدرآبادی (۱۲۹۰).

در ردّ بر جونپوری مدعی مهدویت ، و اثبات مشخصات حضرت مهدی منتظر است از گاه ولادت تا

پایان عمر از دیدگاه حدیث.

[ الاذاعة ص ۹۱ ]

## ۱۵۲ - « الهدية الندية للأمة المحمّدية ، فيما جاء فى فضل الذات المهديّة »

مؤلف كتاب النوافح القريّبه شماره ۱۳۷

[ ايضاح المكنون ۷۲۸/۲؛ هدية العارفين ۴۵۰/۲ ]

[ الأعلام زرکلى ۲۵۲/۳ بنقل از معجم المؤلفين العراقيين ۲۵۹/۲ ]

\* \_ \* \_ \*

توضیحاً نویسنده این مقال را کتابی است بنام « الامام المهدي عند أهل السنة » شامل شصت و هفت متن حدیثی ، تاریخی و کلامی اختصاصی یا ضمنی اهل تسنن پیرامون حضرت مهدی منتظر که بخاطر آگاهی خوانندگان بر اصالت امر مهدویت در اسلام و کارگشائی محققین در مراجعه بدان ، فهرست آنها در پایان بنظر خواهد رسید.

### مدعیان دروغین مهدویت و کسانیکه که بدروغ نسبت مهدویت بدانها داده شده

همانطوریکه کمابیش بنظر خوانندگان رسیده و مصادر تاریخی و غیرتاریخی بیانگر شرح تفصیلی آنست که از آغاز بنیانگذاری اسلام تاکنون پیوسته افرادی با فریب و آلت دست قراردادن گروههایی از عوام ، از روی دشمنی به رویارویی اسلام برخاسته و با قتل و غارت و هرج و مرج و اسارت و زندانی نمودن مسلمانان ، و ضدیت با احکام اسلام و تکیه زدن بر کرسی ریاست ، چند صباحی خودنمایی نموده و بالاخره به زباله دان تاریخ گسیل شده و می شوند و نمونه آنها - که خود آلت دست استعمارگران خارجی یهودی و مسیحی و عامل اجرائی اهداف شوم آنها بودند - رضا شاه پهلوی در ایران و کمال اتاترک در ترکیه و جمال عبدالناصر در مصر و صدام تکریتی در عراق و دیگران در دیگر مناطق مسلمان نشین بوده و می باشند .

افرادی هم به هوای ریاست از طریق سوءاستفاده از احادیث مربوط به مهدی موعود و تحریف آنها و فریب دادن افراد ساده لوح زودباور را به دعوی مهدویت و مقام امامت برخاستند و بدون آنکه قیام آنها نشانگر سرنخی از مقام امامت یا مقرون به کوچکترین علامت از علائم ظهور مهدی موعود باشد ، یا کمترین درجه از برقراری قسط و عدل جهانی ( مورد وعده پیامبر بدست حضرت مهدی ) را ارائه دهند



– بلکه مردم را دچار تفرقه و جدائی از اسلام کردند – چند روزی خود را به عنوان مهدی موعود منتظر جا اندازی و قلمداد نمودند ، اما بالاخره مشیت خیانت آنها هم باز شد و ادعای دروغین و بی محتوایشان کشف و آنها هم پس از چندی به زباله دان تاریخ رهسپار شدند .

همچنانکه عده ای هم با زمینه سازی مرحله به مرحله مقام امامت و عنوان مهدی منتظر نخست دعوی بابت از ناحیه مهدی حقیقی می کردند و همینکه افراد و گروههایی فریب خورده بدانها می گرویدند ، دعوی مهدویت را مطرح و گسترش می دادند .

افراد و گروههایی هم بر اثر برخورد به اخباریکه از ناحیه خبرگذاران صادق امین درباره مهدی موعود و اسلام بدانها رسیده بود و از نظر فراوانی بدان درجه برای آنان یقینی شده و دماغشان آماده برای پرورش اینگونه افکار گردیده بود ، که بسا نسبت مهدویت را به کسی که او خود چنین دعوائی نداشت و از این دعوی بیزاری می جست می دادند .

اکنون برای روشن شدن مطلب نام بعضی از مدعیان دروغین مهدویت یا غیر مدعیان مورد نسبت را بطور فهرست بنظر خوانندگان میرسانیم و علاقمندان به آگاهی بر مشخصات تفصیلی هر يك را به مصادر مربوطه ارجاع میدهیم:

۱- امام امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) که فرقه سبائیه ، پیروان عبدالله بن سبا ( که بموجب اثر تألیفی علامه محقق عسکری اصل وجودش ساختگی و بدور از حقیقت و واقعیت بوده ) حضرتش را مهدی خواندند و پنداشتند کشته نشده و تا آخر الزمان باقی است و خروج میکند<sup>(۱)</sup>.

۲- محمد بن حنفیه ، که فرقه کیسانیه پنداشتند وی بعد از حسین بن علی امام و همان مهدی موعود است و در کوه رضوی بسر میبرد و از آنجا ظهور و قیام نماید<sup>(۲)</sup> ، بدون آنکه او چنین ادعائی کرده باشد .

۳- محمد بن عبدالله محض بن حسن بن حسن بن علی ، معروف به نفس زکیه که پاره ای از جارودیّه وی را مهدی دانسته و در سنه ۱۴۵هـ از مدینه به مهدویت برخاست و بدسیسه منصور دوانیقی کشته شد<sup>(۳)</sup> .

۴- ابوجعفر محمد بن عبدالله فرزند منصور دوانیقی که خود منصور هم از روی رقابت با نفس زکیه مردم را دعوت به مهدویت او می کرد<sup>(۱)</sup> .

۵- عمر بن عبدالعزیز یکی از خلفای اموی که سعید بن مسیب قائل به مهدویت او شد<sup>(۲)</sup> .

۶- ابومسلم خراسانی که پاره ای از فرقه « خرمیه » پیروان اتابک خرمی پنداشتند او همان کسی باشد که باید زمین را پر از عدل و داد کند و کشته شدنش را بدست منصور دوانیقی تکذیب نمودند و بانتظار ظهورش بسر می بردند<sup>(۳)</sup> .

۷- امام جعفر بن محمد الصادق ( امام ششم شیعیان ) که ناوسیه معتقد به مهدویت آن حضرت شدند<sup>(۴)</sup> ، اما اصل مقام امامت حضرتش را بدست فراموشی سپردند .

۸- محمد بن قاسم بن عمر بن علی بن الحسین که جارودیه زیدیه به مهدویت او گرایش جستند و در ایام معتصم در طالقان قیام نمود و کشته شد و آنها پنداشتند کشته نشده و بعد از این ظهور خواهد کرد<sup>(۵)</sup> .

۹- امام موسی بن جعفر ( امام هفتم شیعیان ) که فرقه واقفیه قائل به مهدویت آن حضرت شدند<sup>(۶)</sup> .

۱۰- محمد بن علی عسکری ، برادر امام حسن عسکری ، که طایفه محمدیه بعد از وفات آن حضرت قائل به امامت و مهدویت وی گردیدند<sup>(۷)</sup> .

۱۱- امام حسن عسکری ( امام یازدهم شیعیان ) که گروهی اعتقاد به مهدویت حضرتش پیدا کردند<sup>(۸)</sup> .

۱۲- جعفر بن علی برادر دیگر امام حسن عسکری که عده ای قائل به امامت و مهدویت او گردیدند و خود نیز مدعی مهدویت بود<sup>(۹)</sup> .

۱۳- عبدالله بن معاویه بن عبدالله جعفر بن ابی طالب که عده ای از مردم وی را مهدی دانسته و گفتند وی زنده است و در کوههای اصفهان بسر می برد و البته ظاهر خواهد شد ، و او همان کسی

بود که در ایام حکومت مروان بن محمد در فارس قیام کرد و ابومسلم پس از مدتی که او را زندانی کرده بود بکشت<sup>(۱)</sup>.

۱۴- یحیی بن عمر از اعقاب زید بن علی که در ایام مستعین بالله خلیفه عباسی سنه ۲۵۹ در کوفه قیام کرد ، پس او را کشتند و سرش را از تن جدا نمودند و بعضی جارودیه قائل به مهدی منتظر بودن او بودند<sup>(۲)</sup>.

۱۵- موسی بن طلحة بن عبدالله که در زمان مختار بن ابی عبیده در بصره قیام کرد و عده ای بعنوان مهدویت بدو گرویدند<sup>(۳)</sup> .

۱۶- عبدالله مهدی بود که بنوشته قرمانی: خود را فرزند حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا - یعنی فرزند امام حسن عسکری امام یازدهم شیعیان معرفی کرد .

و بنوشته فخری بعنوان ابومحمد عبدالله بن احمد بن اسماعیل از اعقاب امام جعفر معرفی نمود .

و بنوشته دیگران رشته نسبش غیر از دو رشته مذکور است و بطور خلاصه در اصل ارتباطش با سادات و بر فرض ثبوتش در چگونگی آن اختلاف شدید است .

وی در سنه ۲۹۷ هـ بعنوان مهدویت از افریقا بپا خواست و دولت فاطمیین را تشکیل داد که پس از گذشتن ۲۷۰ سال منقرض گردید .

هم او بود که شهر مهدیه را در یکی از سواحل تونس برقرار کرد و هم اکنون پرچم فرانسه برفراز آن در اهتزاز است<sup>(۴)</sup> .

۱۷- محمد بن عبدالله بن تومرت علوی حسنی معروف به مهدی هرغی از قبیله مصادمه که در جبال اطلس مراکش سکونت داشتند ، در سال ۴۹۷ به مهدویت برخاست و تشکیل سلسله « الموحدین » را داد و بر اسپانیا استیلا و تسلط یافت<sup>(۵)</sup>.

۱۸- الناصر لدین الله که از جمله خلفای عباسی و متولد حدود سنه ۵۵۰ هـ بود ، سبط ابن تعاونی وی را بعنوان مهدی منتظر بودن بدین دوشعر ستوده:

## انت الامام المهدي ليس لنا\*\*\*امام حق سواك ينتظر

### تبدو لابصارنا خلاقاً لان\*\*\*يزعم ان الامام منتظر<sup>(١)</sup>

۱۹- مردی به نام عباس فاطمی در پایان قرن هفتم بین ۶۹۰ و ۷۰۰ در میان غمازه خروج کرد و مدعی شد فاطمی منتظر است و جمعیت انبوهی از غمازه براو گرد آمدند و در پایان امر کشته شد<sup>(٢)</sup>.

۲۰- شخصی که معروف به تویزری منسوب به تویزر از نحله صوفیه بود از رباط ماسه خروج کرد و مدعی مهدی فاطمی بودن شد و بسیاری از اهل سوس و غیره بدو گرویدند و کارش آنچنان بالا گرفت که سران مصادمه ترسیدند و او را کشتند .

این قضیه در آغاز قرن هشتم- در عصر سلطان یوسف بن یعقوب - بوقوع پیوست<sup>(٣)</sup>.

۲۱- اسحاق سبتی زوی بود که در دوران سلطنت سلطان محمد چهارم از سلاطین عثمانی بسال ۹۸۶ هـ به امر مهدویت قیام کرد و اصولاً ترك و از اهالی از میر بود<sup>(٤)</sup>.

۲۲- شخصی بود که در سنه ۱۲۱۹ هـ در مصر قیام به مهدویت نمود و اصولاً زاده طرابلس بود و طولی نکشید با لشکری که از فرانسه آمده بود بجنگید و با عده ای از هواخواهان خود کشته شد<sup>(٥)</sup>.

۲۳- محمد احمد بود که در سال ۱۲۶۰ هـ در سودان قیام نمود و از قبیله دنقله در جزیره « نبت » مقابل « دنقلا » و بگفته بعضی در « حنك » متولد شده بود<sup>(٦)</sup>.

۲۴- مردی بود که در رباط عبادیه دور او گرد آمدند و بعنوان فاطمی منتظر بودن دیگران را به مهدویت خود دعوت کرد و اصولاً از نسل و نژاد پیامبر(صلی الله علیه وآله) بود<sup>(٧)</sup>.

۲۵- احمد بن احمد کیال بود که نخست مردم را بمقام امامت خود دعوت کرد ، سپس بعنوان مهدویت قیام نمود و طائفه کیالیه را تشکیل داد<sup>(٨)</sup>.

۲۶- محمد مهدی سنوسی فرزند شیخ محمد سنوسی بود که در اواسط قرن نوزده مسیحی از مغرب زمین برخواست و قبل از مرگ با اشاره باینکه خود او مهدی منتظر نیست بلکه او از این پس خواهد آمد نفی مهدویت خویش نمود و شاید مقصودش از خبر آمدن بعد از این ، قیام پسرش بود<sup>(٩)</sup>.

۲۷- میرزا غلام احمد قادیانی بود که در اوائل قرن نوزده میلادی سنه ۱۸۲۶ از پنجاب هندوستان قیام کرد و با سیک‌های آن سرزمین بر مبنای ادعای نبوت بجنگید و فرقه قادیانی را که هم اکنون دارای پیروانی در هند است تشکیل داد<sup>(۷)</sup> .

۲۸- سید احمد پسر محمدباریلی بود که او را مهدی وهابی نیز گویند ، تولدش بسال ۱۲۲۴ در یکی از شهرهای هندوستان به نام « بریلی » اتفاق افتاد ، پس در خلال نیمه اول از سده سیزده از بین فرقه وهابی در هند قیام به نشر آن مذهب سخیف نمود و به عنوان یکی از اولاد امام حسن بن علی ( امام دوم شیعیان ) خود را شهرت داد سپس بر علیه هندوها و سیک‌های پنجاب هند اعلام جنگ نمود و با برافروخته شدن آتش جنگ مغلوب و کشته شد و بالاخره با تبلیغاتی که داشت و انتشار می داد زمینه برای قیام احمد قادیانی نامبرده مستعد و موجبات نفوذ برای وی بیشتر فراهم شد<sup>(۸)</sup> .

۲۹- علی محمد شیرازی معروف به باب پسر میرزا رضای بزاز شیرازی و متولد همان شهر بسال ۱۲۳۵ از زنی به نام خدیجه بود ، وی از کمالات علمی و ادبی جز زبان فارسی که در شیراز نزد معلمی به نام شیخنا آموخته بود و مقدار کمی هم صرف و نحو خوانده بود بهره دیگری نداشت و بیشتر اهتمام در رشته ریاضت و انجام امور شاقّه به منظور تسخیر جن و روحانیات داشت و بالاخره پس از مدتی بسر بردن در بندر بوشهر رفته رفته دچار خشکی دماغ و خستگی مغز گردید ، پس از بوشهر به کرپلا رفت و از تابعین شیخ احمد احسائی شد و با سید کاظم رشتی که از شاگردان و مروجین احسائی بود و در بافندگی و جاهم اندازی اباطیل و خرافات مهارتی بسزا داشت مصاحبت نمود<sup>(۹)</sup> ، پس از فوت احسائی و سید کاظم رشتی به شاگرد دیگر احسائی حاج کریم خان ( مؤسس فرقه ضاله شیخیه که عنوان رکن رابع بودن را مطرح نمود ) بیبوست ، و نخست به عنوان باب او و خلیفه الخلیفه سر برافراشت و چون آوازه اش بلند شد و قدری بر سر زبانها افتاد خود را به باب مهدی منتظر معرفی نمود .

سپس دم از استقلال و مهدویت زد و چون متوجه شد به قول عوام « خر فراوان است » و مریدانی از خود جاهل تر و احمق تر به دورش گرد آمدند دعوای نبوت را مطرح نمود و بافته‌هایی را - به عنوان وحی الهی و آیات آسمانی که خالی از معنا و عاری از قانون ادب و محاوره و برخلاف منطق و در حقیقت بهترین سند حماقت و فساد عقلی او و پیروانش بود - انتشار داد و در پایان جنون او شدت یافت و هوس خدائی و الوهیت پیدا کرد که کتاب « البیان » وی بهترین شاهد و بیانگر کفریات اوست .

توضیحا چون سیاست اجانب پشتیبانی از وی را مقتضی دید با نفوذی که در داخله مملکت ایران داشت موجبات تقویت و گسترش فساد او را با هزینه تبلیغاتی و جلوگیری از تعرض دیگران بر عهده گرفت تا آنجا که با تحلیل هرگونه حرامی و آزادی در ارتکاب هرگونه بدعت و عمل نامشروع عده ای از عوام الناس و افراد سفله و بی بند و بار فریب او را خوردند و بدو پیوستند .

در آغاز امر علما و روحانیون آن عصر بخاطر راه و رسم جنون آمیزی که از وی به نمایش درآمد از حکم به قتل او خودداری و استتکاف نمودند و چون هر روز شراره های فتنه او گسترش مییافت ، بمنظور جلوگیری از شرش و مصونیت مردم از آتش فتنه و بیراهه بری وی لازم دانستند حکم قتلش را صادر نمایند همچنانکه فتوی به کفر و نجس بودن بهائی ها و ممنوعیت ازدواج با آنها را صادر نمودند . از طرفی هم چون فتنه او مقام سلطنت را تهدید می کرد حکم قتلش عملاً تأیید و با به دار آویختن و اعدامش معلوم شد او هم یکی از مهدی های دروغین بود که نخست بدست عوامل روس رشد و پرورش یافت و بعد از موجودیت او که کانون فساد از آب درآمد انگلیسی ها از وی بهره برداری نمودند و بالاخره ملیونها نفر مسلمان ضعیف و خوش باور را از اسلام و تشیع جدا کرده گرایش به کفر دادند (۱) .

آری متأسفانه \_ با اینکه بر اثر سقوط شاه طرفدار آنها و برقراری جمهوری اسلامی و برچیده شدن بساط سلطنت که يك بُعْدش سوء استفاده هرچه بیشتر بهائی گری از قدرت آن بود بساط آزادی و رسمیت بهائی گری در ایران برچیده شد \_ هنوز این رشته باطل کم و بیش سر دراز دارد و از طریق عوام فریبی در گوشه و کنار بدین روش باطل کفر آمیز ادامه می دهند .

\* \_\_\*\_\_\*

و اما کسانی که در عصر ائمه اطهار علیهم السلام به دروغ مدعی بابت و نیابت و سفارت از طرف حضرت بقیة الله محمد بن الحسن العسکری عج شدند ، پس محدث عالیقدر شیعه شیخ طوسی تعداد هشت نفر را معرفی نموده که ما بخاطر اختصار به ذکر نام آنها بسنده کرده و خواستاران شرح حال تفصیلی آنها را به کتاب « الغیبة » محدث نامبرده ارجاع می دهیم:

۱- ابومحمد حسن معروف به شریعی از اصحاب امام هادی و امام عسکری بود که به دعوای بابت از ناحیه حضرت مهدی برخواست و از آن ناحیه توقیع در لعن وی صادر گردید .

۲- محمد بن نصیر نمیری .

۳- احمد بن هلال کرخی .

۴- ابوطاهر محمد بن علی بن بلال .

۵- حسین بن منصور حلاج صوفی که ابوالقاسم بن روح یکی از وکلای امام زمان در عهد غیبت صغری به امر امام دستور مهدور الدم بودنش را صادر نمود ، نیز بحکم علما تکفیر شد ، اما در نظر صوفیه دست کمی از مقام نبوت نداشته و ندارد بلکه دعوی خدائی هم از وی سرزد و بالاخره محکوم به اعدام شد. [ خیراتیه ج ۱ ص ۱۵۹ - ۱۶۱ ]

۶- ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی معروف به ابن ابی عزافر.

۷- ابوبکر بغدادی برادر زاده محمد بن عثمان عمری ( نایب دوم از نواب اربعه حضرت مهدی ) .

۸- ابودلف - رفیق ابوبکر بغدادی - (۱).

در پایان این مقال توجه خوانندگان را بدین نکته جلب و یادآور می شویم که از بررسی احوال نامبردگان و کسانی که پیروی از آنها می کردند یا مهدویت را به کسی که خود مدعی نبود نسبت می دادند معلوم و محقق میشود که اصل موضوع مهدویت در اسلام و عقیده به ظهور و قیام مهدی موعود و برقرار شدن انقلاب اسلامی جهانی و عدل و داد سراسری بدست او پدیده يك سلسله آیات شریفه قران و فرموده های پیامبر اکرم و بعضی از صحابه الهام گیرنده از ان حضرت است که مورد اتفاق سنی و شیعه می باشد ، و بر اساس همین آیات و احادیث و پیشگوییها و هشدارها بود که مردم از باستان زمان آماده برای ظهور مهدی موعود منتظر و چشم براه او بوده اند و مهدی های دروغین و نواب های قلابی و ادعایی هم از این رهگذر سوء استفاده نموده و بعنوان مهدی و نایب مهدی قیام نموده و هردسته و گروهی فریب یکی از اینها را خورده و به پیروی و ترویجش می شتافتند

پس اگر عنوان مهدویت اصالت اسلامی نداشت نه مدعیان دروغین می توانستند آن را مطرح و وسیله تجمع عوام به دور خود قرار دهند ، و نه عوام و پیروان مهدی های ادعایی سرزخی در دست داشتند که بدانها معتقد و علاقمند شوند و از آنان پیروی نمایند .

بطور خلاصه اصالت مهدویت و ریشه گرفتن آن از ناحیه شخص پیغمبر (صلی الله علیه وآله) بود که فریب دهندگان آن را سرنخ دعوای مهدویت قرار دادند و فریب خوران هم آن را سرنخ گرایش به مهدی های ادعایی و دروغین قلمداد نمودند و کار هر دو دسته به کفر و جدایی از اسلام راستین منتهی شد .

## کسی که خروج و قیام مهدی منتظر را انکار نماید یا آن را تکذیب کند و دروغ انگارد ، بدانچه خدا بر پیامبر نازل فرموده کافر شده

از جمله فرموده های پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در رابطه با مهدی منتظر و خروج آن حضرت این دو حدیث است که هر يك بيانگر کفر کسی باشد که ظهور و خروج او را انکار یا حضرتش را تکذیب نماید:

۱- عن جابر بن عبدالله قال قال رسول الله ( ص ) : « من انكر خروج المهدي فقد كفر بما انزل على محمد ... »

۲- « ... و من كذب المهدي فقد كفر »

و اما مصادر نقل آنها پس بدین قرار است:

۱- « فوائد الاخبار »

ابوبکر احمد بن محمد اسکافی یا اسکاف ( ۲۶۰ ) به نقل مصادر مورد اشاره ذیل

۲- « جمع الاحادیث الواردة فی المهدي »

حافظ ابوبکر بن خيثمه - احمد بن زهير بن حرب نسائی ( ۲۷۹ ) به نقل سيد محمد صديق

قنوجی بخاری در « الاذاعة ... » ص ۱۳۷

۳- « معانی الاخبار »

ابوبکر محمد بن ابراهيم کلابادی بخاری ( ۳۸۰ ) نیز بنقل مصادر ذیل



#### ۴- « روض الانف و شرح السيرة »

ابوالقاسم عبدالرحمن سهیلی ( ۵۸۱ ) ج ۲ ص ۴۳۱ از مالک بن انس از محمد بن منکدر از جابر

#### ۵- « عقد الدرر فی اخبار المهدي المنتظر »

یوسف بن یحیی مقدسی شافعی ( ۶۸۵ ) ص ۱۵۷ به نقل از « فوائد الاخبار » از اسکافی و  
« شرح السیره » ابوالقاسم سهیلی .

#### ۶- « فرائد السمطين »

شیخ ابراهیم بن محمد حموی ( ۷۳۰ ) ج ۲ ص ۳۳۴ شماره ۵۸۵ به نقل از ابوبکر محمد بن  
ابراهیم کلاباذی - مؤلف « معانی الاخبار »

#### ۷- « لسان الميزان »

ابن حجر عسقلانی ( ۸۵۲ ) ج ۵ ص ۱۴۷ چاپ مصر و ص ۱۳۰ چاپ حیدرآباد به نقل از « معانی  
الاخبار » کلاباذی

#### ۸- « العرف الوردی فی اخبار المهدي »

جلال الدین سیوطی ( ۹۱۱ ) ص ۱۶۱ بنقل از « فوائد الاخبار » اسکافی ،

#### ۹- « القول المختصر فی علامات المهدي المنتظر »

ابن حجر شافعی مکی ( ۹۷۴ ) ص ۵۶ عکس نسخه خطی مکتبه ظاهریه شام در کتابخانه آیت  
اللّه مرعشی قم بنقل از فوائد الاخبار اسکافی و شرح السیره ابوالقاسم سهیلی

#### ۱۰- « نیز در « الفتاوی الحدیثیه »

ابن حجر مکی ص ۳۷ و برحسب چاپ مندرج در الامام المهدي ص ۳۳۲

#### ۱۱- « البرهان فی علامات مهدي آخرالزمان »

متقی هندی ( ۹۷۵ ) پایان باب سیزدهم کتاب ، بنقل از یحیی بن محمد حنیفی ضمن فتوای او  
( در ردّ مهدی دروغین جونیوری ) صادر در سنه ۹۵۲ هـ .

### ۱۲- « لوائح الانوار الالهيه . . . »

شیخ محمد بن احمد سفارینی حنبلی ( ۱۱۸۸ ) ج ۲ بخش ویژه حضرت مهدی تحت عنوان  
« فائدة الخامسة » بنقل از حافظ اسکافی ( مؤلف فوائد الاخبار ) از جابر بن عبدالله با تعبیر به مرضی و  
پسندیده بودن سند آن .

### ۱۳- « ینایع الموده »

سلیمان بن ابراهیم قندوزی ( ۱۲۹۴ ) ، آغاز باب ۷۸ بنقل از جابر بن عبدالله انصاری

### ۱۴- « الاذاعه لما كان و ما يكون بين يدى الساعة »

سید محمد صدیق قنوجی بخاری ( ۱۳۰۷ ) ص ۱۳۷ بنقل از « جمع الاحادیث الواردة فی  
المهدی » ابن خیثمه و « فوائد الاخبار » اسکافی

### ۱۵- « المهدی المنتظر »

ابوالفضل عبدالله بن محمد بن صدیق مغربی ادیسی ( ۱۳۰۸ ) ص ۹۴ ، به نقل از « فوائد الاخبار  
ابوبکر اسکافی »

**فهرست ۶۷ متن حدیثی ، تاریخی و کلامی پیرامون**

**حضرت مهدی منتظر ( عج ) مندرج در کتاب**

**« الامام المهدی عند أهل السنة »**

**الجزء الأول:**

- ١ - المصنف ... لعبدالرزاق بن همام ( المتوفى ٢١١ )
- ٢ - مصنف ... للحافظ عبدالله بن محمد بن ابى الجاشية الكوفى ( ٢٢٥ )
- ٣ - السنن ... لابن ماجه القرينى ( ٢٧٣ )
- ٤ - السنن ... لأبى داود السجستاني ( ٢٧٥ )
- ٥ - السنن ... للترمذى ( ٢٩٧ )
- ٦ - البدء و التاريخ ... للمقدسى ( بعد ٣٥٥ )
- ٧ - المعجم الكبير ... للطبرانى ( ٢٨٨ )
- ٨ - معالم السنن ... لأبى سليمان الخطابى ( ٢٨٨ )
- ٩ - مستدرک الصحيحين ... للحاكم النشابورى ( ٤٠٥ )
- ١٠ - فردوس الاخبار ... لشيرويه بن شهردار الديلمى ( ٥٠٩ )
- ١١ - مصابيح السنة ... للبعوى ( ٥١٤ - ٥١٠ )
- ١٢ - جامع الاصول ... لابن أثير الجزرى ( ٦٠٦ )
- ١٣ - الفتوحات المكية ... لمحى الدين بن عربى ( ٦٢٨ )
- ١٤ - مطالب السنول ... لابن طلحة الشافعى ( ٦٥٢ )
- ١٥ - تذكرة خواص الأمة ... لسبط ابن جوزى ( ٦٥٤ )
- ١٦ - شرح نهج البلاغة ... لابن أبى الحديد ( ٦٥٥ )
- ١٧ - مختصر سنن أبى داود ... للمنزرى ( ٦٥٦ )

الشافعي ( بعد ٤٥٨ )

- ٢٠ - تذكرة القرطبي ... لمحمد بن أبي بكر القرطبي ( ٤٧١ )
- ٢١ - وفيات الأعيان ... لإبن خلكان الإربلي ( ٤٨٩ )
- ٢٢ - ذخائر العقبي ... لمحي الدين الطبري ( ٤٩٤ )
- ٢٣ - فرائد السمطين ... للحموني الخراساني ( ٧٢٢ )
- ٢٤ - مشكاة المصابيح ... للخطيب التبريزي ( ٧٣٧ )
- ٢٥ - تلخيص «المستدرک حاکم» ... حافظ ذهبي ( ٧٤٨ )
- ٢٦ - خريدة العجائب ... لسراج الدين ابن الوردی ( ٧٤٩ )
- ٢٧ - المنار المنيف ... لإبن قيم الجوزية الحنبلي ( ٧٥١ )
- ٢٨ - الفتن و الملاحم ... لإبن كثير الدمشقي ( ٧٧٤ )
- ٢٩ - مودة القربى ... للسيد علي الهمداني ( ٨٧٤ )
- ٣٠ - شرح المقاصد ... لسعدالدين التفتازاني ( ٧٩٣ )
- ٣١ - مجمع الزوائد ... لنورالدين الهيتمي الشافعي ( ٨٠٧ )
- ٣٢ - موارد الظمان ... لنورالدين الهيتمي الشافعي ( ٨٠٧ )
- ٣٣ - الفصول المهمة ... لإبن الصبّاغ المالكي ( ٨٥٥ )
- ٣٤ - العرف الوردی ... للسيوطي الشافعي ( ٩١١ )
- ٣٥ - الأئمة الإثنى عشر ... لإبن طولون الدمشقي ( ٩٥٣ )
- ٣٦ - اليواقيت و الجواهر ... لعبد الوهاب الشعراني ( ٩٧٣ )

٣٧ - الصواعق المحرقة ... لأحمد بن حجر الهيتمي (٩٧٤)

٣٨ - الفتاوي الحديثة ... لأحمد بن حجر الهيتمي (٩٧٤)

٣٩ - القول المختصر فى مهدي المنتظر ... لابن حجر المكي الهيتمي (٩٧٤)

٤٠ - كنز العمال ... لعلاء الدين المتقي الهندي (٩٧٥)

٤١ - البرهان فى اخبار صاحب الزمان ، ... لحسام الدين المتقى الهندي (٩٧٥)

٤٢ - مرقاة المفاتيح شرح المصابيح ... لعلي القاري الحنفي (١٠١٤)

٤٣ - أخبار الدول و آثار الأول ... لأحمد الدمشقي القرمانى (١٠١٩)

٤٤ - الإشاعة من أشراف السّاعة ... لمحمد بن عبدالرسول البرزنجي (١١٠٣)

٤٥ - فتح المنان شرح الفوز و الامان ... لأحمد بن علي الميني (١١٧٣)

الجزء الثاني:

٤٦ - لوائح الأنوار الإلهية ... لشمس الدين السفاريني (١١٨٨)

٤٧ - اسعاف الراغبين ... لمحمد الصبان الشافعي (١٢٠٦)

٤٨ - ينابيع الموده ... لسليمان القندوزي (١٢٧٠)

٤٩ - نور الابصار ... للسيد مؤمن الشيلنجي (بعد ١٢٩٠)

٥٠ - مشارق الانوار ... للشيخ حسن الخمراوي المصري (١٣٠٣)

٥١ - الاذاعة لما كان و ما يكون ... للسيد محمد صديق القنوجي (١٣٠٧)

٥٢ - القطر الشهدي في أوصاف المهدي ... لشهاب الدين الحلواني (١٣٠٨)

٥٣ - العطر الوردي في شرح القطر ... لمحمد البليسي الشافعي (١٣٠٨)

- ٥٤ - غالية المواعظ ... لخيرالدين الالوسي الحنفي (١٢١٧)
- ٥٥ - فيض القدير شرح الجامع الصغير ... لعبد الرؤف المناوي (١٠٣١)
- العظيم آبادي (المتولد ١٢٣٧)
- ٥٧ - نظم المتناثر ... لمحمد بن جعفر الكتاني (١٢٤٥)
- ٥٨ - تحفة الأحوزي ... لمحمد عبدالرحمن المباركفوري (١٢٥٤)
- ٥٩ - نظرة في أحاديث المهدي ... لشيخ الأزهر محمد الخضر حسين (١٢٧٧)
- ٦٠ - التاج الجامع للأصول ... للشيخ منصور علي ناصف (١٢٧١)
- ٦١ - إبراز الوهم المكنون ... لأحمد بن صديق المغربي (١٢٨٠)
- ٦٢ - المهدي المنتظر ... لابن صديق البخاري الغماري (١٢٨٠)
- ٦٣ - حول المهدي ... للشيخ ناصرالدين الألباني (المعاصر)
- ٦٤ - عقيدة أهل السنة ... للشيخ عبدالمحسن العباد (المعاصر)
- ٦٥ - ذيل « عقيدة أهل السنة » ... للشيخ عبدالعزيز بن باز (المعاصر)
- ٦٦ - الرد على من كذب بالأحاديث المهدي ... للشيخ عبدالمحسن العباد (المعاصر)

### فتوای چهار نفر از فقهای مذاهب اربعه سنی درباره منکرین مهدی منتظر عج

نظر به اینکه در اوائل سده دهم هجری شخصی بنام محمد جونپوری با فریب دادن مردم عوام سنی به عنوان مهدی منتظر در سرزمین هند قیام کرد و گروههایی از عوام فریب خور بدو گرویدند و بالاخره کم کم موضوع مهدویت او مسئله آفرین شد ، اهل تسنن از چهارنفر از علمای سنی درباره شخصیت مهدی و مهدویت جونپوری استفتاء و نظرخواهی شرعی نمودند .

آنها هم با تکیه و استناد به احادیثی که بیانگر علائم ظهور مهدی موعود منتظر است و شخص مدعی مهدویت هم فاقد شرایط امامت بود و هم ظهورش غیر مقرون به علائم ظهور حضرت مهدی ، او را تخطئه و رد نموده و حتی خود و پیروانش را - بر اساس بیراهه روی و تکفیر مسلمانان مخالف با وی - تکفیر و محکوم به ارتداد و اعدام کردند .

اکنون ما بخاطر رعایت اختصار از ذکر متون آن فتاوی معذرت خواسته ولی در رابطه با موضوع بحث که در رد و رهنمون منکران حضرت مهدی و تخطئه کنندگان احادیث پیرامون آنحضرت خلاصه می شود خواستاران آنرا به کتاب «البرهان» متقی هندی (باب سیزدهم) که در رد محمد جونپوری و مشتمل بر فتاوی مذکور است ارجاع می دهیم تا خود با ملاحظه آن فتاوی پی به واقع امر و مخالفت جدی علمای سنی با منکرین آنحضرت برند و در شناخت مهدی راستین اسلام از مهدی های دروغین هر عصر و زمانی دچار اشتباه نشوند .

مهدی فقیه ایمانی

رمضان المبارک ۱۴۱۷

- ملل و نحل شهرستانی ۱۱/۲ ، غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲ ، المهدیه فی الاسلام ص ۹۲ .
- غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲ ، مقدمه ابن خلدون ص ۲۱۹ ، ملل و نحل شهرستانی ۲۰۰/۱ ، المهدیه فی الاسلام ص ۱۰۳ .
- مقدمه ابن خلدون ص ۲۲۲ ، تاریخ فخری ص ۱۴۸ ، مجله الهلال مصر جلد ۱۷ سال ۴ صفحه ۶۴۳ .
- المهدیه فی الاسلام ص ۱۱۷ .
- طبقات ابن سعد ۲۴۵/۵ ، المهدیه فی الاسلام ص ۱۸۴ .
- المهدیه فی الاسلام ص ۱۸۴ .
- ملل و نحل شهرستانی ۲/۲ ، غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲ .
- المهدیه فی الاسلام ص ۱۲۵ .
- ملل و نحل شهرستانی ۴/۲ ، غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲ و ۱۹۸ .
- غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲ و ۱۹۸ .
- ملل و نحل شهرستانی ۷/۲ ، غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲ و ۲۲۰ .
- غیبت شیخ طوسی ص ۲۲۲ و ۲۲۵ – ۲۲۷ و ۲۸۷ .
- المهدیه فی الاسلام ص ۴۸ .
- المهدیه فی الاسلام ص ۱۲۵ .
- طبقات ابن سعد ۲۴۵/۵ ، المهدیه فی الاسلام ص ۱۸۲ .
- تاریخ فخری ص ۲۲۷ ، مقدمه ابن خلدون ص ۳۷۴ ، اخبار الدول واثار الاول قرمانی ص ۱۸۹ .
- تاریخ ابی الفداء ۲۳۲/۲ ، مجله الهلال سال ۴ شماره ۱۷ ص ۶۴۳ ، مقدمه ابن خلدون ص ۳۶۶ .
- المهدیه فی الاسلام ص ۴۸ .
- مقدمه ابن خلدون ص ۲۶۷ ، مجله الهلال سال ۴ شماره ۱۷ ص ۶۴۳ .
- مقدمه ابن خلدون ص ۳۶۷ .
- ترجمه رساله دار مستتر ، از محسن جهانسوز .
- ترجمه رساله دار مستتر .
- مجله الهلال سال ۴ شماره ۱۷ ، ص ۶۴۴ و سال ۷ شماره ۶ .
- مقدمه ابن خلدون ص ۳۶۷ .
- ملل و نحل شهرستانی ۱۷/۲ .
- الهلال سال ۴ شماره ۱۷ ص ۶۴۳ ، ظاهرة الغيبة و دعوی السفاره ص ۳۰۰ – ۳۷۰ ، المهدیه فی الاسلام ص ۳۷۰ ، مفتاح باب الابواب ص ۷۷ .
- دائرة المعارف الاسلامیه ج ۱ ص ۴۹۶ ، المهدیه فی الاسلام ص ۲۶۸ ، مفتاح باب الابواب ص ۶۹ .
- جهت آگاهی بر هویت سید کاظم رشتی و نقیث او در گسترش فرقه بهائی گری رجوع شود به کتاب ظاهرة الغيبة و دعوی السفاره ، میرزا محسن آل عصفور بحرینی ص ۲۴۷ – ۳۰۰ چاپ قم



– دائرة المعارف اسلاميه ١/٤٩٦ ، المهديه في الاسلام ص ٢٤٨ ، مفتاح باب الابواب ص ٦٩ ، نوايح الهدى بلاغى ، اسرار العقايد ميرزا ابوطالب شيرازى چاپ ١٣٣٤ در نويت دوم و دهها كتاب ديگر در رد بهائى گرى كه اكثرأ چاپ و منتشر گرديده ، جهت آگاهى بر فهرست اسامى ٨٧ جلد كتاب در رد آنها مراجعه شود به كتابنامه حضرت مهدي ( ع ج ) تأليف آقاى على اكبر مهدي پور ص ٨١٧ – ٨٢٠ .

– كتاب الغيبة شيخ طوسى ص ٣٩٧ – ٤١٥ و شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد ٨/١٢٢ .

